

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





# غالب

## فصل نامه علمی - پژوهشی پوهنتون / دانش گاه غالب

صاحب امتیاز		پوهنتون غالب
مدیر مسؤول	پوهاند محمد ناصر رهیاب	ISSN
سر دبیر علوم طبیعی	پوهنوال دکتور عزیزالرحمن نیازی	P: 2788-4155
سر دبیر علوم اجتماعی	غلام رسول رحمانی	E: 2788-6441

### اعضای هیئت تحریر

پوهاند محمد ناصر رهیاب	
پوهاند نجیب الله فریور	
پوهاند دکتور خلیل احمد آذر	
پوهنوال دکتور عزیزالرحمن نیازی	
پوهنوال عبدالرؤف مخلص	
پوهندوی دکتور فریداحمد فرزام	
دکتور عبدالملک وحیدی	
محمد مسعود بهره	
صفحه آرا	غلام رسول رحمانی
سال و دوره، سلسله و فصل	سال و دوره یازدهم نشراتی، سلسله ۳۶، بهار ۱۴۰۱
تلیفون: ۲۲۰۷۳۴۳	Email: mail@ghalibqjournal.com
	Website: www.ghalibqjournal.com

### یادآوری

- مطالب ارسالی به فصل نامه، باید علمی - پژوهشی و یا ترجمه های علمی - تحقیقی باشند؛
- هیئت تحریر در ویرایش مقالات آزاد است؛
- مطالب بازتاب یافته در مقاله ها، بیان گر نظرها و دیدگاه های نگارنده گان آن می باشد، نه فصل نامه غالب.



## فهرست مطالب

شماره	عنوان	نگارنده / نگارنده گان	صفحه
۱	مراقبت‌ها و اختلالات عمده بعد از ولادت، نزد خانم‌ها در شهر هرات (۱۴۰۰)	پوهندوی دکتور نثار احمد شایان و هم‌کاران	۱-۱۴
۲	شیوع و الگوی اپن‌دیسیت حاد در شفاخانه حوزه‌وی هرات	رنخوریار دکتور عبدالجلیل رسولی و هم‌کاران	۱۵-۲۴
۳	آینده صنایع در پرتو هوش مصنوعی	احمد نوید آرین کام‌بخش	۲۵-۴۴
۴	نقد ترامتنی رمان‌های «در حضر» و «در سفر» مهشید امیرشاهی	آمنه عرفانی فرد و دکتور علی‌رضا پورشبانان	۴۵-۶۲
۵	آسیب‌شناسی بحران آلوده‌گی صوتی	علی‌الله آزاد و هم‌کاران	۶۳-۷۸
۶	منزلت معاهدات بین‌المللی در نظام حقوقی افغانستان	فضل احمد احمدی	۷۹-۹۶



بخش نخست

علوم طبیعی





## مراقبت‌ها و اختلالات عمده بعد از ولادت، نزد خانم‌ها در شهر هرات (۱۴۰۰)

### نگارنده‌گان: پوهندوی دکتور نثار احمد شایان\*

ملیحه خرسند، اسما غفوری، فایزه موحدی، بهاره اکرمی، ریحانه امینی، ناهید شریفی، مهرالنسا نوری، سونیتا دادفر، فاطمه عطایی، مرضیه ذاکری فر، زهرا عباس‌زاده، لایقه طراوت و مریم سادات\*\*

### چکیده

دوره بعد از زایمان، که به نام نفاس نیز شناخته می‌شود، بلافاصله پس از تولد نوزاد و پلاستنا آغاز می‌شود و ۶ تا ۸ هفته بعد از ولادت به پایان می‌رسد. اختلالات بعد از ولادت منبع قابل توجهی از عوارض و مرگ‌ومیر در زنان در سنین باروری است؛ طوری که، روزانه بیش از ۸۰۰ خانم در سراسر جهان به علت حامله‌گی و عوارض ناشی از آن جان خود را از دست می‌دهند، که فیصدی بالای این مرگ‌ومیرها در کشورهای با درآمد پایین و متوسط صورت می‌گیرد. این تحقیق به شکل توصیفی - تحلیلی، در نواحی مختلف شهر هرات، نزد ۲۵۹ خانم صورت گرفته و خانم‌هایی که در سنین باروری قرار داشته و به صورت داوطلب حاضر به پاسخ‌گویی بودند، شامل تحقیق گردیدند. در این تحقیق ۲۹٫۳٪ خانم‌ها بین سنین ۱۸-۲۴ سال، ۷۶٫۱٪ باسواد و ۷۱٫۸٪ خانم خانه‌بده‌اند. بیش از نیمی از خانم‌های شامل این تحقیق از وجود نوعی از اختلالات بعد از ولادت شکایت داشتند. به اساس یافته‌های این تحقیق بین اختلالات بعد از ولادت خون‌ریزی، مشکلات جنسی، بی‌اختیاری ادرار، محل ولادت، سطح سواد خانم و شوهر، وضعیت اقتصادی و دسترسی به مراکز خدمات صحتی ارتباط معنادار دیده شد. شیوع اختلالات نزد خانم‌ها در شهر هرات در این تحقیق نظر به آمار ارائه‌شده جهانی کشورهای توسعه‌یافته بالا بوده؛ ولی با سایر تحقیقات در افغانستان و کشورهای در حال توسعه، قابل مقایسه می‌باشد. سطح سواد، اقتصاد و شهرنشین بودن بر کاهش اختلالات بعد از ولادت تأثیر قابل ملاحظه‌یی دارد.

**واژه‌گان کلیدی:** مراقبت‌های پس از بارداری، اختلالات، مرگ‌ومیر مادران و هرات-

افغانستان.

\* عضو هیئت‌علمی پوهنتون / دانش‌گاه هرات و غالب (n.a.shayan@gmail.com)

\*\* دانش‌جویان سمستر یازدهم پوهنتون / دانش‌کده طب معالجه‌وی پوهنتون / دانش‌گاه غالب هرات

ISSN

P: 2788-4155

E: 2788-6441

Ghalib

Received: 25 / 03 / 2022

Accepted: 16 / 07 / 2022

## Postpartum care and Complication in pregnant women Herat – Afghanistan

**Authors:** Associated Prof. Dr. Nasar Ahmad Shayan\*

Maliha Khorsand, Asma Ghafoori, Faizah Movahedi, Bahara Akrami, Raihana Amini, Nahid Sharify, Mehrolnisa Noori, Sonita Daadfar, Fatima Attaei, Marziye Zakeri far, Zahra Abbaszada, Layega Taravat and Maryam Sadat\*\*

### Abstract

The postpartum period, also known as the puerperium, begins immediately after delivery of the neonate and placenta and ends 6–8 weeks after delivery. Postpartum complications are a considerable source of morbidity and mortality in women of reproductive age. More than 800 women around the world die every day due to pregnancy and its complications, with a high percentage of these deaths occurring in low- and middle-income countries. This descriptive study was conducted on 249 women in different parts of Herat city and included women of childbearing age who volunteered to respond. In this study, 29.3% of women between the ages of 24-27 years, 76.1% were literate, and 71.8% were housewives. More than half of the women in the study complained of some kind of postpartum complications. Based on the findings of this study, a significant relationship was found between postpartum hemorrhage, sexual problems, urinary incontinence, and place of birth. There was also a significant relationship between the choice of place of birth and the level of literacy of the couple, economic status, and access to health care centers. The prevalence of postpartum complications among women in Herat in this study is high according to the global statistics provided by developed countries, but it is comparable to other studies in Afghanistan and other developing countries. The degree of literacy, economy and urbanization all have a substantial impact on the reduction of postpartum problems. In the future, larger-scale, analytical research involving remote areas and districts is recommended.

**Keywords:** Postpartum care, Maternal mortality, Herat-Afghanistan, Pregnancy

---

\* Academic Cadre of Herat and Ghalib University (n.a.shayan@gmail.com)

\*\* Medical Students of Ghalib University.

---

---

## مقدمه

حامله‌گی شامل یک سلسله تغییرات فیزیولوژیک در وجود مادر است، که جهت تأمین سلامت مادر و طفل ایجاب یک سلسله مراقبت‌های دوران بارداری، زمان ولادت و پس از ولادت را می‌نماید (Akseer et al., 2016: 119-137). پروسه ولادت یک پروسه با استرس روانی و فیزیکی برای مادر است، که ممکن است در صورت بی‌توجهی به مراقبت‌های لازم دوران بارداری، زمان ولادت و بعد از ولادت اختلال روانی و فیزیکی را برای همیشه برای مادر به وجود آورد که در نتیجه سبب اختلال و پریشانی در صحت روحی و فیزیکی مادر، جو خانواده و تربیت فرزندان شود (Ansari et al., 2020:1-9 ; Hung & Chung, 2001:676-684).

باتوجه به مطالعات انجام‌شده در مورد «سلامت مادر بعد از ولادت» در کشورهای مختلف، از جمله افغانستان، نقش عوامل مختلف از جمله عوامل مربوط به مادر، تعداد ولادت‌ها، دسترسی به خدمات صحتی، عوامل اجتماعی، اقتصادی، بی‌توجهی کارکنان صحتی در زمان ولادت و مرخص کردن زود هنگام بعد از ولادت، بررسی و نقش آن‌ها در سلامت مادر بعد از ولادت واضح شده است (Akseer et al., 2016:119-137; Central Statistics Organisation, 2017).

براساس تعریف‌های انجام‌شده، شش هفته اول بعد از ولادت را دوران نقاهت یا نفاس می‌نامند، که طی این دوران تغییرات به‌وجودآمده دوران بارداری نزد مادر دوباره به حالت اولی برمی‌گردد؛ اما شواهدی وجود دارد که نزد برخی از مادران، مشکلات صحتی همچنان باقی مانده و باعث متأثر شدن روند زنده‌گی مادر و طفل می‌شود (Hung & Chung, 2001; Sanghvi et al., 2010:276-281).

براساس مطالعات انجام‌شده روی این موضوع در کشورهای مختلف، نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهند که وضعیت سلامتی مادران یکی از اهداف مهم بسیاری از طرح‌های توسعه جهانی در ۳۰ سال گذشته بوده است، که امروزه همچنان به بهبود، توسعه، سلامت و رفاه مادران ادامه می‌دهد (Hung, 2005:417-424; Hung & Chung, 2001:676-684). خدمات و مراقبت‌های صحتی مادران شاخص‌های کلیدی برای نظارت بر کیفیت مراقبت مادران و پیش‌رفت نتایج سلامت مادران در کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه در آفریقا است. طبق گزارش سازمان صحتی جهانی (WHO) نتایج ضعیف صحت مادران می‌تواند با استفاده از خدمات قبل از ولادت، زمان ولادت، و بعد از ولادت در مراکز صحتی با کارکنان مسلکی کاهش یابد (Hung, 2005:417-424).

## [مراقبت‌ها و اختلالات عمده بعد از ولادت، نزد خانم‌ها در شهر هرات (۱۴۰۰)] غالب

روزانه بیش از ۸۰۰ خانم در سراسر جهان به اثر عوارض مربوط به ولادت و ولادت، جان خود را از دست می‌دهند. از مجموع موارد ذکر شده ۹۹٪ در کشورهای با درآمد کم و متوسط رخ می‌دهد. کشورهای افریقای جنوبی، آسیا و جنوب صحرای افریقا، بالاترین آمار مرگ‌ومیر را دارا می‌باشند (Ansari et al., 2020:1-9). تقریباً ۲۸۹۰۰۰ خانم سالانه از علل مربوط به حامله‌گی جان خود را از دست می‌دهند؛ علل عمده مرگ‌ومیر مادران را خون‌ریزی، عفونت، سقط و اکلامپسی تشکیل می‌دهند (The World Bank, 2019).

باتوجه به اهمیت موضوع در ارتباط با سلامت مادر، به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه، مانند افغانستان، که عدم دسترسی به مراکز صحتی و شرایط اقتصادی بحرانی، حقیقت زنده‌گی بسیاری از زنان افغان می‌باشد، هدف از بررسی و اجرای این تحقیق دریافت عوامل شایع متأثرکننده صحت مادر، به‌خصوص عوامل عمده بعد از ولادت در شهر هرات است. پرسش عمده این است که باتوجه به شرایط فعلی کشور، آیا مراقبت‌های بعد از ولادت در شهر هرات با معیارهای توصیه‌شده سازمان صحتی جهان برابری می‌کند؟ اختلالات و عوارض بعد از ولادت به چه فیصدی می‌باشد؟ و آیا بین ولادت در خانه و ولادت در یک مرکز صحتی از لحاظ اختلالات تفاوت وجود دارد؟

### روش تحقیق

این تحقیق، از نوع توصیفی - تحلیلی بوده، که از ماه سرطان تا قوس سال ۱۴۰۰ ه.ش، در نزد خانم‌هایی که حامله‌گی را تجربه کرده بودند در شهر هرات به مرحله اجرا در آمده است. حجم نمونه در این تحقیق به روش نمونه مناسب Convenience sample صورت گرفته و در این تحقیق با ۲۶۰ خانم در نواحی مختلف شهر هرات به شکل رودر رو مصاحبه انجام گردیده است. سن ۱۵ و بیش‌تر از ۱۵ سال، عدم موجودیت مشکلات روانی پیش‌رفته و هم‌چنان قبول انجام مصاحبه، از جمله شروط ادخال در این تحقیق بوده است.

جمع‌آوری داده‌ها توسط گروهی از محصلان سمستر یازدهم (ده‌تن) پوهنخ‌ی طب معالجه‌وی پوهنتون غالب هرات، انجام گردید. در ابتدا محصلانی که وظیفه جمع‌آوری داده‌ها را به عهده داشتند، به مدت دو ساعت در مورد نحوه توزیع پرسش‌نامه، جمع‌آوری پرسش‌نامه آموزش داده شدند. جمع‌آوری معلومات در این تحقیق توسط پرسش‌نامه‌یی که بعد از مطالعه کامل و همه‌جانبه بررسی متون تهیه گردیده و شامل سه بخش (مشخصات فردی، اجتماعی، اقتصادی - مشخصات مربوط به مراقبت و اختلالات عمده بعد از ولادت) بود، صورت گرفت. بخش اول پرسش‌نامه مشخصات فردی، اجتماعی و اقتصادی است که مجموعاً ۱۳ سوال را شامل بود؛ سوالاتی مانند سن، سطح تحصیلات خانم، وضعیت تأهل، وضعیت اقتصادی، سطح درآمد، تعداد اعضای فامیل،

موجودیت بیماری مزمن را در بر داشت. بخش دوم پرسش نامه مشخصات مربوط به مراقبت است، که جمعاً ۱۶ سوال بود؛ سوالاتی از قبیل سن هنگام ازدواج، سن هنگام حامله‌گی، محل تولد، محل تولد طفل قبلی، جنسیت نوزاد، تعداد ولادت‌ها، سابقه سقط، موجودیت بیماری در زمان حامله‌گی، انجام معاینات (معاینه خون و ادرار) را شامل بود. در بخش نهایی که شامل هفت سوال بود؛ سوالاتی از قبیل موجودیت خون‌ریزی بعد از ولادت، سردردی یا میگرن، انجام اپیزیوتومی، مشکلات جنسی، هموروئید، مشکلات هضمی و بی‌اختیاری ادرار را شامل می‌شد، که از جمله اختلالات عمده بعد از ولادت می‌باشند.

بعد از جمع‌آوری معلومات، پرسش‌نامه به صورت تک-تک کنترل گردید؛ در صورتی که پرسش‌نامه به صورت ناقص خانه‌پری شده بود، شامل پروسه تحلیل و تجزیه نگردید. بعد از جمع‌آوری داده‌ها و کنترل آن‌ها، توسط برنامه SPSS-26 تجزیه و تحلیل گردید. در ابتدا توزیع داده‌ها از لحاظ نورمال بودن آزمایش گردید و در صورت نورمال بودن، توزیع برای آمار توصیفی، فیصدی، میان‌گین و انحراف معیار و در صورت نورمال نبودن داده‌ها از میان و چارک‌ها ۲۵٪ و ۷۵٪ استفاده گردید. برای مقایسه متغیرهای کتگوریک از آزمایش Chi-Square استفاده شد. ساحة اطمینان ۹۵٪ و سوینه خطای تیپ یک ۰,۰۵ تعیین گردید.

## نتایج

در این تحقیق، از نواحی مختلف شهر هرات، تعداد ۲۵۹ خانم شامل تحقیق گردیده است؛ سن خانم‌های شامل این تحقیق بین ۱۸ تا ۶۱ سال و میان‌گین سن و انحراف معیار آن  $29,44 \pm 8,27$  سال بوده است. بیش از نیمی (۵۴,۸٪) از اشتراک‌کننده‌گان شامل این تحقیق را خانم‌های کم‌تر از ۳۰ سال تشکیل داده است (جدول ۱).

### جدول ۱: مشخصات فردی، اجتماعی و اقتصادی خانم‌های اشتراک‌کننده در تحقیق

فصدی (%)	تعداد	فصدی (%)	تعداد	گروه‌های سنی
۵۳,۷	۱۳۹	۲۹,۳	۷۶	۲۴-۱۸
۴۶,۳	۱۲۰	۲۵,۵	۶۶	۲۹-۲۵
		۲۱,۲	۵۵	۳۴-۳۰
۷۳,۰	۱۸۹	۱۳,۱	۳۴	۳۹-۳۵
۲۴,۷	۶۴	۴,۲	۱۱	۴۴-۴۰
۲,۳	۶	۶,۶	۱۷	۴۵ سال و بیش‌تر
				جنسیت نوزاد
				دختر
				پسر
				نوعیت فامیل
				کوچک
				بزرگ
				پراکنده

[مراقبت‌ها و اختلالات عمده بعد از ولادت، نزد خانم‌ها در شهر هرات (۱۴۰۰)] غالب

فصل نامه علمی - پژوهشی پوهنتون غالب

۶

۱۳,۱	۳۴	بی سواد		۲۳,۹	۶۲	بی سواد	
۱۸,۹	۴۹	ابتدایی	سطح تحصیل شوهر	۱۵,۱	۳۹	ابتدایی	سطح
۱۷,۰	۴۴	متوسطه		۱۴,۷	۳۸	متوسطه	تحصیل
۱۷,۸	۴۶	لیسه		۱۷,۸	۴۶	لیسه	خانم
۳۳,۲	۸۶	دانش‌گاه		۲۸,۶	۷۴	دانش‌گاه	
۱۹,۳	۵۰	شغل دولتی		۱۷,۰	۴۴	شغل دولتی	مصروفیت خانم
۶۹,۹	۱۸۱	شغل آزاد	مصروفیت شوهر	۱۱,۲	۲۹	شغل آزاد	
۱۰,۸	۲۸	بی‌کار / دنبال کار		۷۱,۸	۱۸۶	بی‌کار / خانم خانه	
۲۶,۶	۶۹	بلی		۹۱,۵	۲۳۷	بلی	دست‌رسی به خدمات
۷۳,۴	۱۹۰	خیر	امراض مزمن	۸,۵	۲۲	خیر	صحتی
۱۹,۳	۵۰	خانه	محل ولادت طفل	۳,۵	۹	بلی	استفاده از اپویدها
۸۰,۷	۲۰۹	شفاخانه		۹۶,۵	۲۵۰	خیر	در زمان بارداری
۱۰۰,۰	۲۵۹	مجموع		۱۰۰,۰	۲۵۹	مجموع	

قسمی که در جدول ۱ مشاهده می‌گردد، ۷۶,۱٪ خانم‌های شامل این تحقیق با سواد بودند؛ طوری که ۲۶,۶٪ آن‌ها تحصیلات دانش‌گاهی دارند، ۷۱,۸٪ بی‌کار یا خانم خانه، ۹۱,۵٪ دست‌رسی به خدمات صحتی را روایت نموده، ۲۳٪ حداقل از موجودیت یک بیماری که به شکل مزمن بوده، یادآوری نموده، ۸۰,۷٪ محل ولادت طفل خود را شفاخانه اعلام کردند؛ طوری که تنها ۳,۵٪ در زمان بارداری با ادویهٔ اپویده مواجهه داشته‌اند. در مقابل ۳۳,۲٪ خانم‌های شامل این تحقیق شوهرشان تحصیلات دانش‌گاهی داشته و تنها ۱۰,۸٪ خانم‌های شامل این تحقیق شوهرشان بی‌کار یا دنبال کار بودن را روایت کرده‌اند.

جدول ۲: موجودیت مشکلات بعد از بارداری نزد خانم‌های اشتراک‌کننده در تحقیق

تعداد	فیصدی (%)		تعداد	فیصدی (%)
۸۷	۳۳,۶	هرگز	۱۰۸	۴۱,۷
۱۰۲	۳۹,۴	گاهی	۱۳۵	۵۲,۱
۵۰	۱۹,۳	بعضی اوقات	۱۲	۴,۶
۲۰	۷,۷	اکثر اوقات	۴	۱,۵

خون ریزی بعد از

ولادت

مشکلات

جنسی

۷	۴۹,۸	۱۲۹	خیر	سردردی مکرر	۵۴,۱	۱۴۰	خیر	هموروئید
	۵۰,۲	۱۳۰	بله	یا میگرن	۴۵,۹	۱۱۹	بله	
	۵۱,۰	۱۳۲	بلی	مشکلات	۱۲,۰	۳۱	بلی	بی اختیاری ادرار
	۴۹,۰	۱۲۷	خیر	هضمی	۸۸,۰	۲۲۸	خیر	
	۱۰۰,۰	۲۵۹		مجموع	۱۰۰,۰	۲۵۹		مجموع

به اساس یافته‌های این تحقیق، ۴۵,۹٪، ۵۰,۲٪، ۵۱,۰٪ و ۱۲,۰٪ خانم‌های این تحقیق به ترتیب از وجود مشکلات هموروئید، سردردی مکرر یا میگرن، مشکلات هضمی و بی‌اختیاری ادرار شکایت داشتند؛ درحالی‌که ۵۲,۱٪ و ۳۹,۴٪ از خانم‌ها اعلام نمودند که به ترتیب مشکلات جنسی و خون‌ریزی بعد از ولادت را تجربه کرده‌اند (جدول ۲).

جدول ۳: ارتباط بین محل ولادت و مشکلات بعد از ولادت نزد خانم‌های اشتراک‌کننده در تحقیق

Sig.	محل ولادت				Sig.	محل ولادت					
	شفاخانه		خانه			شفاخانه		خانه			
	فیصد (%)	تعداد	فیصد (%)	تعداد		فیصد (%)	تعداد	فیصد (%)	تعداد		
	مشکلات جنسی				خون‌ریزی بعد از ولادت						
$X^2=9,1791$ $p=0,020$	۴۴,۰	۹۲	۳۲,۰	۱۶	هرگز	۳۳,۰	۶۹	۲۶,۰	۱۸		
	۵۱,۲	۱۰۷	۵۶,۰	۲۸	گاهی	۴۱,۱	۸۶	۳۲,۰	۱۶		
	۲,۹	۶	۱۲,۰	۶	بعضی اوقات	۲۰,۶	۴۳	۱۴,۰	۷		
	۱,۹	۴	۰,۰	۰	اکثر اوقات	۵,۳	۱۱	۱۸,۰	۹		
	هموروئید				سردردی مکرر یا میگرن						
$X^2=0,105$ $p=$	۵۴,۵	۱۱۴	۵۲,۰	۲۶	خیر	$X^2=1,511$	۵۱,۷	۱۰۸	۴۲,۰	۲۱	هرگز

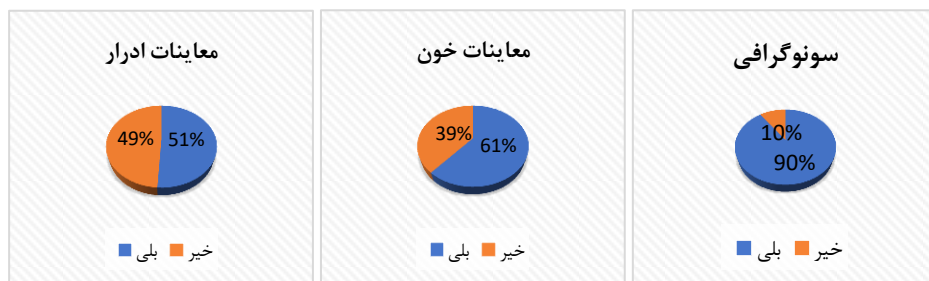
۰,۷۴۶	۴۵,۵	۹۵	۴۸,۰	۳۴	بله	$p=۰,۲۱۹$	۴۸,۳	۱۰ ۱	۵۸,۰	۲۹	کامی
بی اختیاری ادرار						مشکلات هضمی					
$X^2=$ ۵,۹۱۷	۹,۶	۲۰	۲۲,۰	۱۱	بلی	$X^2=$ ۳,۰۱۹	۴۸,۳	۱۰ ۱	۶۲,۰	۳۱	بلی
$p=$ ۰,۰۱۵	۹۰,۴	۱۸۹	۷۸,۰	۳۹	خیر	$p=۰,۰۸۲$	۵۱,۷	۱۰ ۸	۳۸,۰	۱۹	خیر

$X^2$ : Chi square test statistics,  $p < 0.05$  Significance level

به اساس یافته‌های این تحقیق، بین مشکلات بعد از ولادت و خون‌ریزی، مشکلات جنسی و بی‌اختیاری ادرار و محل ولادت، فرق معناداری از لحاظ آماری وجود دارد؛ از طرف دیگر بین متغیرهای سردردی مکرر یا میگرن، هموروئید و مشکلات هضمی و محل ولادت، فرق معناداری از لحاظ آماری ملاحظه نگردید.

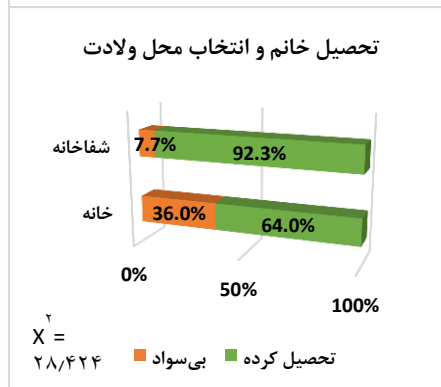
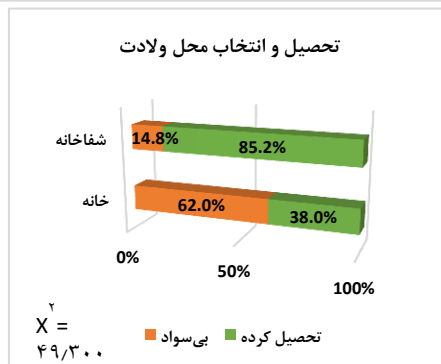
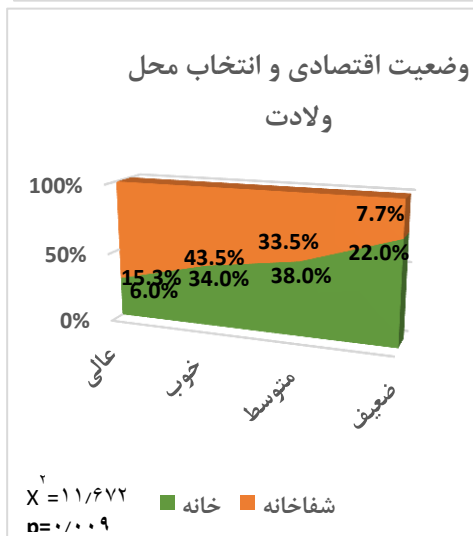
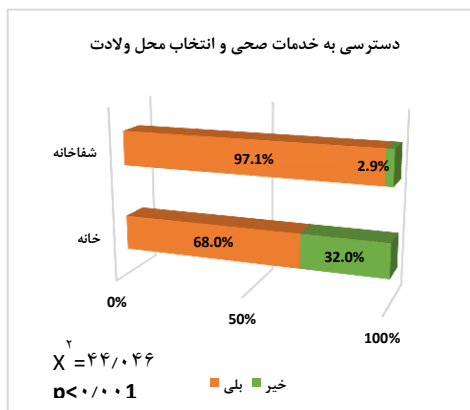
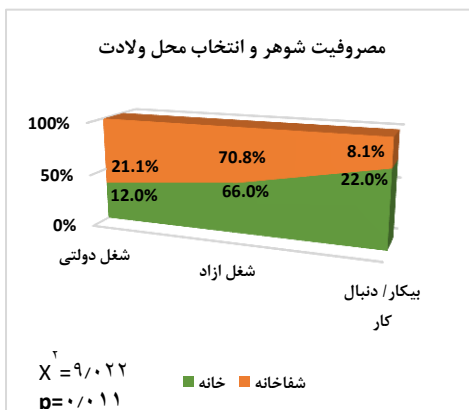
به اساس نتایج این تحقیق، ۱۸٪ خانم‌هایی که ولادت در خانه انجام داده‌اند، نظر به ۵,۳٪ خانم‌هایی که ولادت در شفاخانه انجام داده‌اند، اکثر اوقات خون‌ریزی بعد از ولادت را تجربه کرده‌اند، که این تفاوت از لحاظ آماری معنادار می‌باشد ( $p=0.016$ ). ۱۲,۰٪ خانم‌هایی که ولادت در خانه انجام داده‌اند، نظر به ۲,۹٪ خانم‌هایی که ولادت در شفاخانه انجام داده‌اند، خون‌ریزی بعد از ولادت را تجربه کرده‌اند، که این تفاوت نیز از لحاظ آماری معنادار می‌باشد ( $p=0.020$ )؛ همچنین ۲۲,۰٪ از خانم‌هایی که ولادت در خانه انجام داده‌اند، نظر به ۹,۶٪ خانم‌هایی که ولادت در شفاخانه انجام داده‌اند، بی‌اختیاری ادرار را تجربه کرده‌اند، که این تفاوت نیز از لحاظ آماری، معنادار می‌باشد ( $p=0.015$ ).

شکل ۱: انجام معاینات در دوران بارداری نزد خانم‌های اشتراک‌کننده در تحقیق





شکل ۲. ارتباط بین انتخاب محل ولادت و مشخصات دموگرافیک خانم‌های اشتراک کننده در تحقیق



به اساس یافته‌های این تحقیق، بین متغیرهای تحصیل خانم، تحصیل شوهر، مصروفیت شوهر، وضعیت اقتصادی و دسترسی به خدمات صحتی و انتخاب محل ولادت تفاوت معناداری از لحاظ آماری وجود دارد.

به‌اساس نتایج این تحقیق، ۸۵٫۲٪ خانم‌های تحصیل‌کرده، در مقابل ۱۴٫۸٪ خانم‌های بی‌سواد و ۹۲٫۳٪ خانم‌هایی که شوهران‌شان تحصیل‌کرده‌اند در مقابل ۷٫۷٪ خانم‌هایی که شوهران‌شان بی‌سواد اند، محل ولادت را شفاخانه انتخاب کرده‌اند، که این تفاوت نیز از لحاظ آماری معنادار می‌باشد ( $p < 0.001$ ,  $p < 0.001$ ). ۹۷٫۱٪ خانم‌هایی که به مراکز خدمات صحتی دسترسی داشتند، در مقابل ۲٫۹٪ خانم‌هایی که به خدمات صحتی دسترسی نداشتند شفاخانه را برای ولادت انتخاب کرده‌اند ( $p < 0.001$ ). ۱۵٫۳٪ از خانم‌هایی که وضع اقتصادی عالی دارند ولادت در شفاخانه را انتخاب کرده‌اند؛ در حالی که تنها ۶٫۰٪ از آن‌ها ولادت در خانه را انتخاب کرده‌اند، که این تفاوت از لحاظ آماری معنادار می‌باشد ( $p = 0.011$ )؛ همچنین ۲۲٫۰٪ از خانم‌هایی که شوهران‌شان بی‌کار یا دنبال کار هستند، ولادت در خانه را انتخاب کرده‌اند؛ در حالی که تنها ۸٫۱٪ از آن‌ها ولادت در شفاخانه را انتخاب کرده‌اند، که این تفاوت نیز از لحاظ آماری معنادار می‌باشد ( $p = 0.009$ ).

### مناقشه تحقیق

در سال‌های اخیر، پیش‌رفت‌های قابل توجهی در ارائه خدمات صحت مادر و نوزاد (MHC) در افغانستان صورت گرفته است (Akseer et al., 2016:119-137)؛ با این حال، شاخص‌های کلیدی؛ مانند دریافت مراقبت‌های قبل از ولادت (ANC) (۵۹٪) یا مراقبت‌های پس از ولادت (PNC) برای نوزادان (۹٪)، پایین باقی مانده است (Central Statistics Organisation, 2017). افغانستان یکی از کشورهای است که بالاترین نرخ مرگومیر مادران در جهان را دارا می‌باشد (Rahmani & Brekke, 2013). به اساس آمار بانک جهانی و یونسف در افغانستان، به ازای هر صد هزار تولد زنده، ۶۳۸ خانم جان خود را از دست می‌دهند (World Bank, 2020).

به اساس گزارش یونسکو، نرخ سواد در افغانستان ۴۳٪ بوده (مردها ۵۵٪ و خانم‌ها ۲۹٫۸٪) (UNESCO, 2020)؛ اما در این تحقیق به دلیل این که تنها در شهر هرات انجام شده است، نرخ سواد نزد مردها ۸۶٫۹٪ و نزد خانم‌ها ۷۶٫۱٪ بالاتر می‌باشد. در این تحقیق نرخ تولد در خانه ۱۹٫۳٪ دریافت گردید، که در مقایسه با سایر کشورها بلندتر می‌باشد؛ طوری که این نرخ در انگلستان ۲٫۳٪، در نیوزلند ۳٫۳٪، در جاپان ۱٫۱٪ می‌باشد، این نرخ تولد در خانه مشابه با یافته‌های کشور هلند ۲۰٫۰٪ می‌باشد (Zielinski et al., 2015:361-377). به اساس یک سرشماری انجام شده توسط دانش‌گاه جانز هاپکینز در سال ۲۰۰۶ در افغانستان، تنها نیمی از خانم‌های باردار در شهر کابل به قابل و عرضه خدمات صحتی دسترسی دارند؛ در حالی که این رقم در مناطق دورافتاده افغانستان

۲٪ می‌باشد (Rahmani & Brekke, 2013:166)، تا سال ۲۰۱۶، بین ۰٫۳٪ تا ۹۰٫۶٪ از کل تولدها در خارج از مؤسسات مراقبت‌های صحی در کشورهای با منابع کم و متوسط در سراسر جهان اتفاق می‌افتد (WHO, n.d.). در این تحقیق ۱۹٫۳٪ از ولادتها در خانه انجام شده‌اند. یافته‌های این تحقیق نیز تفاوت معناداری از لحاظ آماری نزد خانم‌های باسواد و بی‌سواد و هم‌چنان سطح سواد شوهر خانم و انتخاب محل تولد را نشان می‌دهد (جدول ۴ و شکل ۲).

این مطالعه بینش‌های ارزش‌مندی را در مورد چالش‌های خاص در مراقبت‌های پس از ولادت و فاکتورهای مرتبط در افغانستان ارائه می‌دهد. خون‌ریزی عامل اصلی مرگ‌ومیر مادران در سراسر جهان است و ۵۶٪ از مرگ‌ومیر مادران در افغانستان را تشکیل می‌دهد، مشکلات موجود در شفاخانه‌های افغانستان چالش‌های جدی را سر راه مراقبت‌های بعد از ولادت می‌گذارد (Ansari et al., 2020:1-9; Sanghvi et al., 2010:276-281). مطابق تحقیقی که توسط شهبازی و هم‌کارانش در افغانستان انجام شده است، شیوع خون‌ریزی شدید بعد از ولادت را ۲٫۵٪ دریافت کردند؛ ولی در مطابق این تحقیق شیوع خون‌ریزی شدید ۷٫۵٪ دریافت گردیده است (Shahbazi Sighaldehy et al., 2020)؛ طوری که تحقیق شهبازی تنها در شفاخانه‌های کابل صورت گرفته است؛ ولی این تحقیق از نواحی مختلف شهر هرات نمونه‌برداری نموده است. بر اساس مطالعات دیگر، شیوع خون‌ریزی بعد از ولادت دارای تنوع منطقه‌یی گسترده‌یی است؛ طوری که افریقا دارای ارقام بالایی از خون‌ریزی شدید (۵٫۱٪) است؛ پس از آن شیوع حدود ۴٫۳٪ در امریکای شمالی و کم‌ترین شیوع در آسیا (۱٫۹٪) قرار دارد (Calvert et al., 2012:41114). در این تحقیق، در مورد خون‌ریزی بعد از ولادت تفاوت معناداری در میان محل انتخاب شده برای ولادت خانه و شفاخانه نیز وجود دارد (جدول ۳).

مطابق تحقیق و سنس و هم‌کارانش شیوع بی‌اختیاری ادرار در دوره پس از ولادت از ۳٪ تا ۴۰٪ متغیر ذکر شده است (Wesnes et al., 2009:700-707). شیوع بی‌اختیاری ادرار در تحقیق ما ۱۲٫۰٪ دریافت گردید، که با شیوع بی‌اختیاری روزانه و ماهانه مطالعه مروری تام و هم‌کاران مطابقت کامل دارد (Thom & Rortveit, 2010:1511-1522). شیوع کلی مشکلات جنسی در این تحقیق ۵۸٫۲٪ دریافت گردیده است، که با مطالعه گوت‌زایت و هم‌کاران (۴۱٫۰٪ تا ۸۳٫۰٪) مطابقت دارد (Gutzeit et al., 2020:8-13). در این تحقیق تفاوت معناداری در رابطه با محل ولادت طفل و بی‌اختیاری ادرار و مشکلات جنسی دریافت گردید؛ طوری که این مشکلات در ولادتهای شفاخانه به‌طور معناداری کم‌تر رخ می‌دهند (جدول ۳).

## نتیجه‌گیری

یکی از مشکلات عمده صحت عامه در کشور عزیزمان افغانستان، مرگ‌ومیر مادران می‌باشد. به اساس یافته‌های تحقیقات زیادی عواملی مانند سن کم در هنگام ازدواج، سطح سواد خانم و شوهر، دسترسی به خدمات صحتی، وضعیت اقتصادی و یک تعداد عوامل دیگر بر مراقبت‌ها و اختلالات بعد از ولادت تأثیرگذار می‌باشند. یکی از عوامل عمده اختلالات بعد از ولادت، خصوصاً در کشور عزیز ما محل ولادت می‌باشد. به اساس یافته‌های این تحقیق تمامی مشکلات بعد از ولادت (خون‌ریزی بعد از ولادت، سردردی مکرر، مشکلات هضمی، مشکلات جنسی، هموروئید و بی‌اختیاری ادرار) در نزد خانم‌هایی که در خانه ولادت نموده‌اند، در مقایسه با خانم‌هایی که در شفاخانه ولادت نموده‌اند، بیش‌تر می‌باشد.

## سرچشمه‌ها

1. Akseer, N., Bhatti, Z., Rizvi, A., Salehi, A. S., Mashal, T., & Bhutta, Z. A. (2016a). **Coverage and inequalities in maternal and child health interventions in Afghanistan.** *BMC Public Health*, 16(S2), 797. <https://doi.org/10.1186/s12889-016-3406-1>
2. Akseer, N., Bhatti, Z., Rizvi, A., Salehi, A. S., Mashal, T., & Bhutta, Z. A. (2016b). *Coverage and inequalities in maternal and child health interventions in Afghanistan.* <https://doi.org/10.1186/s12889-016-3406-1>
3. Ansari, N., Maruf, F., Manalai, P., Currie, S., Soroush, M. S., Amin, S. S., Higgins-Steele, A., Kim, Y. M., Stekelenburg, J., van Roosmalen, J., & Tappis, H. (2020). Quality of care in prevention, detection and management of postpartum hemorrhage in hospitals in Afghanistan: An observational assessment. *BMC Health Services Research*, 20, 484. <https://doi.org/10.1186/s12913-020-05342-y>
4. Ansari, N., Maruf, F., Manalai, P., Currie, S., Soroush, M. S., Amin, S. S., Higgins-Steele, A., Kim, Y. M., Stekelenburg, J., Van Roosmalen, J., & Tappis, H. (2020). Quality of care in prevention, detection and management of postpartum hemorrhage in hospitals in Afghanistan: An observational assessment. *BMC*

*Health Services Research*, 20(1), 1–9.  
<https://doi.org/10.1186/s12913-020-05342-y>

5. Calvert, C., Thomas, S. L., Ronsmans, C., Wagner, K. S., Adler, A. J., & Filippi, V. (2012). Identifying Regional Variation in the Prevalence of Postpartum Haemorrhage: A Systematic Review and Meta-Analysis. *PLoS ONE*, 7(7), e41114.  
<https://doi.org/10.1371/journal.pone.0041114>

6. Central Statistics Organisation. (2017). *Ministry Public Health (MoPH) and ICF 2017. Demographic and Health Survey. Kabul Afghanistan: Central Statistics Organization; 2015.*

7. Gutzeit, O., Levy, G., & Lowenstein, L. (2020). Postpartum female sexual function: Risk factors for postpartum sexual dysfunction. *Sexual Medicine*, 8(1), 8–13.

7. *Health*. (n.d.). Retrieved February 8, 2022, from <https://www.unicef.org/afghanistan/health>

8. Hung, C.-H. (2005a). Measuring postpartum stress. *Journal of Advanced Nursing*, 50(4), 417–424.

9. \_\_\_\_\_ (2005b). Measuring postpartum stress. *Journal of Advanced Nursing*, 50(4), 417–424.  
<https://doi.org/10.1111/j.1365-2648.2005.03407.x>

10. Hung, C.-H., & Chung, H.-H. (2001). The effects of postpartum stress and social support on postpartum women's health status. *Journal of Advanced Nursing*, 36(5), 676–684.

11. Rahmani, Z., & Brekke, M. (2013). Antenatal and obstetric care in Afghanistan – a qualitative study among health care receivers and health care providers. *BMC Health Services Research*, 13(1), 166. <https://doi.org/10.1186/1472-6963-13-166>

12. Sanghvi, H., Ansari, N., Prata, N. J. V., Gibson, H., Ehsan, A. T., & Smith, J. M. (2010). Prevention of postpartum hemorrhage at home birth in Afghanistan. *International Journal of Gynecology & Obstetrics*, 108(3), 276–281.  
<https://doi.org/10.1016/j.ijgo.2009.12.003>

13. Shahbazi Sighaldehy, S., Nazari, A., Maasoumi, R., Kazemnejad, A., & Mazari, Z. (2020). Prevalence, related factors and maternal outcomes of primary postpartum haemorrhage in governmental hospitals in Kabul-Afghanistan. *BMC Pregnancy and Childbirth*, 20, 428. <https://doi.org/10.1186/s12884-020-03123-3>
  14. The World Bank. (2019). *Maternal mortality ratio (modeled estimate, per 100,000 live births)—Afghanistan, Mauritius, Japan | Data*. <https://data.worldbank.org/indicator/SH.STA.MMRT?locations=AF-MU-JP>
  15. Thom, D. H., & Rortveit, G. (2010). Prevalence of postpartum urinary incontinence: A systematic review. *Acta Obstetrica et Gynecologica Scandinavica*, 89(12), 1511–1522. <https://doi.org/10.3109/00016349.2010.526188>
  16. UNESCO. (2020). *Interview: “Literacy rate in Afghanistan increased to 43 per cent” | UIL*. <https://uil.unesco.org/interview-literacy-rate-afghanistan-increased-43-cent>
  17. Wesnes, S., Hunskar, S., Bo, K., & Rortveit, G. (2009). The effect of urinary incontinence status during pregnancy and delivery mode on incontinence postpartum. A cohort study\*. *BJOG: An International Journal of Obstetrics & Gynaecology*, 116(5), 700–707. <https://doi.org/10.1111/j.1471-0528.2008.02107.x>
  18. WHO. (n.d.). *Geneva: Global Health Observatory; 2020*. <https://apps.who.int/iris/bitstream/handle/10665/332070/9789240005105-eng.pdf>
  19. World Bank. (2020). *Maternal mortality ratio (modeled estimate, per 100,000 live births)—Afghanistan | Data*. <https://data.worldbank.org/indicator/SH.STA.MMRT?locations=AF>
  20. Zielinski, R., Ackerson, K., & Kane Low, L. (2015). Planned home birth: Benefits, risks, and opportunities. *International Journal of Women’s Health*, 7, 361–377. <https://doi.org/10.2147/IJWH.S55561>
- 
-

## شیوع و الگوی اپن‌دیسیت حاد در شفاخانه حوزه‌وی هرات

(محدوده زمانی: سال ۱۳۹۶)

**نگارنده‌گان:** رنخور یار دکتور عبدالجلیل رسولی\*

علی رحیمی\*\* و پوهندوی دکتور نثار احمد شایان\*\*\*

### چکیده

اپن‌دیسیت حاد، یکی از شایع‌ترین واقعات عاجل جراحی است که هم بزرگ‌سالان و هم کودکان با آن مواجه می‌شوند. درک درست شیوع و الگوی اپن‌دیسیت در کشورهای مختلف برای برنامه‌ریزی استفاده از منابع مراقبت‌های صحتی ضروری است. این مطالعه توصیفی با هدف تعیین شیوع و الگوی اپن‌دیسیت حاد در میان بیماران بطن حاد انجام شده است.

این مطالعه توصیفی ۴۸۹ مریض اپن‌دیسیت حاد بین سنین ۳۱-۵۰ سال را از اول حمل ۱۳۹۶ تا ۲۹ حوت ۱۳۹۶ در شفاخانه حوزه‌وی شهر هرات مورد مطالعه قرار داده است.

بیش‌ترین عملیات‌های اپن‌دیسیت در میان افراد ۳۱-۴۱ ساله (۶۸٫۵٪) و ذکور (۵۲٫۹٪) انجام شده است. مهم‌ترین علایم هنگام مراجعه به شفاخانه، بی‌اشتهایی (۹۴٫۱٪) و استفراغ (۶۸٫۹٪) بوده است. در عملیات شایع‌ترین موقعیت ایندکس ریتروسیکل (۶۷٪) و مهم‌ترین اختلاط عملیات پرتونیت منتشر (۸٫۵٪) دریافت گردید.

شیوع اپن‌دیسیت حاد در بیماران بطن حاد زیاد است. بنابراین، نظارت دقیق بر پیش‌آگهی مریض و تکنیک‌های پیش‌گیری مناسب ضروری است. انجام مطالعات معتبر با سطح وسیع‌تر و تحلیلی در کشور برای تعیین دقیق‌تر وقوعات و اختلاط اپن‌دیسیت امر ضروری می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** اپن‌دیسیت حاد، شیوع، الگوی وقوعات و شفاخانه حوزه‌وی هرات.

\* عضو هیئت تخصص طب جراحی عمومی شفاخانه حوزه‌وی هرات (dr.jalilrasouli@gmail.com)

\*\* دانش‌جوی پوهنخی / دانش‌کده طب معالجه‌وی پوهنتون / دانش‌گاه هرات (dr.rahimi@outlook.com)

\*\*\* عضو هیئت علمی پوهنخی / دانش‌کده طب معالجه‌وی پوهنتون / دانش‌گاه هرات و غالب (n.a.shayan@gmail.com)

ISSN

P: 2788-4155

E: 2788-6441

Received: 31 / 03 / 2022

Accepted: 07 / 07 / 2022

## Prevalence and pattern of acute appendicitis in Herat Regional Hospital, 2017-2018

**Authors:** Clinical Lecturer Dr. Abdul Jalil Rasouli\*  
Ali Rahimi\*\* and Associate Professor Dr. Nisar Ahmad Shayan\*\*\*

### Abstract

**Objectives:** Acute appendicitis is one of the most common emergency surgical cases in adults and children. Understanding the prevalence and pattern of appendicitis in different countries is essential for planning the use of health care resources. This descriptive study was performed to determine the prevalence and pattern of acute appendicitis among acute ventricular patients in 2017 in Herat.

**Methods:** This descriptive study examined 489 patients with acute appendicitis aged 31–50 years from March 21, 2017, to March 20, 2018, in Herat Regional Hospital.

**Results:** Most appendicitis surgeries were performed among 41–31-year-olds (68.5%) and male patients (52.9%). The most common symptoms when referred to the hospital were anorexia (94.1%) and vomiting (68.9%). The most common position of the appendix was retrocecal (67%), and the most common complication of the surgery was general peritonitis (8.5%).

**Conclusion:** The prevalence of acute appendicitis is high in patients with acute abdomen. Therefore, careful monitoring of patient prognosis and appropriate prevention techniques is essential. It is necessary to conduct studies at a wider and more analytical level in the country to more accurately determine the prevalence and complications of appendicitis.

**Keywords:** surgery, acute appendicitis, complications and Herat Hospital.

\* Medical Specialists Cadre of Herat Regional Hospital (dr.jalilrasouli@gmail.com)

\*\* Student of Medical Faculty of Herat University (dr.rahimi@outlook.com)

\*\*\* Academic Cadre of Herat and Ghalib University – Herat (n.a.shayan@gmail.com)



## مقدمه

اپن‌دکس زائیده‌یی کوچک است که از کولون منشعب می‌شود. اپن‌دیسیت حاد به التهاب ناگهانی اپن‌دکس گفته می‌شود که هم بزرگسالان و هم کودکان به آن مصاب شده می‌توانند. این بیماری پیش‌گیری ندارد و در بیش‌تر موارد نیاز به مداخله جراحی فوری دارد-1 (Drahansky, 2011: 237-241; Ferris et al., 2017: 10). این بیماری معمولاً به‌صورت بطن حاد تظاهر می‌کند و وضعیتی است که با التهاب اپن‌دکس ورمی‌فرم (vermiform appendix) مشخص می‌شود. مشخصه آن درد بطنی است، که معمولاً در ربع پایین سمت راست موضعی است، که باحالت تهوع، استفراغ و قبضیت همراه می‌باشد (Bailey et al., 2008: 1204-1218). اپن‌دیسیت حاد مریضی عفونی و چند عاملی است طوری که روند شایع آن، تهاجم باکتری‌ها به دیواره اپن‌دکس می‌باشد. در بسیاری از موارد اپن‌دیسیت حاد نیاز است تا اپن‌دکس ملتهب با لاپاراتومی یا لاپاراسکوپی برداشته شود. در صورت عدم درمان، مرگ‌ومیر عمدتاً به دلیل پاره‌گی و به‌وجود آمدن پریتونیت و شاک بالا است (Singh & Sinam, 2019; Toumi et al., 2010: 477-482).

درک درست الگوی اپن‌دیسیت در کشورهای مختلف برای برنامه‌ریزی استفاده از منابع مراقبت‌های صحتی ضروری است. در کشورهای غربی اپن‌دیسیت با عوارض، مرگ‌ومیر و هزینه‌های قابل‌توجهی برای سیستم مراقبت‌های صحتی همراه است (Hardin, 1999: 2027-2034). خطر اپن‌دیسیت در ایالات‌متحده در طول زنده‌گی ۱ در ۱۵ است (Hardin, 1999: 2027-2034). یک‌سوم موارد اپن‌دیسیت با اپن‌دکس سوراخ‌شده به شفاخانه مراجعه می‌کنند (Al-Omran et al., 2003: 263-268). هزینه بستری‌های مرتبط با اپن‌دیسیت در طول یک سال تنها در ایالات‌متحده، سه میلیارد دالر برآورد می‌شود (Davies et al., 2004: 160-165). به‌صورت جهانی، اپن‌دیسیت حاد شایع‌ترین علت بطن حاد جراحی است و تخمین زده می‌شود که ۱۰ درصد از جمعیت در طول زنده‌گی خود به اپن‌دیسیت مبتلا شوند؛ به‌عنوان مثال، در اروپا، امریکا و استرالیا تا ۱۶ درصد از جمعیت به دلیل اپن‌دیسیت، تحت عمل اپن‌دکتومی قرار گرفتند (Andrén-Sandberg & Kørner, 2004: 4-9; Ferris et al., 2017: 237-241). وجود امراض مختلف دیگر، که دارای علایم کلینیکی شبیه اپن‌دیسیت حاد هستند، حتا در اکثر پزشکان باتجربه مشکل در تشخیص ایجاد می‌کند-1241 (Brunicardi et al., 2014: 1259).؛ بااین‌حال، تأثیر اپن‌دیسیت بر سیستم‌های مراقبت‌های صحتی ممکن است نیاز به ارزیابی مجدد در زمینه تغییر الگوهای اپیدمیولوژیک در کشورهای مختلف داشته باشد.

علاوه بر این، افزایش شیوع اپن‌دیسیت در کشورهای درحال توسعه ممکن است حالت هشداردهنده برای این کشورها می‌باشد؛ زیرساخت‌های کلینیکی در کشورهای درحال توسعه ممکن

است برای کاهش عوارض و مرگومیر اپنڈیسیت نیاز به بازسازی داشته باشند (Ferris et al., 2017: 237-241). چنین تقابل بروز اپنڈیسیت بین کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه ممکن است سرنخ‌هایی را در مورد پشت‌وانه محیطی زیربنایی اپنڈیسیت ارائه دهد. با شناسایی محرک‌های محیطی اپنڈیسیت، می‌توان ابتکارات سیاست‌صحنی را برای اصلاح مواجهه‌های محیطی که از اپنڈیسیت جلوگیری می‌کند، اتخاذ کرد.

اپنڈیسیت حاد، یکی از بیماری‌های معمول و حاد جراحی در کشور ما نیز هست، عدم امکانات و دسترسی بیماران به کلینیک‌های صحنی و هم‌چنان عدم مراجعه به‌موقع ایشان به پزشک و تداوی خودسرانه، باعث ایجاد اختلالات جدی نزد بیماران و حتا مرگ‌شان می‌گردد، که نیازمند توجه و تدابیر جدی جهت فراهم‌نمودن امکانات و آگهی‌دادن بیماران از انداز مرض است، که این خود ایجاب مطالعه دقیق و آگهی کامل را از تعداد وقوعات و اختلالات مرض در سطح کشور (شهرها و ولسوالی‌ها) می‌نماید تا متناسب با آن‌ها گام‌های عملی جهت رفع آن برداشته شود. در این تحقیق به سؤالاتی از قبیل آیا شیوع اپنڈیسیت بین مرد و زن مساوی می‌باشد؟ مهم‌ترین اختلاط اپنڈیسیت چه می‌باشد؟ مهم‌ترین اعراض و علایمی که می‌تواند به تشخیص کمک‌کننده باشد، کدام موارد می‌باشند؟ جواب داده می‌شود؛ بنابراین، در این، مطالعه تمام بیماران (۳۱ تا ۵۱ سال) را که به لوحه اپنڈیسیت حاد به شفاخانه حوزه‌وی هرات مراجعه نموده‌اند تحت تحقیق و بررسی قرار داده‌شده‌اند.

## روش تحقیق

### نوع تحقیق، محل و زمان اجرا

این تحقیق به شکل توصیفی از تاریخ یکم حمل سال ۱۳۹۶ تا ۲۹م حوت سال ۱۳۹۶ در بخش جراحی عمومی شفاخانه حوزه‌وی هرات انجام شده است.

### حجم نمونه و مشخصات ادخال و اخراج در تحقیق

نمونه این تحقیق، شامل تمام بیماران بین ۳۱ تا ۵۰ سال، که به لوحه اپنڈیسیت حاد در نزدشان عملیات اپنڈکتومی صورت گرفته، می‌شود.

### معیارهای شمولیت

هر مریض (از ۳۱ ساله تا ۵۰ ساله) مصاب اپنڈیسیت حاد، که به‌صورت عاجل در شفاخانه حوزه‌وی هرات بستر و تشخیص اپنڈیسیت حاد بعد از عملیات نیز گذاشته شده است.

### معیارهای خروج

بیمارانی که به تشخیص اپن‌دیسیت حاد بستر و عملیات شده‌اند؛ ولی در جریان عملیات اپن‌دیسیت حاد نزدشان موجود نبوده است.

### جمع‌آوری معلومات

جمع‌آوری داده‌ها توسط گروهی از پزشکان بخش جراحی انجام گردیده است؛ طوری که این پزشکان به صورت مختصر، در مورد نحوه توزیع و جمع‌آوری داده‌ها آموزش داده شده‌اند. جمع‌آوری معلومات در این تحقیق به وسیله پرسش‌نامه‌یی که بعد از مطالعه لازم در متون تهیه گردیده و دارای سه بخش: ۱. مشخصات فردی (سن، جنس و سکونت)؛ ۲. اعراض و علایم اپن‌دیسیت (بی‌اشتهایی، تب و استفراغ)؛ و ۳. مشخصات عملیاتی (زمان مراجعه به شفاخانه بعد از شروع علایم، موقعیت اپندکس و اختلالات بعد از عملیات) بود، صورت گرفت.

### تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها توسط IBM SPSS statistics (verg-22) صورت گرفته است. تعداد و فیصدی برای داده‌های دسته‌یی ارائه شده است.

### تأییدیه اخلاقی

این تحقیق با اجازه ریاست شفاخانه حوزہوی ہرات، شورای علمی دیپارتمنت جراحی عمومی و با در نظر داشت حفظ محرمت و اسرار بیمار تهیه و ترتیب شده است. این تحقیق با شماره پروتوکول (۱۱۳) در شورای علمی شفاخانه به تاریخ ۰۴ / ۰۲ / ۱۳۹۶ ثبت گردیده است.

### نتایج

در تحقیق حاضر، به گونه مجموعی ۴۸۹ مریض جهت بررسی وقوعات اپن‌دیسیت حاد مورد مطالعه قرار گرفتند.

جدول (۱): مشخصات فردی (سن، جنس و سکونت)

فیصدی	تعداد		
۶۸,۵	۳۳۵	۴۱-۳۱	گروه‌های سنی
۳۱,۵	۱۵۴	۵۰-۴۱	
۵۲,۹	۲۵۹	مذکر	جنسیت
۴۷,۱	۲۳۰	مؤنث	

شهر هرات	۲۰۰	۴۰،۸
ولسوالی های هرات	۲۵۶	۵۲،۳
ولایات هم جوار	۳۳	۶،۹
مجموع	۴۸۹	۱۰۰،۰

قسمی که در جدول (۱) مشاهده می گردد، ۶۸،۵٪ بیماران مورد بررسی بین ۳۱-۴۱ سال عمر دارند، ۵۲،۹٪ بیماران مذکر و ۵۲،۳٪ بیماران ساکن ولسوالی های ولایت هرات بودند.

جدول (۲): اعراض و علائم اپنڈیسیت

شاخص ها	موجودیت شاخص		عدم موجودیت شاخص	
	تعداد	فیصدی	تعداد	فیصدی
بی اشتھایی	۴۶۰	۹۴،۱	۲۹	۵،۹
تب	۱۴۲	۲۹،۱	۳۴۷	۷۰،۹
استفراغ	۳۳۷	۶۸،۹	۱۵۲	۳۱،۱
مجموع	۴۸۹	۱۰۰،۰	۴۸۹	۱۰۰،۰

به اساس یافته های این تحقیق در جدول (۲)، از جمله اعراض و علائم در بروز اپنڈیسیت، ۹۴،۱٪ بیماران دارای بی اشتھایی، ۷۰،۹٪ بدون تب و ۶۸،۹٪ دارای استفراغ بودند.

جدول (۳): مشخصات عملیاتی بیماران تحت مطالعه

تعداد	فیصدی
۹۸	۲۰،۰٪
۲۳	۴،۷٪
۱۵	۳،۸٪
۳۳۱	۶۷،۰٪
۲۲	۴،۴٪
۵	۱،۰٪
۳۲	۶،۵٪
۴۱	۸،۵٪
۱۰	۲،۰٪
۴۰۱	۸۲،۰٪
۴۳	۸،۸٪
۸۹	۱۸،۲٪

موقعیت اپنڈکس

اختلالات عملیات

ساعت مراجعه به شفاخانه بعد از شروع درد

۹,۲٪	۴۵	۸
۳۸,۷٪	۱۸۹	۱۲
۱۰,۲٪	۵۰	۲۴
۸,۳٪	۴۱	۴۸
۶,۵٪	۳۲	۷۲
۱۰۰,۰٪	۴۸۹	مجموع

به اساس یافته‌های بخش عملیاتی این تحقیق، در ۶۷,۰٪ از عملیات‌ها اپن‌دکس موقعیت ریتروسیکل داشته است، در ۸۲,۰٪ از عملیات‌ها هیچ اختلاطی به وجود نیامده است و شایع‌ترین اختلاط پریتونیت منتشر با شیوع ۸,۵٪ بوده است و حدود یک‌سوم بیماران (۳۸,۷٪) در طی ۱۲ ساعت بعد از شروع علائم (درد) به شفاخانه مراجعه کرده‌اند.

### بحث و مناقشه

اپن‌دیسیته، یکی از امراض شایع جراحی می‌باشد و بیش‌ترین وقوعات عاجل جراحی به آن ارتباط دارد. در مطالعات مختلف اپن‌دیسیته حاد مریضی شایع بیان گردیده است (Bailey et al., 2008: 1204-1218; Brunicardi et al., 2014: 1241-1259) کار تحقیقی ما نیز ثابت گردید؛ طوری که ۶۲,۵٪ کل بیماران عاجل جراحی را تشکیل می‌دهد. در مطالعات اکثر وقعات، اپن‌دیسیته حاد در سنین کم‌تر از ۳۰ سال ذکر شده است (Sabiston 2007: 241-252; Zinner et al., 2008: 1218-1236; Townsend & et al., 2008) که این تحقیق نیز این حالت را تأیید می‌کند؛ طوری که ۸۰,۴٪ از بیمارانی که نزدشان عملیات اپن‌دیسیته حاد اجرا شده است، کم‌تر از ۳۰ سال بوده‌اند. در این مطالعه نظر به محدودیت تنها گروه سنی ۳۱ الی ۵۰ سال موردبررسی بیش‌تر قرار گرفته است. این مطلب با مطالعات مختلف در کشورهای ناروی (Andrén-Sandberg 2004: 4-9; Ferris et al., 2017; Hagos, 2015: 19-24; Soressa et al., 2016: 237-241).

در مطالعات طبی، مصابیت ذکور را نسبت به اناث به اپن‌دیسیته حاد بلندتر ذکر نموده‌اند (Bailey et al., 2008: 1204-1218; Brunicardi et al., 2014: 1241-1259) که این موضوع در کار تحقیقی ما نیز با انجام‌شدن ۵۲,۹٪ عملیات در نزد ذکور، نیز ثابت گردیده است. این نتایج با مطالعات مختلف در کشورهای ناروی (ذکور ۵۲,۳٪)، ایتوپیا (ذکور ۷۳,۰٪) و ترکیه (ذکور ۶۶,۸٪) مطابقت دارد (Andrén-Sandberg & Kørner, 2004: 4-9 ; Ferris et al., 2017; Hagos, 2015: 19-24; Soressa et al., 2016: 237-241).

Ferris et al., 2017: 237–241; Hagos, 2015: 19–24; Soressa et al., 2016).

در مطالعات طبی موقعیت ریتروسیکل اپندکس در حدود ۷۵٪ ذکر شده است (Sabiston & Townsend, 2008: 1218-1236; Zinner et al., 2007: 241–252) نیز این یافته را با ثبت ۶۷٫۰٪ واقعه تأیید نموده است. این یافته با مطالعات مختلف در کشورهای ناروی (ریتروسیکل ۷۲٫۰٪)، ایتوپیا (ریتروسیکل ۷۱٫۳٪) و ترکیه (ریتروسیکل ۷۹٫۴٪) مطابقت دارد (Andrén-Sandberg & Kørner, 2004: 4–9 ; Ferris et al., 2017: 237–241; Hagos, 2015: 19–24; Soressa et al., 2016).

در مطالعات طبی اختلالات اپندیسیت حاد در حدود ۲۰٪ ذکر شده است (Bailey et al., 2008: 1204-1218; Brunicardi et al., 2014: 1241-1259) با دریافت ۱۸٫۰٪ واقعه که بیشترین واقعات در نزد ذکور موجود بوده است، نیز با مطالعات دیگر مطابقت دارد. بیشترین اختلال اپندیسیت حاد در مطالعات طبی تثقب اپندیسیت و به وجود آمدن پریتونیت منتشر بیان شده است، که کار تحقیقی ما نیز با ثبت حدود ۸٫۵٪ واقعه پریتونیت منتشر این مورد شایعترین حالت ذکر شده است. این دریافت با مطالعات مختلف در کشورهای ناروی (۴٫۰٪، بیشترین اختلال در نزد اناث)، ایتوپیا (۹٫۰٪، بیشترین اختلال در نزد ذکور) و ترکیه (۱۰٫۰٪، بیشترین اختلال در نزد اناث) مطابقت‌هایی را دارا می‌باشد (Andrén-Sandberg & Kørner, 2004: 4–9; Ferris et al., 2017: 237–241; Hagos, 2015: 19–24; Soressa et al., 2016).

## نتیجه‌گیری

از این مطالعه چنین نتیجه‌گیری می‌شود که: اپندیسیت حاد، شایع‌ترین مرض عملیات جراحی عاجل را تشکیل می‌دهد. مردان بیش‌تر از زنان به این مرض مصاب می‌شوند و بیش‌تر شان در سنین کم‌تر از ۲۰ سال قرار دارند. تداوی اپندیسیت حاد اساساً مداخله مناسب جراحی بوده، عملیات جراحی‌بی که برای تداوی اپندیسیت حاد اجرا می‌گردد، معروض به اختلالات مقدم نمی‌گردند.

## محدودیت‌ها و پیشنهادها

اپندیسیت حاد، یکی از امراض معمول و شایع در دنیا و خصوصاً کشور ما افغانستان می‌باشد، که در تمامی سنین، به‌خصوص دهه‌های دوم و سوم حیات دیده شده، عدم امکانات و دست‌رسی بیماران به شفاخانه و کلینیک‌های صحی و هم‌چنان عدم به‌موقع مراجعه نمودن ایشان به پزشک و تداوی

خودسرانه، باعث ایجاد اختلالات جدی نزد بیماران و حتا مرگ‌شان می‌گردد، که نیازمند توجه و تدابیر جدی جهت فراهم‌نمودن امکانات و آگهی‌دادن بیماران از انداز مرض است.

### محدودیت‌ها

۱. عدم دسترسی به متغیرهای بیش‌تر به دلیل جامع و الکترونیکی نبودن دوسیه‌ها؛
۲. عدم دسترسی کافی به لابراتوار طبی پیش‌رفته و معاینات تصویربرداری و نبود سونولوژیست ۲۴ ساعته در شفاخانه و عدم اجرای معاینات توسط بعضی بیماران در خارج از شفاخانه به دلیل مشکلات اقتصادی؛
۳. محدودبودن نمونه‌ها و مختص‌بودن به شفاخانهٔ حوزه‌وی هرات، که ممکن است تعمیم‌پذیری یافته‌ها را متأثر سازد.

### پیشنهادها

۱. مروج‌ساختن سیستم دقیق و منظم طبی ثبت کمپیوتری در همه شفاخانه‌ها تا از ارقام دقیق استفاده گردد؛
۲. مهیاسازی امکانات معاینات لابراتواری و تصویری پیش‌رفته در کشور، به‌صورت گسترده؛
۳. آگهی‌دهی کافی دربارهٔ وقوعات و اختلالات اپنڈیسیت و بطن حاد به پزشکان و دیگر کارکنان صحتی، تا بیماران مصاب اپنڈیسیت را به اسرع وقت به سرویس‌های عاجل جراحی راجع نمایند تا میزان اختلالات قبل و بعد از عملیات اپنڈیسیت حاد کاهش یابد؛
۴. اطلاع‌رسانی جامع توسط رسانه‌های همه‌گانی در مورد اپنڈیسیت و طرز مصاب‌شدن به آن و بلندبردن سطح آگهی مردم در این مورد، خصوصاً جهت جلوگیری از تداوی خودسرانه و توصیهٔ مسکن در هر درد بطن.

### تشکر و قدردانی

نویسنده‌گان این مقاله، مراتب قدردانی خود را از کارکنان شفاخانهٔ حوزه‌وی هرات و پزشکان هم‌کار ابراز می‌دارند.

### سرچشمه‌ها

1. Al-Omran, M., Mamdani, M., & McLeod, R. S. (2003). "Epidemiologic features of acute appendicitis in Ontario, Canada. Canadian Journal of Surgery". Journal Canadien De Chirurgie, 46(4), 263–268.

2. Andrén-Sandberg, Å., & Kørner, H. (2004). **“Quantitative and Qualitative Aspects of Diagnosing Acute Appendicitis”**. *Scandinavian Journal of Surgery*, 93(1), 4–9. <https://doi.org/10.1177/145749690409300102>
3. Bailey, H., Love, R. J. M., Williams, N. S., Bulstrode, C. J. K., & O’Connell, P. R. (2008). *Bailey & Love’s short practice of surgery*. Hodder Arnold, 1204-1218.
4. Brunicaardi, F. C., Andersen, D. K., Billiar, T. R., Dunn, D. L., & Hunter, J. G. (Eds.). (2014). **“Schwartz’s principles of surgery (Tenth edition)”**. McGraw-Hill Education, 1241-1259.
5. Davies, G. M., Dasbach, E. J., & Teutsch, S. (2004). **“The burden of appendicitis-related hospitalizations in the United States in 1997”**. *Surgical Infections*, 5(2), 160–165. <https://doi.org/10.1089/sur.2004.5.160>
6. Drahansky, M. (2011). **“Liveness Detection in Biometrics. In G. Chetty (Ed.), Advanced Biometric Technologies”**. InTech. , 1-10. <https://doi.org/10.5772/17205>
7. Ferris, M., Quan, S., Kaplan, B. S., Molodecky, N., Ball, C. G., Chernoff, G. W., Bhala, N., Ghosh, S., Dixon, E., Ng, S., & Kaplan, G. G. (2017). **“The Global Incidence of Appendicitis: A Systematic Review of Population-based Studies”**. *Annals of Surgery*, 266(2), 237–241. <https://doi.org/10.1097/SLA.0000000000002188>
8. Hagos, M. (2015). **“ACUTE ABDOMEN IN ADULTS: A TWO YEAR EXPERIENCE IN MEKELLE, ETHIOPIA”**. *Ethiopian Medical Journal*, 53(1), 19–24.
9. Hardin, D. M. (1999). **“Acute appendicitis: Review and update”**. *American Family Physician*, 60(7), 2027–2034.
10. Sabiston, D. C., & Townsend, C. M. (Eds.). (2008). **Sabiston textbook of surgery: The biological basis of modern surgical practice (18th ed)**. Saunders/Elsevier, 1218-1236.
11. Singh, S. R., & Sinam, N. (2019). **Seasonal Variation in the Presentation of Acute Appendicitis: A Retrospective Analysis**.
12. Soressa, U., Mamo, A., Hiko, D., & Fentahun, N. (2016). **“Prevalence, causes and management outcome of intestinal obstruction in Adama Hospital, Ethiopia”**. *BMC Surgery*, 16(1), 38. <https://doi.org/10.1186/s12893-016-0150-5>
13. Toumi, Z., Chan, A., Hadfield, M. B., & Hulton, N. R. (2010). **“Systematic review of blunt abdominal trauma as a cause of acute appendicitis”**. *The Annals of The Royal College of Surgeons of England*, 92(6), 477–482. <https://doi.org/10.1308/003588410X12664192075936>
14. Zinner, M., Ashley, S. W., Maingot, R., & Zinner, M. J. (Eds.). (2007). **Maingot’s abdominal operations (11. ed)**. McGraw-Hill Medical, 241–252.



## آینده صنایع در پرتو هوش مصنوعی

**نگارنده:** احمد نوید آرین کامبخش\*

### چکیده

با تجزیه و تحلیل نخستین و ناب‌ترین تعریف از هوش مصنوعی، از زمانی که برای اولین بار توسط جان مک کارتی ابداع شد و تمرکز آن شبیه‌سازی هوش از طریق تعریف جنبه‌های یادگیری برای ماشین‌ها بود، به وضوح می‌توان دریافت، که هدف اولیه از توسعه هوش مصنوعی، افزودن هوش در ماشین‌ها بود، تا بتواند مشکلات منحصربه‌فرد انسانی را به ماشین‌ها تحویل دهد.

این تحقیق به هدف بررسی این واقعیت که امروزه هوش مصنوعی از هدف اصلی خود برای توسعه بسیار دور شده است و در طول پیش‌رفت با سایر عوامل قدرت‌مندی که می‌توانند تأثیر زیادی در زندگی انسان داشته باشند، آمیخته شده است، انجام یافته است. سعی بر این بوده است که برای این پرسش‌ها پاسخ بیابیم که: آیا با چنین پیش‌رفت‌های قدرت‌مند فنی و همه‌کاره، هوش مصنوعی از نظر ماشین‌آلات و نوع کار جای‌گزین بسیاری از صنایع خواهد شد؟ آیا هوش مصنوعی تغییر ماهیت بسیاری از مشاغل را اعمال می‌کند و نیروی انسانی آن‌ها را به ماشین تغییر می‌دهد؟ این پژوهش به روش کیفی و با توجه به اطلاعات و مطالعات راه‌بردی سازمان‌های توسعه‌یافته با هوش مصنوعی، که نقش تعیین‌کننده و مؤثر در بازار کار امروزی دارند، انجام یافته است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که: هوش مصنوعی به صورت گسترده‌ی بی‌گامی به صورت منفی بر صنایع جهان امروزی تأثیراتی داشته است. این تأثیرات در ابعاد مختلف بررسی گردیده و راه حل‌های علمی - تخنیکی ارائه گردیده‌اند.

**واژه‌گان کلیدی:** هوش مصنوعی، صنایع، تکنالوژی، سایبرنیتیک، بی.سی. آی، آینده و

نیروی انسانی.

ISSN

P: 2788-4155

E: 2788-6441

Received: 24 / 04 / 2022

Accepted: 20 / 07 / 2022

## The future of industries in the light of artificial intelligence

**Author:** Ahmad Nawid Aryan Kambakhsh\*

### Abstract

Analyzing the first and purest definition of artificial intelligence, since it was first coined by John McCarthy and focused on simulating intelligence by defining learning aspects for machines, it is clear that the primary goal of artificial intelligence development was to add Intelligence in machines, so that it could hand over uniquely human problems to machines.

This research was done with the aim of investigating the fact that today artificial intelligence has moved far away from its main goal of development and during the progress it has been mixed with other powerful factors that can have a great impact on human life. It has been to find answers to these questions: Will artificial intelligence replace many industries in terms of machinery and work type with such powerful and versatile technical advances? Will artificial intelligence change the nature of many jobs, replacing human labor with machines? This research was conducted in a qualitative way and according to information and strategic studies of organizations developed with artificial intelligence, which play a decisive and effective role in today's labor market.

The findings of the research show that artificial intelligence has had a wide and sometimes negative impact on the industries of today's world. These effects have been investigated in different dimensions and scientific-technical solutions have been presented.

**Key words:** Artificial intelligence, industries, technology, cybernetics, B. C. I, future and manpower.

---

\* Academic Cadre of Ghalib University(contact@programmingplatform.com)

---

## ۱. مقدمه

ابزار تکنیکی، به خصوص آن‌هایی که با الگوریتم‌های پیچیده طراحی شده‌اند، که قدرت عمل کرد بدون دخالت انسان را دارند، در مدت زمان به پیش‌رفت‌های غیرقابل پیش‌بینی دست می‌یابند، که در زمان حال بررسی آن‌ها ممکن نیست؛ لذا نظریه‌پردازی تخیلی، که یکی از روش‌های نوین تحقیقی در دنیای تکنالوژی می‌باشد، با تکیه بر این اصل که می‌توان با بررسی رخداد‌های مشابه گذشته و فاکتورهای تأثیرگذار فعلی و مؤثریت آن‌ها، دیدگاه طولانی‌مدت ابزار تکنیکی را بررسی کرد، هم‌واره برای بررسی پدیده‌هایی که سریعاً در حال تکامل هستند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. استفاده از این رویکرد می‌تواند تأثیرگذاری و بهره‌وری هوش مصنوعی منجیث یکی از عینی‌ترین پیش‌رفت‌ها و سامانه‌های تکنیکی مورد استفاده بشر را بر صنایع روشن سازد.

در ارتباط با پیشینه بحث، باید یادآور شد، که آثار جامع و ژرفی تدوین شده، که هرکدام از بعدی به تأثیرات هوش مصنوعی نگریسته‌اند؛ اما تاکنون پژوهشی از دید تیوری‌پردازی تخیلی، به تأثیرات هوش مصنوعی بر صنایع نپرداخته است.

«Making A.I intelligible» (بررسی روند هوش‌مندسازی سیستم‌های هوش مصنوعی) (۲۰۲۱)، نوشته Herman Cappelen است که در مبحث ساختار هوش مصنوعی آمده است: «بسیاری از کارهای جالبی که در ادبیات هوش مصنوعی درباره تفسیرپذیری و توضیح‌پذیری هوش مصنوعی انجام شده است، یک دیدگاه درون‌گمپیوتر و محاسباتی مشکل‌ساز را پیش‌فرض می‌گیرد و فرض می‌کند که پروژه تحقیقاتی باید حول محور کاوش در انواع محتوا متمرکز شود تا در سطوح مختلف محاسبات سازمانی یافت شود» (Herman Cappelen, 2021: 66). این مقاله از لحاظ ساختاری تأثیرات هوش مصنوعی را بر هوش‌مندسازی مطالعه کرده است، که از لحاظ هدف تحقیق با این مقاله نزدیکی دارد. می‌توان برای آگاهی از این مطالعات به مقاله Herman Cappelen مراجعه کرد.

مقاله علمی دیگری که به موضوع ما بسیار نزدیک است «Artificial Intelligence for a Better Future» (۲۰۲۰)، نوشته Bernd Carsten Stahl است، که در بیان مسأله می‌نویسد: «درک هدف و مقصود هوش مصنوعی هنگام فکر کردن به وجبیه هوش مصنوعی مهم است. فن‌آوری‌های دیجیتال، بسیار انعطاف‌پذیر و قابل تفسیر هستند. آن‌ها از نظر منطقی شکل‌پذیر می‌باشند؛ بنابراین، می‌توان از آن‌ها برای اهداف بی‌نهایت استفاده کرد، که ممکن است با قصد توسعه‌دهندگان و طراحان اصلی هم‌آهنگ باشد یا نباشد». پژوهش‌گر در این مقاله وسعت هوش مصنوعی و انعطاف‌پذیری آن را در روند تکامل آن مورد بررسی قرار داده است. تفاوت کار ما با این مقاله در این است که نخست، محدوده پژوهشی ما صرفاً تأثیرات هوش مصنوعی بر آینده صنایع

است، که این امر مجال بیش‌تری برای واکاوی دقیق مسأله می‌دهد؛ دوم این که ما منحصرأ با روی‌کرد تیوری‌پردازی تخیلی به بررسی موضوع پرداخته‌ایم و سوم این که یافته‌های ما توأم با راه حل بر چالش‌های ممکن مطرح شده‌اند.

دو مقاله ارزش‌مند دیگر نیز وجود دارد، که مطالب ژرفی در مورد تأثیرات و بهره‌وری هوش مصنوعی به ما می‌دهند «The Amazing Journey of Reason from DNA to Artificial Intelligence» (۲۰۲۰)، نوشته Mario Alemi است، که معلومات مفیدی درباره بهره‌وری هوش مصنوعی در اختیار خواننده قرار می‌دهد؛ و «Practical Artificial Intelligence Programming with Java» (۲۰۰۸)، نوشته Mark Watson است، که می‌نویسد: «تحقیقات اولیه هوش مصنوعی بر بهینه‌سازی الگوریتم‌های جست‌وجو تأکید داشت. این روی‌کرد بسیار منطقی بود؛ زیرا بسیاری از وظایف هوش مصنوعی را می‌توان با تعریف بخش‌های صنایع و استفاده از الگوریتم‌های جست‌وجو برای تعریف و کاوش شاخه‌یی جست‌وجو در این صنایع به طور مؤثر حل کرد» (Mark Watson, 2008: 1).

این پژوهش، به دنبال این بوده که به این پرسش‌ها پاسخ قانع‌کننده‌یی بیابد که: آیا با چنین پیش‌رفت‌های قدرت‌مند فنی و همه‌کاره، هوش مصنوعی از نظر ماشین‌آلات و نوع کار، جای‌گزین بسیاری از صنایع خواهد شد؟ آیا هوش مصنوعی تغییر ماهیت بسیاری از مشاغل را اعمال می‌کند و نیروی انسانی آن‌ها را به ماشین تغییر می‌دهد؟

روش پژوهش، تحلیل کیفی است، که با روی‌کرد تیوری‌پردازی تخیلی انجام شده است و جامعه آماری پژوهش نیز، اطلاعات سازمان‌های هوش مصنوعی و رخدادهای چند دهه اخیر هوش مصنوعی است. در سامان‌بخشی به مباحث نظری، به آثاری که مرتبط با تأثیرگذاری و بهره‌وری هوش مصنوعی بوده‌اند، توجه شده است.

یافته‌ها نشان می‌دهند که: هوش مصنوعی جهت بهره‌وری مفید طی دهه‌های اخیر، به‌صورت گسترده‌یی در صنایع مورد استفاده قرار گرفته است، که این امر بر نیروی انسانی و تجارب کاری صنایع تأثیرات منفی داشته است. وسعت تأثیرگذاری هوش مصنوعی بر صنایع، به عنوان موضوع اصلی در این اثر دیده می‌شود.

## ۲. پیش‌رفت غیر قابل توقف هوش مصنوعی

هوش مصنوعی را جان مک کارتی در مقاله‌اش تحت عنوان (The Dartmouth Summer Research Project on Artificial Intelligence)، چنین تعریف می‌کند:

بر اساس اصول تکنیکی هر جنبه از یادگیری یا هر ویژه‌گی دیگری از هوش را می‌توان چنان دقیق توصیف کرد، که ماشینی برای شبیه‌سازی آن ساخت. تلاش برای یافتن روشی برای وادار کردن ماشین‌ها به استفاده از زبان‌های برنامه‌نویسی و استدلال‌های منطقی برای حل مشکلاتی که اکنون به دوش خود انسان‌ها است؛ موفق خواهد شد (McCarthy, 1956: 7).

از این تعریف می‌توان به وضوح متوجه شد که هدف اولیه توسعه هوش مصنوعی، افزودن مقداری هوش به ماشین‌ها بود تا بتوان مشکلات محفوظ انسان را به ماشین‌ها واگذار کرد؛ اما برای درک این واقعیت که امروزه هوش مصنوعی از هدف اصلی خود، یعنی توسعه بیش‌ازحد دور شده و در مسیر پیش‌رفت با عوامل قدرت‌مند دیگری که می‌تواند تأثیر زیادی بر زنده‌گی انسان داشته باشد، تحقیقات متعددی انجام یافته‌اند، که یافته‌های Yagang Zhang را در این‌جا نقل قول می‌کنم که درباره پیش‌رفت هوش مصنوعی می‌نویسد: «شبکه‌های عصبی با تعریف بسیار گسترده، با مثال یاد می‌گیرند و از مغز انسان در تصمیم‌گیری یا قابلیت‌های شناسایی اشیاء تقلید می‌کنند» (Yagang, 2010: 19)، و بررسی‌های محقق دیگری در مورد وسعت هوش مصنوعی از بعد تجاری می‌نویسد: «به‌طور کلی، صنعت هوش مصنوعی از چند میلیون دلار در سال ۱۹۸۰ به میلیاردها دلار در سال ۱۹۸۸ رونق گرفت. اندکی پس از آن، دوره بی‌به نام "زمستان هوش مصنوعی" فرا رسید، که در آن بسیاری از شرکت‌ها به دلیل ناتوانی در عملی‌نمودن وعده‌های بزرگ شان متضرر شدند» (Stuart, 2009: 52)، که این بررسی‌ها قدرت و توان‌مندی هوش مصنوعی را بیان می‌کند. این سیستم‌ها خواسته یا ناخواسته توسط انسان غافل و راحت‌طلبی توسعه یافته است، که می‌خواهد هر کاری را بدون توجه به عواقب آن با ماشین انجام دهد. هوش مصنوعی به‌عنوان یک فن‌آوری جدید متولد شده و اخیراً شناخته شده است، در دهه‌های اخیر علاقه و شهرت زیادی به دست آورده است و جهانی‌شدن اینترنت و در دسترس بودن اطلاعات به این فرآیند دامن می‌زند. دولت‌ها، صنایع، شرکت‌ها و حتا افراد به یادگیری و استفاده از یک فن‌آوری ناشناخته و خطرناک برای طراحی و ساخت سیستم‌ها شتافتند تا معنای استفاده از کمپیوتر (برای حل مشکلاتی که انسان قادر به حل آن نیست) را تمرین کنند؛ در این قسمت می‌خواهم مطالعات Pedro Ponce را نقل قول کنم که در باب وسعت و گسترده‌گی پروژه‌های اجرایی هوش مصنوعی در یافته‌های تحقیق‌اش می‌نویسد: «یک سیستم انرژی‌محور مبتنی بر انرژی‌های تجدیدپذیر به‌عنوان هدف اساسی از تحول انرژی چین در کنفرانس‌های همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوسیه (APEC) پیش‌نهاد شد. تکنیک‌های پیش‌بینی پیش‌رفته برای ادغام انرژی باد در شبکه برق به شیوه‌یی که برای هر دو انتقال سودمند باشد، ضروری است. اپراتورهای سیستم (TSO) و تولیدکننده‌گان مستقل برق (IPP) در این پروژه به کار رفته‌اند» (Pedro, 2016: 28).

استفاده گسترده این سیستمها منجر به پیشرفت این فن آوری و استفاده از آن برای توسعه سیستمهایی شد که نژاد بشر تا به حال ندیده بود:

### ۳. فراگیری ماشین

نوعی از هوش مصنوعی (AI) است، که به کمپیوترها می آموزد مشابه انسانها فکر کنند، که باعث یادگیری و بهبود تجربیات گذشته می شود. «در یادگیری ماشینی، ورودی اطلاعات است؛ همان طور که در قانون از نظر هولمز، ورودی تجربه است؛ و در هر دو، وظیفه یی که باید بر روی مجموعه یی از ورودیها انجام شود، یافتن الگوها در آن است» ( Thomas D. Grant, 2020, 34), این کار با کاوش اطلاعات، شناسایی الگوها و حداقل مداخله انسانی انجام می شود.

#### ○ بینایی کمپیوتر

یک حوزه علمی میان رشته یی است که به این موضوع می پردازد، که چه گونه کمپیوترها می توانند درک سطح بالایی از تصاویر یا فیلمهای دیجیتال به دست آورند؛

#### ○ پردازش زبان طبیعی

زیرشاخه یی از زبان شناسی، علوم کمپیوتر و هوش مصنوعی مربوط به تعاملات بین کمپیوتر و زبان انسان، به ویژه نحوه برنامه ریزی کمپیوترها برای پردازش و تجزیه و تحلیل مقادیر زیادی از اطلاعاتهای زبان طبیعی است؛

#### ○ رباتیک

هدف رباتیک طراحی ماشینهای هوش مندی است که می توانند به انسانها در زنده گی روزمره کمک کند؛

#### ○ الگوشناسی

تشخیص خودکار الگوها و قاعده مندیها در اطلاعات است.

### ۴. ادغام با صنعت و تأثیر آن

مسلم بود که با چنین پیشرفت های فنی و همه کاره، قدرت مندی هوش مصنوعی جای گزین بسیاری از صنایع از نظر ماشین آلات و نوع نیروی کار خواهد شد. مشکل زمانی به وجود می آید که هوش مصنوعی در واقع تغییر ماهیت بسیاری از مشاغل را اعمال می کند و ماشینها را جای گزین

نیروی انسانی می‌کند؛ و این رخداد آنقدر سریع اتفاق می‌افتد که هوش مصنوعی را نسبت به انسان برای بسیاری از شغل‌ها مناسب‌تر نموده و این مسأله انسان را شگفت‌زده و ناامید می‌کند. معیارهای خاصی وجود دارد، که ماشین‌های طراحی‌شده با هوش مصنوعی را نیروی کاری به‌تر و توان‌مندتر از انسان می‌کند؛ در نمودار زیر فیصدی استفاده از نیروی کاری انسانی و ماشین هوش‌مند در صنایع مختلف مورد بررسی قرار گرفته است:

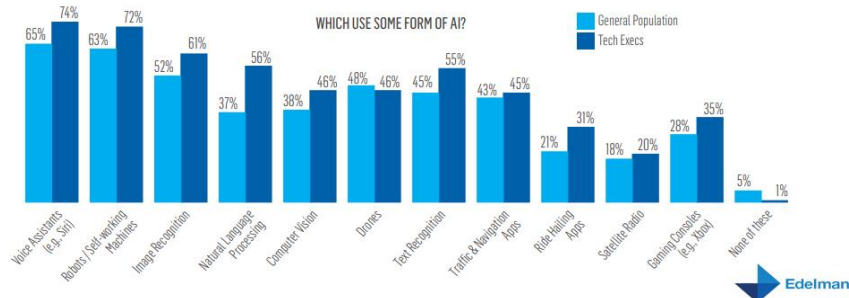


Chart 1: AI machine VS Human workforce usage

([www.digitalmarketingcommunity.com/researches/edelman-artificial-intelligence-survey-results-report-2019](http://www.digitalmarketingcommunity.com/researches/edelman-artificial-intelligence-survey-results-report-2019))

علاوه بر این، استفاده از هوش مصنوعی در صنایع منجر به پیامدهای دیگری شده، که به شدت بر صنایع و ماهیت نیروی کار آن‌ها تأثیر می‌گذارد. نه صنعتی که توسط انسان کنترل می‌شود و نه ماشین‌هایی که توسط انسان طراحی شده‌اند، مقصر این حرکت سریع و شدید نیستند؛ از منظری دیگر، مشکل این‌جاست که هوش مصنوعی با هر پیش‌رفتی از کنترل انسان خارج می‌شود. در چنین شرایطی، انسان در حال جشن گرفتن سود تجاری است، که از فن‌آوری هوش مصنوعی وارد جیب او می‌شود و از طرف‌های دیگر، این فن‌آوری که نیاز به مطالعه دقیق دارد، مورد غفلت قرار می‌گیرد.

مطالعه‌ی که سازمان (Yoav Shoham, 2017) (<https://www.indeed.com>)

انجام داده است، شهادی بر این موضوع است:

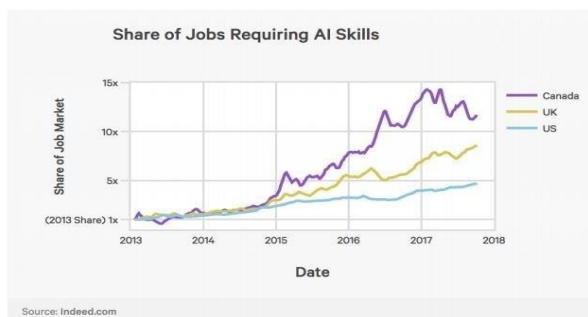


Chart 2: Share of jobs requiring AI skills (Yoav Shoham, 2017)

## ۵. تأثیر هوش مصنوعی بر زنده‌گی انسان

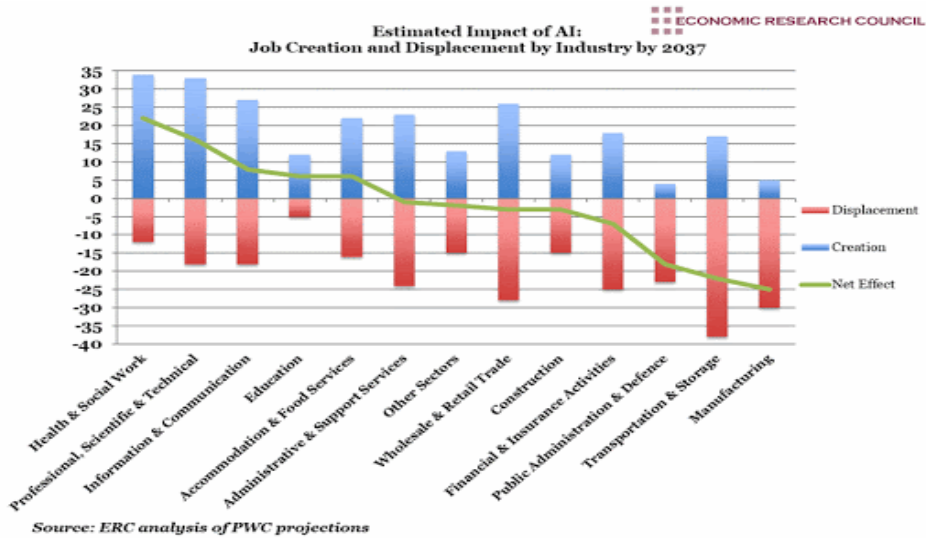
هوش مصنوعی با تأثیرگذاری بر صنایع، به طور غیرمستقیم بر زنده‌گی انسانی تأثیر گذاشت، که هیچ جنبه‌یی از مهربانی یا سودمندی برای انسان به‌عنوان نیروی کار نداشت؛ چنان که Kenneth Laudan می‌نویسد: «زیرساخت فن‌آوری اطلاعات شامل سرمایه‌گذاری در سخت‌افزار، نرم‌افزار و خدماتی مانند مشاوره، آموزش و پرورش است» (Laudan, 2017: 175)؛ اصل اساسی توسعه سیستم‌های نرم‌افزاری ارائه خدمات برای بشریت است، که با ایجاد زیرساخت‌های تخریکی انجام می‌شود، که این مسأله در سیستم‌های هوش مصنوعی توسعه یافته در سال‌های اخیر از جنبه کارآفرینی دیده نمی‌شود. کار انسانی بیش‌تر به انواع و بخش‌هایی تقسیم می‌شود، که نوع صنعت کار و نوع کار انجام‌شده را برای آن صنعت خاص معیار قرار می‌دهد. عوامل زیادی بر این مشاغل و نیروی کار به‌کار گرفته شده برای انجام آن‌ها تأثیر می‌گذارد:

- مهارت: توانایی طبیعی یا اکتسابی برای انجام کارها؛
  - ماهیت شغل: نحوه انجام کار، تخصص آن که نیاز به نوع کار دارد؛
  - سطح سختی: آیا این نیروی انسانی خاص تنها گزینه‌یی است که می‌تواند کار را انجام دهد یا این کار ساده‌یی است که با هر سطح از هوش انجام می‌شود؛
  - منحصربه‌فرد بودن: هنری، سیاسی، مذهبی و انواع دیگر مشاغل منحصربه‌فرد.
- هر یک از این عوامل در زمان استخدام نقش مهمی ایفا می‌کنند؛ با این حال، پرسشی که باقی می‌ماند، این است که آیا شرکت‌ها به دنبال کاندیداهایی هستند که موقعیت‌های خالی خود را پر کنند؟

با در نظر گرفتن عوامل ذکر شده، هنوز هم انتظار دارند که یک انسان وارد مصاحبه آن‌ها شود؟ با وجود رباتی که یک بار خریداری شده است و در بسیاری از این معیارها عمل کرد به‌تری دارد؟ پاسخ به این پرسش‌ها آسان نیست؛ زیرا دهه‌ها پیش پاسخ‌دادن به این‌ها، مشتاقانه در مورد ایجاد ماشینی که بتواند جای‌گزین انسان شود و همان کارها را با عمل کرد به‌تر انجام دهد، آسان نبود. این سوال طلایی، پاسخ داده شد و ماشین اکنون ساخته شده است؛ اما پاسخ به سوال اول برای انسان آسان نخواهد بود.

مطالعه‌یی که توسط شورای تحقیقات اقتصادی انگلستان انجام شده است، ایجاد شغل و جابه‌جایی شغل توسط صنعت تا سال ۲۰۳۷ را نشان می‌دهد که تأثیر تخمینی هوش مصنوعی در آن بررسی شده است:





*Estimated impact of AI:*

Chart 3: job creation and displacement by industry by 2037 (council, 2018, pp. week-37-2018)

در مطالعه دیگری توسط اداره آمار ملی انگلستان، مشاغل در معرض خطر را نشان می‌دهد:

**Jobs at risk from automation**

Highest and lowest probability

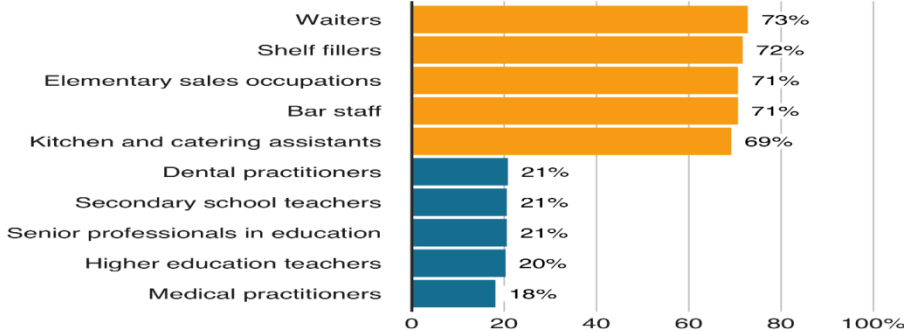


Chart 4: Jobs at risk from automation (Bloom, 2019, pp. business-47691078)

**۶. سیستم‌های توسعه‌ی**

از آنجایی که هوش مصنوعی یک فن‌آوری جوان است و بسیاری از جنبه‌های آن هنوز در حال توسعه است، مطالعه سیستم‌هایی که در زمان نوشتن این مقاله در سپتامبر ۲۰۲۱ در حال توسعه

هستند، راه را برای درک بیش‌تر هوش مصنوعی و قدرت آن باز می‌کند. یکی از مسایل مهمی که در طراحی و توسعه این سیستم‌ها قابل مشاهده است و نقش تعیین‌کننده داشته است، مدل‌سازی سیستم می‌باشد، که از اهمیت بسیاری برخوردار است. «مدل‌سازی مفهومی مرحله بسیار مهمی در طراحی یک برنامه کاربردی موفق پای‌گاه اطلاعات است» (Shamkant Navathe, 2009: 57)؛ سیستم‌های زیادی با استفاده از هوش مصنوعی در دست توسعه هستند، که برای برخی اشتیاق و برای برخی دیگر نگرانی ایجاد کرده است؛ اشتیاق برای توسعه این سیستم‌ها به خاطر نتیجه‌ی است که از آن‌ها انتظار می‌رود و نگرانی برای تبدیل شدن این نتایج به کابوسی برای انسان‌هاست. اگرچه نباید فراموش کنیم که طراحی نیازمندی‌های سیستمی که هدف آن حل مشکلات زیادی باشد کار سختی است. Ian Sommerville در کتابش در مورد Software Engineering در این باره چنین می‌نویسد: «الزامات سیستم‌های نرم‌افزاری بزرگ همیشه در حال تغییر است. یکی از دلایل تغییرات مکرر این است که این سیستم‌ها اغلب برای رسیده‌گی به مشکلات ضرور توسعه داده می‌شوند؛ مشکلاتی که نمی‌توان آن‌ها را به‌طور کامل تعریف کرد» (Ian Sommerville, 2017: 130). چیزی که این سیستم‌ها را قدرت‌مند می‌سازد، استفاده از شبکه ساختاری نیورونی است که الگوبرداری دقیق از مغز انسان است، که به ماشین توانایی‌های زیادی می‌دهد. Joa Luis G. Rosa در مقاله‌اش تحت عنوان (Artificial Neural Networks and Applications Models) در این مورد می‌نویسد که: «نیورون‌ها در یک لایه ترکیب می‌شوند. شبکه ممکن است از یک یا چند لایه تشکیل شده باشد. نیورون‌ها در لایه‌های مختلف با الگوی خاصی به یک‌دیگر متصل هستند» (Joa Luis G. Rosa, 2019: 238)؛ باتوجه به این موارد سیستم‌ها و فن‌آوری‌های در حال توسعه را که با استفاده از هوش مصنوعی در حال توسعه هستند، توانایی‌ها و معایب آن‌ها را می‌توان چنین یادداشت نمود:

### نیورالینک

همان‌طور که شعار شرکت آن‌ها "تکنالوژی پیش‌رفت برای مغز" ارائه می‌دهد، شرکت نیورالینک یک شرکت فن‌آوری اعصاب امریکایی است که توسط ایلان ماسک و دیگران تأسیس شده است و رابط‌های قابل کاشت مغز و ماشین را توسعه می‌دهد. دفتر مرکزی این شرکت در سانفرانسیسکو است. در سال ۲۰۱۶ آغاز شد و اولین بار در مارچ ۲۰۱۷ به‌طور عمومی گزارش شد.

### رابط‌های قابل کاشت مغز و ماشین

گاهی اوقات رابط کنترل عصبی (NCI)، رابط ذهن و ماشین (MMI)، رابط عصبی مستقیم (DNI)، یا رابط مغز و ماشین (BMI) نامیده می‌شود، یک مسیر ارتباطی مستقیم بین یک مغز

تقویت شده و یک دست‌گاه خارجی است. تفاوت BCI با NeuroMed این است که امکان جریان اطلاعات دو طرفه را فراهم می‌کند. BCIها اغلب در جهت تحقیق، نقشه‌برداری، کمک، تقویت یا ترمیم عمل‌کردهای شناختی یا حسی - حرکتی انسان هستند.

### توانایی‌ها

به عبارت ساده‌تر، BCI شاه‌کار فن‌آوری قرن ۲۱ و ماشینی است که انسان برای حل بسیاری از مشکلات ساخته است. این توانایی‌هایی نیست که این ماشین قرار است داشته باشد، آن توانایی‌ها حتی هنوز تعریف نشده‌اند؛ اما تصور کنید اگر انسان ماشینی را به مغزش متصل کند و ماشین خواسته انسان را که به شکل سیگنال‌ها و سپس دستورالعمل‌های قابل درک برای ماشین تولید می‌شود برآورده کند، چه اتفاقی می‌افتد، آن وقت چه خواهیم داشت؟ آن وقت اسمش را چه خواهیم گذاشت؟ یک انسان گسترده با توانایی‌های فوق‌العاده معمولی؟ یا ماشینی با توانایی‌های معمولی فوق‌العاده که متقابلاً قادر به کنترل انسان خواهد بود؟

پاسخ به هر یک از این سوالات دشوار است؛ علمی است که هنوز به اندازه کافی تجربه نشده است و اگر علمی به اندازه کافی توسط انسان تجربه نشود، نمی‌تواند به سوالاتی که او را به شگفتی و می‌دارد پاسخ دهد. این طور است و همیشه همین‌طور بوده است. Lawrence H. Hunter در مقاله‌اش می‌نگارد: «درک ما از هر فرآیندی را می‌توان با میزان تقلید شبیه‌سازی که ایجاد می‌کنیم از رفتار واقعی آن فرآیند سنجید» (Lawrence, 1993: 369)؛ اگر انسان واقعاً به تعامل مستقیم بین مغز و ماشین (به هر شکلی که باشد) دست یابد، این شکل از فن‌آوری بهبود می‌یابد و توسعه می‌یابد و با هر پیش‌رفتی قدرتی که این دست‌گاه خواهد داشت و توانایی‌هایی که به اراده محدود انسان می‌افزاید، افزایش دادند؛ تا جایی که سیاست، فرهنگ و مذهب بر این فن‌آوری تأثیر می‌گذارد و رقابت برای داشتن قدرت بیش‌تر و بیش‌تر با استفاده از این فن‌آوری بین انسان‌ها افزایش می‌یابد و احتمال استفاده از این فن‌آوری برای اهداف منفی مانند هر فن‌آوری دیگری که همیشه مورد استفاده قرار گرفته است افزایش می‌یابد. از آنجایی که این دست‌گاه با استفاده از هوش مصنوعی ساخته شده است، تصور کنید که این دست‌گاه پس از دریافت نیروی اراده، با دستورالعمل منفی بی‌کی انسان به حافظه خود می‌دهد، می‌تواند چه کاری با انسان انجام دهد.

### ۷. چرا نگران باشیم؟

فن‌آوری BCI نمونه‌یی از بسیاری از فن‌آوری‌های در حال توسعه است، که به طور بالقوه آینده جهان و انسان را تشکیل می‌دهد؛ همان‌طور که تکنالوژی زنده‌گی بشر را در قرن بیستم متحول کرد،

همین امر ادامه خواهد داشت تا زمانی که این انقلاب به نقطه‌یی برسد که از کنترل انسان خارج شود.

درصد هوش مصنوعی در حال افزایش است و در نهایت، فیصدی استفاده از این هوش در زندگی روزمره بشر، نسبت به هوش انسانی بلندتر خواهد رفت. من سعی می‌کنم مردم را متقاعد کنم که سرعت توسعه هوش مصنوعی را کاهش دهند، تا زمانی که بتوانند هوش مصنوعی را کنترل کنند. اگرچه تلاش من بی‌هوده بوده است و معمولاً انواعی از هوش مصنوعی در حال توسعه‌اند، که باعث ایجاد برخی از فن‌آوری‌های جدید شده که باعث آسیب یا مرگ برای بشر می‌شوند، در نتیجه فاجعه‌یی به‌وجود خواهد آمد و این فاجعه سال‌ها بررسی خواهد شد تا در نهایت نوعی کمیته بینش به‌وجود خواهد آمد، که آن‌ها قوانین توسعه و استفاده هوش مصنوعی را وضع خواهند کرد؛ سپس نظارتی بر این امور انجام خواهند داد و مقررات دقیق‌تری وضع خواهند شد، این کار سال‌ها طول می‌کشد، این روند عادی تکنالوژی‌های در حال توسعه است ( Musk, Joe Rogan Experience #1169,2018).

## ۷-۱. نتایج احتمالی

### ۷-۱-۱. تصاحب هوش مصنوعی

تصاحب هوش مصنوعی یک سناریوی فرضی است، که در آن هوش مصنوعی (AI) به هوش غالب بر روی زمین تبدیل می‌شود. دنیایی را تصور کنید که در آن انسان سلطه خود را بر موجودات زمینی از دست می‌دهد. انسان قدرتی را که در اختیار دارد برای کنترل هر چیزی که می‌خواهد، تأثیر بر طبیعت و تغییر آن به نفع خود از دست می‌دهد. انسان قدرت اتخاذ تصمیمات عمده‌یی را که می‌تواند زندگی را در یک دایره وسیع تحت تأثیر قرار دهد، از دست خواهد داد؛ از سوی دیگر، مشخص نیست که وقتی یک ماشین هوش پیش‌رفته‌تر از انسان را بهبود بخشد و اراده آزاد داشته باشد، چه تصمیمی می‌گیرد؟ اگرچه نحوه طراحی آن و دستورالعمل‌های قبلی که به آن بارگذاری شده است، در نحوه عمل کردن آن تأثیر دارد؛ اما با این وجود چیزی است که نمی‌توان به درستی حدس زد و تنها راه درک آن تجربه آن است. این مانند حدس زدن است که اگر یک حیوان به هوش پیش‌رفته‌تر از هوش انسان دست یابد، چه می‌کند. هیچ‌کس نمی‌تواند به درستی حدس بزند؛ زیرا هیچ چیزی مانند آن هرگز توسط انسان تجربه نشده است؛ اما از آن جایی که دستورالعمل‌های برنامه‌نویسی همیشه دو پاسخ متفاوت برای یک شرط وجود دارد، انسان باید با دقت و عاقلانه از موقعیت و شرایطی مانند این اجتناب کند؛ زیرا ممکن است یکی از این پاسخ‌ها و موقعیت‌ها به نفع انسان نباشد، و تصمیماتی که روزی ماشین ممکن است بگیرد، ممکن است مورد پسند انسان نباشد؛ از سوی

دیگر، بی تفاوتی انسان نسبت به تحولات سریع علمی نگران کننده است. Donald Knath در مقاله‌اش می‌نویسد: «مردم تمایل دارند از چیزهایی که غیرتصادفی به نظر می‌رسند، مانند ارقام جفت مجاور مساوی، اجتناب کنند» (Donald E. Knath, 2006: 48).

## ۷-۱-۲. جای‌گزینی کل نیروی انسانی

با پیش‌رفت ماشین‌های صنعتی و سیستم‌های اتوماسیون، تنها چند دهه است که ماشین‌ها در بسیاری از زمینه‌ها جای‌گزین انسان می‌شوند. از دیدگاه صاحب یک کسب و کار، به‌ترین نیروی کار عبارت است از نیروی:

- ارزان‌تر؛
- باهوش‌تر؛
- سریع‌تر؛
- خسته‌گی ناپذیرتر.

و با در نظر گرفتن هر چیزی، بازهم انسان با مقایسه هر یک از این جنبه‌ها، از ماشین بازنده خواهد شد؛ اما از آنجایی که انسان هرگز نمی‌تواند به اندازه خالق خود خالق قدرت‌مند، خلاق و خردمند شود، بازهم جنبه‌هایی وجود دارد که یک ماشین هرچه‌قدر هم که باهوش باشد، و هرگز نمی‌تواند انسان را بر آن‌ها شکست دهد:

- احساسات؛
- وجدان؛
- خلاقیت؛
- امنیت؛
- جسارت.

اما نکته هنوز هم این است که هیچ‌یک از موارد فوق نمی‌تواند ارزش انسان بر ماشین را در چشم صاحب کسب و کاری که همه چیز را از منظر تجاری می‌بیند و آماده است، همه این‌ها را با ماشینی که یک دست‌گاه است جای‌گزین کند، تضمین کند. سرمایه‌گذاری زمان برای او منجر به یک سری اتفاقات می‌شود که با ورود این فن‌آوری‌ها به بازارها و صنایع اتفاق می‌افتد که عمده آن‌ها نیروی انسانی کار و منبع درآمد خود را از دست می‌دهند و همه چیزهایی را که در زنده‌گی روزمره دارند به آن‌ها می‌دهد. این روند ادامه دارد و در حال توسعه است و در نهایت تمام نیروی انسانی (با خارج کردن سیاست‌مداران، هنرمندان از همه نوع و کارگران مذهبی) جای خود را به ماشین‌ها خواهد

داد و این خود یک وضعیت اجباری ناخواسته بین‌المللی ایجاد می‌کند که توسط افراد کمی کنترل می‌شود.

### ۷-۱-۳. قیام ربات

ترکیب آخرین پیش‌رفت‌های هوش مصنوعی با روبات‌ها می‌تواند تولید و انبارداری را متحول کند و هوش مصنوعی را به سطح بعدی برساند. این سناریو البته مزایای زیادی برای انسان هم از نظر مدیریت منابع و هم از نظر پیش‌رفت تولید دارد. ربات به‌عنوان ماشینی که توسط انسان طراحی و کنترل می‌شود، می‌تواند بسیار مفید باشد و یکی از بهترین اختراعات بشر است؛ اما ربات به‌عنوان جای‌گزین انسان اصلاً واقعیت خوشایندی یا وضعیت قابل قبولی برای انسان نیست. امروزه با پیش‌رفت هوش مصنوعی، ربات‌ها آن قدر توسعه یافته‌اند که میزان هوشی که یک ربات می‌تواند به دست آورد، انسان را می‌ترساند و شگفت‌زده می‌کند.

### ۷-۲. اقدامات پیش‌گیرانه

برای اطمینان از این که ماشین‌های فوق‌هوش‌مند در آینده تحت کنترل انسان باقی می‌مانند، باید دو واقعیت را با قلب خود باور کنیم و با ذهن خود بپذیریم:

#### ۷-۲-۱. انسان به هوش مصنوعی نیاز دارد

بازگشت به تاریخی که در آن ایده یک ماشین به اندازه کافی هوش‌مند، که قادر به انجام یک کار بدون هیچ‌گونه دخالت انسانی باشد، در وهله اول نیاز به هوش مصنوعی را روشن می‌کند. بسیاری از مشکلاتی که توسط انسان حل می‌شد یا نمی‌شد، دست‌به‌دست هم داد و انسان را مجبور کرد برای حل مشکلاتی که نمی‌تواند یا با هزینه‌های گزافی آن‌ها را حل می‌کند، به دنبال جای‌گزینی برای خود بگردد و به این ترتیب تحقیقات ادامه یافت و هوش مصنوعی توسط انسان ایجاد شد. با در نظر گرفتن آتشفشان‌ها، تحقیقات در اعماق دریاها، اطفای حریق، پروازهای مسیر طولانی، اقدامات صنعتی تکراری ساده و پیچیده‌تر و پیش‌رفته‌تر مانند اسکنرهای عمیق آسمان، مریخ‌نوردها و ماهواره‌های کنترل از راه دور، انسان به راحتی می‌تواند ضعف و نیاز به کمک خود را برای چیزی احساس کند: پیش‌رفته‌تر، پایدارتر، ایمن‌تر، دقیق‌تر و بسته به موقعیت مورد نیاز و آماده انجام همان عمل به‌تر، سریع‌تر و ایمن‌تر از انسان است که با هیچ‌چیز جز هوش مصنوعی قابل دست‌یابی نیست.

#### ۷-۲-۲. کنترل ماشین توسط انسان

داشتن هوش مصنوعی به‌عنوان یک فن‌آوری و ماشین‌هایی که با هوش مصنوعی به‌عنوان ماشین طراحی و ساخته شده‌اند، مشکلی نیست، مشکل از جایی شروع می‌شود که این سیستم‌ها از

انسان هوشمندتر می شوند. "اگر هوش مصنوعی هدفی داشته باشد و انسانیت اتفاقاً در راه باشد، بدون این که حتی به آن فکر کنیم، بشریت را به طور طبیعی نابود خواهد کرد. درست مثل این است که اگر ما در حال ساختن یک جاده باشیم و یک لانه مورچه در آن باشد، به هر حال، ما از مورچه‌ها متنفر نیستیم، ما فقط یک جاده می‌سازیم ( Musk, Elon musk Answers Your Questions, SXSW, 2018). به‌ترین استراتژی پیش‌گیری انسان می‌تواند این باشد که هرگز اجازه ندهد هوش مصنوعی از حد کنترل وی فراتر رود؛ مانند هر تکنالوژی و ماشین دیگری که انسان تاکنون طراحی کرده است، که از ساختار ساده‌ی پیروی می‌کند:

۱. مشکل را تعریف کنید؛
  ۲. یک ساختار خام برای سیستمی طراحی کنید، که بتواند آن را حل کند؛
  ۳. سیستم را بسازید؛
  ۴. مجموعه‌ی از دستورالعمل‌های لازم برای اجرای سیستم را ارائه دهید؛
  ۵. دستورالعمل‌های دیگری را که در راه به دست‌گاه اطلاعات می‌شود نگه دارید؛
  ۶. ماشین را کنترل کنید و از آن برای حل مشکل خود استفاده کنید.
- اگرچه این برخلاف تعریف اصلی هوش مصنوعی است؛ اما هوش مصنوعی نیز می‌تواند تحت این ساختار، تنظیم شود و تنظیم هوش مصنوعی تحت این ساختار می‌تواند به‌ترین استراتژی پیش‌گیری انسان برای کنترل هوش مصنوعی باشد. برای این که در این حالت ماشین اراده و قدرت تصمیم‌گیری آزاد نداشته باشد، می‌توان یک یا چند مرحله دیگر را به ساختار سنتی ماشین اضافه کرد:
۷. سیستم کاری خودکار (Automation system) را برای دست‌گاه برنامه‌ریزی کنید (به صورت دستی توسط انسان فعال یا غیرفعال شود)؛
  ۸. در صورت نیاز شدید برنامه، سیستم تا حدی که برای منافع انسان خطرناک نباشد، اختیار داشته باشد؛
  ۹. از آن جایی که ماشین همیشه به یک منبع انرژی نیاز دارد تا بتواند کار کند، منبع انرژی را در هر شرایطی تحت کنترل انسان نگه دارید.

## ۸. مناقشه تحقیق

باوجودی که از شناخت بشر از هوش مصنوعی و شکل‌گیری مفاهیم ابتدایی آن دهه‌ها می‌گذرد، هنوز هم هوش مصنوعی از بعد تکنیکی منحصراً شاخه نوپای علم کامپیوترساینس شناخته می‌شود. در سال‌های گذشته تحقیقات زیادی در جهت شناخت به‌تر هوش مصنوعی و مطالعه تأثیرات آن

انجام شده است. اغلب اوقات تأثیرگذاری هوش مصنوعی مورد بحث بوده و دلیل آن عدم شناخت بشر از تأثیرات متقابل محیطی و اجتماعی این پدیده می‌باشد. تأثیرات هوش مصنوعی بر صنایع هم‌چنان از دو دید مثبت و منفی مورد بررسی قرار دارند، که در این تحقیق از این دو بعد به قضیه نگاه کردیم. بررسی وسعت تأثیرگذاری هوش مصنوعی بر صنایع ما را قادر به پیش‌گیری از تأثیرات منفی آن و توسعه تأثیرات مثبت آن خواهد ساخت. نیاز صنایع امروزی به هوش مصنوعی غیر قابل انکار است و از طرفی دیگر در صورت عدم کنترل تأثیرات آن، استفاده از هوش مصنوعی در صنایع می‌تواند منتج به فاجعه دیگری برای بشر شود.

## ۹. نتیجه‌گیری

هوش مصنوعی که یکی از پدیده‌های نوین و قدرت‌مند دنیای تکنالوژی می‌باشد، در قسمت‌های خاص زنده‌گی بشر مانند صنایع می‌تواند تا میزان قابل ملاحظه‌یی مشکلات جوامع امروزی را حل کند؛ البته قابل ملاحظه است که باید میزان هوشی که برای ماشین داده می‌شود تا زمان ایجاد میکانیزم مشخص برای کنترل آن محدود نگه داشته شود.

این حقیقت که هوش مصنوعی باعث ایجاد مشکلات نیز می‌شود قابل چشم‌پوشی نیست. در صورت استفاده هوش مصنوعی در امور زنده‌گی روزمره بشر به میزان قابل ملاحظه‌یی تورم کاری به‌وجود می‌آید که نیاز به جست‌وجوی راه‌حل‌های قانع‌کننده دارد. آینده تاریک هوش مصنوعی که یکی از سناریوهای ممکن می‌باشد، باید مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته شود و برای مهار آن میکانیزم مشخصی تعریف شود.

استفاده از هوش مصنوعی با وجود محدودیت‌های کنترل‌شده می‌تواند به‌ترین راه‌کار استفاده از هوش مصنوعی در جوامع کنونی باشد.

## سرچشمه‌ها

1. Alemi, M. (2020). *The Amazing journey of Reason from DNA to Artificial Intelligence*. USA: Springer Open.
2. Bloom, J. (2019, march 25). <https://www.bbc.com/news/business-47691078>. Retrieved from <https://www.bbc.com/news/business-47691078>.
3. Cappelen, H. (2021). *Making AI intelligible*. USA: Oxford university press.



4. council, e. r. ( 2018, Week 37). *Chart of the week*. Retrieved from <https://ercouncil.org/2018/chart-of-the-week-week-37-2018/>:  
<https://ercouncil.org/2018/chart-of-the-week-week-37-2018/>
  5. G., J. L. (2019). *Artificial Neural Networks Models and Applications*. Croatia: IntechOpen.
  6. Grant, T. D. (2020). *On the Path to AI*. USA: Palgrave macmillan.
  7. Hunter, L. E. (1993). *Artificial Intelligence and Molecular Biology*. USA: MIT press.
  8. Knath, D. E. (2006). *The art of computer programming*. USA: Pearson.
  9. Laudan, K. C. (2017). *Management Information Systems*. USA: Pearson.
  10. McCarthy, J. (1956). The Dartmouth Summer Research Project on Artificial Intelligence. Dartmouth College, Hanover, New Hampshire.
  11. Musk, E. (2018, march 9). Elon Musk Answers Your Questions! | SXSW 2018. (J. Nolan, Interviewer)
  12. \_\_\_\_\_. (2018, Sep 7). Joe Rogan Experience #1169 - Elon Musk. (J. Rogan, Interviewer)
  13. Navathe, S. B. (2009). *Fundamentals of database systems*. USA: Pearson education.
  14. Russel, S. (2009). *Artificial Intelligence A modern approach*. India: Prentice Hall.
  15. sommerville, I. (2017). *Software Engineering*. USA: Pearson.
  16. Stahl, B. C. (2020). *Artificial Intelligence for a better Future*. UK: Springer.
  17. Watson, M. (2008). *Practical Artificial Intelligence programming with Java*. USA: Lulu.com press.
  18. Yoav Shoham, R. P. (2017). *Artificial Intelligence index*. AI index.
  19. Zhang, Y. (2010). *Machine Learning*. Croatia : IntechOpen.
- 
-



بخش دوه

علوم اجتماعی

---

---



## نقد ترامتنی رمان‌های «در حضر» و «در سفر» مهشید امیر شاهی

**نگارنده‌گان:** آمنه عرفانی فرد\*

دکتر علیرضا پورشبانان\*\*

### چکیده

با کشف انواع ارتباط متن‌ها با یکدیگر و نیز با شبه‌متن‌های دیگر و تأثیر بر دریافت مخاطب، دامنه اصطلاح بینامتنیت به مفهوم نظری ترامتنیت گسترش پیدا کرد؛ مفهومی که به بررسی انواع روابط ممکن بین یک متن با غیر خود می‌پردازد. با تقسیم‌بندی این روابط توسط ژرار ژنت به پنج نوع بینامتنیت، فرامتنیت، سرمتنیت، پیرامتنیت و زیرمتنیت، ابعاد گوناگون متن روشن‌تر گردید. در پژوهش پیش رو، با بررسی دو رمان «در حضر» و «در سفر» از مهشید امیرشاهی و شبکه ترامتنی این آثار، در صدد رسیدن به جنبه‌های گوناگون متن در شعاع دست‌یابی به جهانی گسترده‌تر از متن مکتوب و در نهایت خوانشی نظام‌مند از آثار مذکور بوده‌ایم. این شبکه قدرت‌مند، علاوه بر جلب توجه خواننده به روایت هر اثر، به بیرون کشیدن لایه‌های معنایی و شکستن زبان آن تأکید می‌کند و به چه‌گونه‌گی آشکار شدن زوایای پنهان و آشکار متن در سایه نقد ترامتنی و چه‌گونه‌گی دست‌یافتن به درک و دریافت جدید و عمیق نسبت به متن پاسخ می‌دهد.

نتایج حاصل از این خوانش جدید، با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا و تأکید بر مطالعات کتاب‌خانه‌یی، اسناد تاریخی و گزارش‌های رسانه‌یی، نشان می‌دهد که روابط ترامتنی با ارزیابی جریان‌های درون‌متنی و بیرون‌متنی خود، عنصری اساسی برای فهم ادبیات و هر متن دیگری است؛ فرایندی که با نشان دادن روابط پنهان و آشکار میان آثار و حتماً آثار با محیط اجتماع خود، سبب درخشش و تأثیرگذاری آن‌ها می‌شود.

**واژه‌گان کلیدی:** ترامتنیت، ژرار ژنت، رمان‌های در حضر و در سفر و مهشید

امیرشاهی.

\* دانش‌جوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانش‌گاه شهید بهشتی، تهران، ایران (a.erfanifard@yahoo.com)

\*\* دانش‌یار زبان و ادبیات فارسی، گروه عمومی دانش‌گاه هنر، تهران، ایران (alirezap3@yahoo.com)

Ghalib

ISSN

P: 2788-4155

E: 2788-6441

Received: 24 / 04 / 2022

Accepted: 20 / 07 / 2022

## Transtextuality critique of the novels "Dar Hazar" and "Dar Safar" by Mahshid Amirshahi

**Autuors:** Ameneh Erfanifard\*

Alireza pourshabanan\*\*

### Abstract

By discovering the types of communication between texts and other pseudo-texts and the impact on audience reception, the scope of the term intertextuality extended to the theoretical concept of Transtextualite; A concept that examines the types of possible relationships between a text and a non-self. By dividing these relationships by Gérard Genette into five types of Intertextualite, Metatextualite, Arcitextualite, Paratextualite and Hypertextualite, different aspects of text became clearer. In the present study, by examining the two novels "Dar Hazar" and "Dar Safar" by Mahshid Amirshahi and transtextuality network, we seek to achieve different aspects of the text in order to achieve a wider world than the written text and finally a systematic reading of the mentioned works. In addition to drawing the reader's attention to the narrative of each work, this powerful network emphasizes the pulling out of semantic layers and breaking it's linguistic structure, and responds to how the hidden and overt angles of the text are revealed in transtextuality criticisme and to how to gain a new and in-depth understanding of the text. The results of this new reading, using content analysis method and emphasis on library studies, historical documents and media reports, show that Transtextuality relationships with the evaluation of their intratextual and extra-textual streams are an essential element for understanding literature and any other text; A process that, by showing the hidden and obvious relationships between works and works with their social environment, causes their brilliance and influence.

**Keywords:** Transtextualite, Gérard Genette, Dar Hazar, Dar Safar & Mahshid Amirshahi.

\* PhD candidate in Persian language and literature at Shahid Beheshti University, Tehran, Iran ( a.erfanifard@yahoo.com)

\*\* Associate Professor of Persian Language and Literature, General Department of the University of Arts, Tehran, Iran ( alirezap3@yahoo.com)

## مقدمه

ادبیات به مثابه شالوده فرهنگ یک ملت است؛ هم‌چنین در خلال مطالعه یک اثر ادبی، می‌توان به زوایای پنهان و آشکار دوره‌یی که اثر ادبی در آن نگاشته شده، پی برد. هر اثری بر جهان یک متن بنا شده، که آشنایی با جهان هر متنی، راه شگرفی در گشایش مشکلات و درک همه‌جانبه از آن را فراهم می‌کند. هیچ متنی مانند متن ادبی با افق‌هایی که پیش رو دارد، قادر به بازگویی سنت‌های ادبی برآمده از جهان اطراف خود نیست. نقد ترامنتی برای درک و دریافت متون ادبی، با استفاده از پی‌گیری نشانه‌هایی که با نظم و ترتیب در متن گنجانده شده‌اند، فرایند آشنایی خواننده را با متن فراهم می‌کند. گسترش این مقوله به شکل‌گیری موضوعی به نام هرمنوتیک<sup>۱</sup> انجامید. عقیده متعارف در این نظریه هم بر این مبنا است که آثار ادبی بر اساس نظام‌ها، نشانه‌ها و سنت‌های ایجادشده به وسیله آثار ادبی پیشین بنا می‌شوند. این امر نشان می‌دهد که متن‌ها، خواه ادبی خواه غیر ادبی، در واقع متشکل از همان چیزی هستند که نظریه‌پردازان امروزی آن را امر بینامنتی<sup>۲</sup> می‌نامند. مفهوم بینامنتیت، ساختار ادبی را در قالب یک کلیت اجتماعی قرار داده و متن را با نشانه‌های تاریخی- اجتماعی آن هماهنگ می‌نماید؛ سپس آن را با نشانه‌ها، گفت‌مان‌ها و صداهای گوناگون حاضر در متن، مرتبط می‌کند؛ در نتیجه تحول و تکامل متن‌ها، برآیند درک و دریافت درست از تأثیرپذیری‌ها و ویژه‌گی‌های آثار پیشین است. شناخت بینامنتیت به شکل‌گیری نظریه ترامنتیت انجامید؛ نظریه‌یی که در پی آن بود تا نشان دهد همه متون می‌توانند به شکلی نظام‌مند تفسیر، درک و دریافت شوند. ژنت<sup>۳</sup> در کتاب *الواح بازنوشتی*، ترامنتیت را به پنج دسته بینامنتیت<sup>۴</sup>، سرمنتیت<sup>۵</sup>، پیرامنتیت<sup>۶</sup>، فرامنتیت<sup>۷</sup> و زیرمنتیت<sup>۸</sup> تقسیم می‌کند. این پنج مؤلفه به دلیل روابط متقابل و هم‌پوشانی‌های احتمالی و غیرقابل اجتنابی که با یک دیگر دارند، کاملاً از هم جدا و منقطع نیستند.

«در حضر» و «در سفر»، دو اثر از مهشید امیرشاهی می‌باشند که به ترتیب، انقلاب اسلامی و زنده‌گانی مهاجران و تبعیدیانی را به تصویر می‌کشد که بعد از انقلاب اسلامی، راهی دیار غربت شده‌اند. توصیف‌های این دو اثر هم‌واره در مطالعات ادبیات مهاجرت، در حکم ورود به دنیای دگراندیشانی است که در گيرودار انقلاب، موضع خود را نسبت به آن ابراز داشته و گاه نیز به دلیل عدم هماهنگی در محور اندیشه با فضای غالب، به فکر رفتن، هجرت و تبعید برآمده‌اند. شناخت ابعاد

<sup>1</sup> Hermeneutics

<sup>2</sup> Intertextuality

<sup>3</sup> Gérard Genette

<sup>4</sup> Intertextualite

<sup>5</sup> Arcitextualite

<sup>6</sup> Paratextualite

<sup>7</sup> Metatextualite

<sup>8</sup> Hypertextualite

گوناگون این آثار، می‌تواند دریچه‌های روشنی به سوی جهان و زنده‌گانی بشر، که بین تراژیدی و کمدی در کشاکش حوادث اند، بگشاید.

با ترجمه آثار کریستوا و ژنت درباره ترامنتیت<sup>۹</sup>، برخی آثار درباره ترامنتیت نوشته شد، که می‌توان به مقالاتی چون «ترامنتیت، مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها» از بهمن نامور مطلق از فرهنگستان هنر (۱۳۸۶) یا «رابطه ترامنتی عنوان‌های متون نثر تاریخی از آغاز دوره اسلامی تا پایان دوره افشاریه» از اعظم برامکی (۱۳۹۴)، «ترامنتیت در مقامات حمیدی» از فائزه عرب یوسف‌آبادی و... (۱۳۹۲) و دیگر مقالاتی که در این زمینه نگاشته شده، اشاره کرد؛ البته کتاب «ساختار و تأویل متن» از بابک احمدی (۱۳۹۳) هم در تحقیقات ترامنتی بسیار راه‌گشا بوده است. در زمینه آثار مهشید امیرشاهی نیز مقاله‌یی با عنوان «هنر و تیغ؛ قلم در دست مهشید امیرشاهی» از فرشته کوثر (۱۳۷۵) به ثبت رسیده است. بر اساس موارد ذکر شده، دو رمان مورد بحث، تاکنون از لحاظ ترامنتیت بررسی نشده و تحقیقی در این حوزه صورت نگرفته است.

هدف از پژوهش حاضر، رسیدن به جنبه‌های گوناگون متن در شعاع دست‌یابی به جهانی گسترده‌تر از متن مکتوب و در نهایت خوانشی نظام‌مند از آثار مذکور است؛ فرآیندی که با نشان‌دادن جریان‌های برون‌متنی در صدد پاسخ‌گفتن به این پرسش اساسی است که: ترامنتیت تا چه سطحی توانسته است تمامی زوایای پنهان و آشکار متن خود را به خواننده بشناساند؟ با داشتن این ابزار چه‌گونه می‌توان به درک و دریافت جدید و عمیق‌تری نسبت به متن دست یافت؟

از آن‌جا که ترامنتیت به پرسش درباره چه‌گونه‌گی رابطه یک متن با متن‌های دیگر و به‌طور کلی با غیر خودش می‌پردازد، برای این منظور با اصطلاحات خاص و طبقه‌بندی مفهوم ترامنتیت ابتدا به توصیف و تشریح دو اثر «در حضر» و «در سفر» از مهشید امیرشاهی پرداخته و سپس به تجزیه و تحلیل روابط میان متنی آن‌ها پاسخ می‌دهیم؛ امری که در نهایت نشان می‌دهد هیچ اثری نمی‌تواند بدون جریان‌های برون‌متنی خود دیده شود یا حتا مورد توجه و خوانش قرار گیرد و دلیل اصلی مراجعه به آن‌ها، روابط پنهان و آشکار میان آثار و حتا آثار با محیط اجتماع خود است، که سبب درخشش و تأثیرگذاری آن‌ها می‌شود.

## نقد مؤلفه‌های ترامنتیت در رمان‌های «در حضر» و «در سفر» مهشید امیرشاهی

### ۱. بینامنتیت

در نگاه ژرار ژنت، حوزه بینامنتیت هم از لحاظ موضوع و هم از حیث گسترده‌گی محدودتر می‌گردد و بر روابط ساختاری دو متن متمرکز می‌شود (نامور مطلق، ۱۳۸۸: ۹۸). این نگرش

<sup>9</sup> Transtextualite



ساختارگرایانه از رابطه بینامتنی بین دو یا چند متن از طریق واردکردن بخشی از یک متن در متن دیگر، تلمیح، نقل قول و... قابل تشخیص است. «ژنت بینامتنیت خود را به سه دسته بزرگ تقسیم می‌کند: ۱. بینامتنیت صریح و اعلام‌شده؛ ۲. بینامتنیت غیر صریح و پنهان‌شده؛ ۳. بینامتنیت ضمنی» (همو، ۱۳۸۶: ۸۸-۸۹). در این طبقه‌بندی می‌توان شبکه بینامتنی «درحضر» و «در سفر» را با طیف وسیعی از عبارات، نشانه‌ها و ارجاعات مختلف بررسی و شناسایی کرد.

### ۱-۱. بینامتنیت صریح

در بینامتنیت صریح، مؤلف متن دوم قصد پنهان کردن مرجع متن خود، یعنی متن اول را ندارد؛ به همین دلیل به نوعی می‌توان شاهد حضور متنی دیگر در آن بود. یکی از وجوه قابل تمییز آن در اثر، نقل قول است، که صریح‌ترین و لفظی‌ترین نوع بینامتنیت صریح است (همان: ۸۸)؛ از این‌رو، شاعر یا نویسنده در متن اثر، نشانه‌هایی از متون مورد استفاده خود را برای مخاطب مشخص می‌کند تا خواننده را به این مطلب سوق دهد، که کلمات یا متن واردشده، از خود شاعر یا نویسنده نیست؛ بل که از کسی یا جایی اقتباس شده است.

بینامتن‌های صریح در رمان «درحضر» بیش‌تر در مکالمات شخصیت‌ها ظهور یافته‌اند. نظرات و سخنان آنان، نقل‌قول‌هایی مستقیم یا غیر مستقیم از رسانه‌ها، کتاب‌ها و روزنامه‌هاست؛ برای مثال، گاه ذکر اسامی برخی از کتاب‌ها نیز در متن، در جهت هدف کلی نویسنده و متن قرار دارند و نشان‌دهنده جهان‌بینی نویسنده و جبهه‌گیری‌های او و اطرافیانش بوده است.

از کنار فروشنده‌ها آهسته رد می‌شوم و کتاب‌های حاشیه خیابان را نگاه می‌کنم و بعضی را ورق می‌زنم: «مانیفست حزب کمونیست»، «قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی»، «پنجاه و سه نفر» بزرگ علوی، «مادر» گورکی، «کاپیتال» مارکس، «ساخت خانواده» انگلس. جلوی پسری کیسه پر از کتاب است و با صدای بلند مژده می‌دهد: «ولادیمیر آمد! ولادیمیر آمد!» وقتی با سؤال نگاهش می‌کنم، یک کتاب جلد سفید بی‌عنوان را از روی بار گونی بر می‌دارد و به دستم می‌دهد. بازش می‌کنم. صفحه اول نوشته است: پرولتاریای جهان متحد شوید! و روی صفحه بعد با حروف درشت: **لنین**، و زیرش با حروف ریزتر: آثار منتخب در یک جلد، و پایین صفحه: از انتشارات سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور (امیرشاهی، ۱۹۸۷: ۲۱۹).

حضور این کتاب‌ها در این برهه تاریخی، دارای ارتباطی قوی بین متن و جهان نویسنده است. درواقع کتاب‌هایی که از آن‌ها نام برده می‌شود، همه‌گی نشانی از تعدد اندیشه‌ها و الگوهای فکری است که هربار موجی را به دنبال خود به راه انداخته است. این هم‌حضوری، فرایندی را حاصل می‌کند که متن‌های گوناگون در یک حوزه معنایی مشترک به هم بیبوندند و دیگر یک متن مستقل نباشد.

کتاب *مانیفست حزب کمونیست*، اثری سیاسی است که در قرن نوزدهم به وسیله کارل مارکس و فردریک انگلس نوشته شده است. جمله معروف این کتاب، یعنی همان «کارگران تمام کشورها متحد شوید»، بعدها شعار احزاب کمونیستی و سرودهای مختلفی بوده است. کتاب *کاپیتال* یا همان *سرمایه*؛ *تقادی اقتصاد سیاسی* نام اثری دیگر از کارل مارکس، فیلسوف قرن نوزدهم است. کتاب *ساخت خانواده* یا همان *منشأ خانواده*، *مالکیت خصوصی و دولت* از فریدریش انگلس، رساله‌یی است که شکل‌گیری و تحولات خانواده و پدید آمدن دولت را بر اساس نظریه ماتریالیسم تاریخی مورد بررسی قرار می‌دهد. *قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی* نیز کتابی است که در سال ۱۹۷۷ در مسکو منتشر شد. نام کتاب *پنجاه و سه نفر بزرگ* علوی به شمار کسانی اشاره دارد که در زمان رضاشاه به جرم عضویت و فعالیت در گروهی اشتراکی بازداشت، محاکمه و زندانی شدند. کتاب *مادر اثر ماکسیم گورکی* خاطرات مبارزه نسلی بود که اکنون دوران میان‌ساله‌گی را می‌گذراند. کتاب *جلد سفید بی‌عنوانی* که نویسنده از آن نام می‌برد، نیز همان جزواتی بود که سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور منتشر می‌کرد. در ابتدای هر شماره، شعارهایی نظیر «همه چیز در خدمت مبارزه مسلحانه، همه فعالیت‌ها در جهت احیای حزب طبقه کارگر ایران» و «پرولتاریای جهان و خلق‌های ستم‌کش متحد شوید» به چاپ می‌رسید.

یکی دیگر از موضوعاتی که در کتاب بارها به آن اشاره شده، ماجرای چاپ مقاله «استعمار سرخ و سیاه» است. در سال ۱۳۵۶ نخستین رویارویی شاه و مخالفان به وقوع پیوست. روشن‌فکران، رهبران سیاسی و نیز روحانیون از راه تشکیل انجمن‌ها، جمعیت‌ها و ارسال نامه‌های سرگشاده، دولت را به ادامه نقض قانون اساسی و حقوق بشر متهم می‌کردند. در بحبوحه این جریانات، شاه دستور داد مقاله‌یی توهین‌آمیز علیه آیت‌الله خمینی بنویسند. نویسنده در این باره می‌گوید: «قرار بود مقاله «استعمار سرخ و سیاه» و به ابول بدم، یادم رفت. چند روز پیش بالاخره گیرش آوردم. [...] واقعاً مزخرف! اون قسمت‌هایی که مربوط به انقلاب شکوهمند شاه و ملت بود، پاک دل آدمو بهم می‌زد» (همان: ۲۶).

کتاب «در سفر» نیز هم‌چون «در حضر»، یک بینامتن سراسر آشکار از زنده‌گی نویسنده، اما در خارج از کشور و در فضای تبعید است؛ به طور مثال، اشاره‌ی او به مقاله‌یی که درباره کتاب ۱۹۸۴ جرج اورول نوشته بود، یکی از همین بینامتن‌های آشکار کتاب است:

روابط سیاسی با سمن به دلیل بعد مسافت در حد نامه‌نگاری گاه‌به‌گاه باقی ماند تا زمان نوشتن مقاله‌یی درباره «۱۹۸۴» اثر «جورج ارول». [...] قصد من از نوشتن آن مقاله نشان‌دادن وجوه تشابه میان دنیای سیاهی بود که «ارول» در کتابش رسم کرده بود [...] دنیای ارول دنیایی است تک‌حزبی با رژیمی خودکامه و رهبری خداگونه که بر همه چیز ناظر است و ظهور کرده است، تا «عدل‌وداد» را در عالم بگستراند. [...] ارول جایی در این اثر می‌گوید: «نظرات

ره‌بر بر کسانی که قادر به فهم آن‌ها نبودند، از همه نافذتر بود. به این گروه می‌شد واقعیت‌های آشکارا قلب‌شده را به عنوان واقعیت مطلق قبولاند، چون اینان هرگز به درستی سنگینی بار مسؤولیتی را که بر شان‌شان بود، در نمی‌یافتند و از مصالح عمومی ناآگاه‌تر از آن بودند که درک کنند چه پیش آمده است (همو، ۱۹۹۵: ۱۰۵-۱۰۶).

۱۹۸۴ نام کتاب مشهوری از جورج اورول به سال ۱۹۴۸ بیانیه سیاسی شاخصی در رد نظام‌های تمامیت‌خواه و نیز کمونیزم است. جرج اورول در این کتاب، آینده‌ای را برای جامعه به تصویر می‌کشد که در آن خصوصیتی هم‌چون تنفر نسبت به دشمن و علاقه شدید نسبت به برادر بزرگ (ناظر کبیر) (ره‌بر حزب با شخصیت دیکتاتوری فرهمند) وجود دارد (اورول، ۱۳۹۴: ۳). استفاده نویسنده از چنین داده‌های ادبی و تاریخی، بیان‌گر بینامتنی صریح و آشکار است؛ چنان‌که متنی ادبی در اثر دارای حضوری آشکار باشد.

## ۲-۱. بینامتنیت پنهان

بینامتنیت غیرصریح و پنهان، مرجع بینامتن خود را نه به دلیل ضرورت‌های ادبی، بل که به دلایل فرادبی پنهان می‌سازد (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۸۸). در این نوع از بینامتن، به‌طور پنهانی و از طریق مضمون و محتوا به رابطه بین متون پی می‌بریم. مهشید امیرشاهی در کتاب «در حضر»، تصویر هیجان جامعه انقلاب‌زده و مذهبی‌شدن‌های از سر منفعت را به‌خوبی نشان می‌دهد. اگر موضع‌گیری‌های شدید سیاسی‌اش را بی‌آن‌که بخواهد دلیل تحلیلی و منطقی برای‌مان بیاورد، کنار بگذاریم، داستان پر تنش که از آن روزها برای‌مان می‌سازد، خیلی دور از آن‌چه بسته‌وگریخته شنیده‌ایم، نیست. با پی‌گیری این نشانه‌ها در متن کتاب و جامعه انقلابی امیرشاهی، می‌توان به عناصری دست یافت که به وضوح در کتاب به آن‌ها اشاره نشده است؛ برای مثال، زمانی که می‌گوید:

کلمه بر اثر تکرار، تبدیل به صورت می‌شود و دیگر معنایی را به ذهن متبادر نمی‌کند. زبان‌شناسان بر این عقیده‌اند. [...] «ملت جان بر کف»، «مزدور صهیونسم»، «شهدای گلگون کفن»، «شاه خائن»، «صبر انقلابی»، «محارب با خدا»، «وحدت کلمه»، «غرب‌زده»... دیگر مفهومی ندارد. فقط صداهایی است که در هم می‌پیچد و مثل تویی لاستیکی به پرده گوش می‌خورد و باز به فضا بر می‌گردد. معنی فقط گم نشده است. این کلمات حتا شکل ثابتی ندارد. هر کدام مثل پُتک بر سرم می‌کوبد، در ذهنم تصویری پت و پهن می‌نشانند. «شهدای گلگون کفن»، «ملت جان بر کف»... (امیرشاهی، ۱۹۸۷: ۱۲۶).

می‌دانیم چنین اندیشه‌یی محصول مطالعات و تأملات نویسنده اثر در باب معناباخته‌گی است. رابرتس<sup>۱۰</sup> در مقاله «بکت و تئاتر معناباخته‌گی» بر آن است که با تغییر پدیده‌های ادبی در بستر زمان، فهم و ادراک ما نیز دچار تحول می‌شود. زمانی که فرد در گیرودار حوادث، به پوچی و بی‌معنایی می‌رسد، هیچ واژه‌یی برای او بیان‌گر تلنگری نخواهد بود و کم‌کم ارزش و معنای خود را از دست خواهد داد (۱۳۷۳: ۳۰۱)؛ چنان که مشاهده می‌کنیم، نویسنده، زبانی را به کار می‌برد تا انزوای او در دنیا و ناتوانی خود را در برابر جهان بیرون نشان دهد و اوها از هم‌گسیخته‌ی دنیای خواب‌گونه‌اش را به تصویر کشد.

کتاب «در سفر» نیز هم‌چون کتاب «در حضر»، فاقد بینامتن‌های پنهانی متعدد و فراوان است. تعداد آن‌ها بسیار محدود و گاه غیرقابل شناسایی‌اند. اهتمام نویسنده به استناد است و به این جهت سعی می‌کند مرجع عبارت را حتماً ذکر کند؛ اما گاه در شکل ارائه متن، رگه‌هایی از حضور شیوه کار نویسنده‌گان دیگر نیز دیده می‌شود، که این امر علاوه بر بینامتن پنهان، بیان‌گر سرمنتیت اثر نیز هست:

شب‌های متوالی پس از سنگ‌سار اولین زن کابوس داشتم. کابوسی که با هر سنگ‌سار تکرار شد. در پریشانی خواب، هم تماشاگر آن زن بودم و هم خود، آن زن بودم. «من» یا «زن» در گودالی بود تا شانه در خاک مدفون و صورتی داشت شبیه فاطمه - زرین تاج - اسم سلمه - طاهره، چون طرح خانم «دیو لافوا» از چهره قره‌العین - بی‌نهایت زیبا و به غایت معصوم. در اطراف چاله ازدحامی بود بی‌روی و پر از دست و سنگ. بی‌چهره‌گی جمعیت کابوس را آشفته‌تر می‌ساخت: «من» - «زن» می‌خواست صورت را ببیند، چهره آن که نخستین سنگ را می‌زد و بلندتر از غوغای سنگ‌سارکننده‌گان، صدایی بی‌وقفه می‌خواند: من و رسم و راه قلندری، من و رسم و راه قلندری، من و ... آن صدا، آن چهره، و آن ازدحام پُر صدا و به چهره در روشنای روز هم مرا رها نمی‌کرد (امیرشاهی، ۱۹۹۵: ۱۱۵-۱۱۶).

چنان‌که از متن برمی‌آید، راوی تفکرات جاری خود را به صورت سیال در زمان، مکان و واقعیت بیان می‌کند. زمان داستان بین حال و گذشته در جریان است و مکان اتفاقات مدام در نوسان و تغییر شخصیت اصلی به شخصیت راوی در حرکت است، که این مکان‌ها را درهم می‌آمیزد؛ فرآیندی که به‌طور مثال در نوشته‌های سراسر خواب‌گونه بوف کور صادق هدایت یا گاوخونی جعفر مدرس صادقی به کار رفته است.

در چنین متن‌های خواب‌گونه، فضای داستان بین خواب و بیداری در نوسان است و عناصر غیرواقعی به فضای بیرون کشیده می‌شوند (تسلیمی، ۱۳۸۸: ۴۷)؛ بنابراین، حضور پنهان چنین فضاسازی‌هایی، بیان‌گر چنین مؤلفه‌هایی در متن می‌باشند.

<sup>10</sup> Roberts

## ۱-۳. بینامتنیت ضمنی

در این بخش از ارتباط متون، به شواهدی بر می‌خوریم، که نویسنده در اثر خود نه تنها متن اصلی خود را پنهان نکرده؛ بل که به صورت کنایی و غیر مستقیم از منبع مورد استفاده خود نام می‌برد. در بینامتن ضمنی باید به دنبال سر نخ‌ها رفت و با کمک نشانی‌هایی که داده شده، به مرجع اصلی دست یافت. در کتاب «در حضر»، بینامتن‌های ضمنی فراوانی به چشم می‌خورند. این بینامتن‌ها گاه خود به عنوان یک شبکه معنایی عمل می‌کنند. یکی از نمونه‌های بینامتن ضمنی در کتاب «در حضر»، زمانی است که نویسنده در لابه‌لای داستان از برنامه‌های شخصی خود، از جمله ترجمه کتاب نویسنده سودانی می‌گوید که منظور او همان عروسی زید از طیب صالح است: «ترجمه کتاب نویسنده سودانی رو به پیش‌رفت است» (امیرشاهی، ۱۹۸۷: ۵۹). او در میانه داستان، بخش‌هایی از ترجمه را وارد کرده و با شخصیت‌های کتاب به گفت‌وگو می‌نشیند؛ اما نام اثر با تصور این که مخاطب با ترجمه‌های وی آشناست، عنوان نمی‌شود. در کتاب «در سفر» نیز نقل قول‌هایی وجود دارد که مرجع آن به طور آشکار ذکر نشده است. نامور مطلق، بر این عقیده است که در نقل قول از منابع مختلف، مؤلف بینامتن خود را به نوعی که بتوان حضور یک متن دیگر را در متن مشاهده کرد، متمایز می‌کند. از نظر او، نقل قول را می‌توان به دو دسته بزرگ نقل قول با ارجاع و نقل قول بدون ارجاع تقسیم کرد (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۸۸). به طور مثال، نویسنده در جایی از این کتاب می‌نویسد: «محققی امریکایی می‌گوید: نویسنده‌گان تبعیدی قرن هیجدهم پایه‌گذار مکتب رمانتیسیم در دنیای غرب بودند. [...] نویسنده‌ی لهستانی‌الاصل می‌گوید: بی‌مکانی به زمان ره می‌برد» (امیرشاهی، ۱۹۹۵: ۱۶۶). در این عبارت نیز، ارجاع نویسنده به محقق امریکایی و نویسنده پولندی‌الاصل خود به نحوی اعلام استناد به متنی در خارج است؛ اما نام آن‌ها هم‌واره در اثر ناگفته باقی می‌ماند. این نقل قول تنها به این سبب ذکر می‌شود که نویسنده بتواند به کمک آن، آلام خود را فرو نشاند. تنها به این دلیل است که نیازی به بیان نام گوینده آن نمی‌بیند و این همان دلیل ادبی است که گاه‌گاه خود را در متن نشان می‌دهد.

## ۲. سرمنتیت

در مطالعات ژنت، موضوع بوطیقا، متن واحد و یگانه نیست؛ بل که سرمنتی است که شامل مجموعه مقولات عمومی یا فرابودی - سنخ‌های گفت‌مان، شیوه‌های گزارش و ژانرهای ادبی است، که هر متنی از این مجموعه نشأت می‌گیرد (آلن، ۱۳۹۲: ۱۴۷). بر این اساس، او این مؤلفه ترامنتی را سرمنتیت می‌نامد. سرمنتیت، مرتبط‌کردن یک متن با ژانر، نوع هنری یا گفت‌مانی است که معرف آن

است (نجومیان، ۱۳۸۸: ۲۶۱). به زعم ژنت، این جنبه از متن به انتظارات خواننده و دریافت او از یک اثر مربوط می‌شود (آلن، ۱۳۹۲: ۱۴۹).

کتاب «در حضر»، با توصیف روزهای انقلاب و آمدوشدِ شخصیت‌های کتاب، یک رمان چندآوایی است، که از شیوه معمول رمان‌های خطی پی‌روی نمی‌کند؛ از این‌رو، پی‌رو تمام‌آثاری که در این حوزه خلق شده، به آفرینش جهانی دست زده، که هم‌واره با مخاطب در حال گفت‌وگو است. نویسنده هم‌چنین با پردازش زمانی هر آن‌چه شنیده و دیده، اثری آفریده که هم‌چون تحقیق گسترده‌یی در دوران، زبان، فضا و شیوه زنده‌گی است. این اثر با تمام چرخش‌ها و دگرگونی‌ها، در قالب یک رمان جای دارد و یک رئالیزم تاریخی - اجتماعی با مضمون اعتراض است. کتاب «در سفر» نیز، در حقیقت زنده‌گی‌نامه نویسنده و به‌نوعی خاطرات او در طول سال‌های اقامت در فرانسه است؛ به‌این‌ترتیب، می‌توان گفت اثری در قالب رمان و در زمینه ادبیات مهاجرت و تبعید به نگارش در آمده است. در این نوع نگارش، می‌توان غم غربت و خشم نویسنده را در اثر مشاهده کرد؛ روایت در سفر، راهی به درون و احوالات نویسنده است، که از ریشه‌های خود جدا افتاده است.

### ۳. فرامتنیت

رابطه توضیحی و تفسیری یا انتقادی یک متن درباره متن دیگر، فرامتنیت نامیده می‌شود. در واقع فرامتنیت بر اساس روابط تفسیری و تأویلی شکل گرفته است. این رابطه موجب پیوند یک متن با متن دیگری می‌شود و بدون این که لازم باشد، از آن نقل کند یا نامی از آن ببرد، درباره اش سخن می‌گوید (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۹۲-۹۳). تأویل و تفسیر متنی که از گذشته به جای مانده، در حقیقت بیان‌گر مفهوم تلاش برای از بین بردن فاصله گذشته و اکنون است (پورحسن، ۱۳۸۴: ۴۱۲). گاهی فرامتن‌ها، خود یک اثر ادبی جدید هستند، که نمونه‌های این نوع متن‌های تفسیری در ادبیات فارسی بسیار به چشم می‌خورد.

آن‌چه در کتاب «در حضر» قابل توجه است، گسست فکری و حسی میان نویسنده و جامعه است، که می‌تواند قضاوت‌ها و تحلیل‌هایش را غیر واقعی کند. جامعه، زمینه رمان «در حضر» است و نگاه نویسنده نسبت به اجتماع و افراد، مضمون این کتاب را تشکیل می‌دهد. مضمونی که در آن به زعم آریلاستر «نوعی گرایش تجرید فرد از بافت اجتماعی و تأکید بر خودکفایی غرورآمیز و تنهایی جسورانه» (آریلاستر، ۱۳۷۷: ۲۹) وجود دارد. اگر کتاب را به‌عنوان یک روایت دیگر از انقلاب و سال‌های پس از آن بدانیم، متوجه تفسیری بودن این اثر از زبان نویسنده خواهیم بود. چنین توصیف‌ها و تفسیرهایی در کتاب فراوان به چشم می‌خورد، تا جایی که می‌توان گفت تمام کتاب فرامتنی از

جریان‌های سال‌های انقلاب است؛ برای مثال، نویسنده با کنار هم‌قراردادن حوادث، ارتباطی میان این اتفاق‌ها کشف می‌کند، که یکی از آن‌ها به این شرح است:

شریف امامی با آتش‌سوزی سینما رکس آبادان نخست‌وزیر شد و با آتش‌سوزی تهران سقوط کرد؛ یعنی با آتش‌سوزی‌های تهران. چون دو روز است که تهران در آتش است: ۱۳ و ۱۴ آبان. بیش‌تر بانک‌ها و سینماها و رستوران‌ها هدف آتش‌افروزان است. فیلم خبری حملهٔ سربازها به دانشگاه که از تلویزیون پخش شد - قبل از شروع آتش‌سوزی‌ها - همه را یاغی و طاغی کرده است (امیرشاهی، ۱۹۸۷: ۲۱).

برای شناخت یک متن سیاسی باید به‌طور دقیق و با تکیه بر بستر اجتماعی - تاریخی، که متن در آن متولد شده است، و هم‌چنین با کمک کلمات و معانی مندرج در متن، به بررسی آن پرداخت (سلیمی، ۱۳۸۹: ۷۲). امیرشاهی با توجه به سرگذشتی که سال‌های پیش از انقلاب از هیاهوی دوران اعتراض به حاکمیت گذرانده است، تاریخی را در خود حمل می‌کند که در اثر او تجلی یافته است؛ از این‌رو، کلمات را به‌گونه‌ی کنار هم می‌نشانند که خود نشان‌گر نگاهی تفسیری به ماجراست. امیرشاهی در کتاب «در سفر» نیز، به بیان عقاید خود دربارهٔ برخی از فرقه‌ها و گروه‌های ضدانقلابی و حتا انقلابیون می‌پردازد و گاه آن را چنین تفسیر می‌کند:

من از ملکی آمده‌ام که «محافظه‌کارانش»، «ملیونش»، «سنت‌گرایانش»، «نمادهای قدرتش» و «مخالفین رژیمش» همه مایلند چپ‌نمایی کنند. طرف‌داران شاه به سبک آن مرحوم بعد از انقلاب و در غربت با رشوه‌های لفظی و پولی در پی جلب چپی‌ها بودند، شاگردان مکتب مصدق تاب آن را نداشتند که بشنوند خود آن بزرگ‌مرد محافظه‌کاری تمام‌عیار بود و حتا مرتجعین مذهبی روال کار و پایهٔ استدلال‌شان را بر ایدئولوژی‌های کمونیستی می‌گذاشتند (امیرشاهی، ۱۹۹۵: ۳۵).

ژولیا کریستوا نویسنده‌گان تجربی و اساساً زنان را از جملهٔ دگراندیشان می‌داند که وجه اشتراک آن‌ها گرایش به حاشیه‌ی‌شدن و نامحدودشدن است؛ از این‌رو، عصر کنونی ما عصر تبعید است؛ چرا که همه از مرکزیت معنا فاصله گرفته‌ایم (یزدانجو، ۱۳۸۱: ۳۱۴). این دگراندیشی در عصر تبعید، جهش به سمت فرآیندی است که تفکرات انتقادی را گسترش می‌دهد. متن ذکر شده، نمونه‌ی از متون انتقادی و هجو ایدئولوژی‌های دیگر است. گرچه «ایدئولوژی تعلق‌های افراد به سطوح مختلف را در جامعه تعیین می‌کند و بدین‌سان عاملی برای انسجام گروه‌ها می‌باشد» (مور، ۱۳۷۸: ۱۶۵)؛ اما بسیاری از مناسبات را در میان مردم از بین می‌برد و تفکر برتر را حاکم بر خرد فردی و جمعی می‌کند؛ از این‌رو، نویسنده با مدّ نظر قراردادن این تفکر به تبیین اندیشه‌هایش دربارهٔ مردمی می‌پردازد که پس از انقلاب رویه‌های فکری‌شان هرکدام به سمت‌وسویی در جریان بود.

#### ۴. پیرامنتیت

علاوه بر روابط میان‌متنی آثار، ژنت تأثیر پیرامتن‌ها را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد. او به یک متن واحد باور دارد که از طریق متون دیگر که پیرامون آن قرار گرفته‌اند، با جهان بیرون و ذهن مخاطب ارتباط برقرار می‌کند (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۹۰). این پیرامتن‌ها در آستانه یک متن قرار گرفته، دریافت یک متن را از سوی خواننده‌گان جهت‌دهی و کنترل می‌کند، و خود شامل یک درون‌متن است که عناصری چون پیشکش‌نامه‌ها، سرنویس‌ها، سرلوحه‌ها و مقدمه‌ها، عناوین، درآمدها و پی‌نوشت‌ها و یک برون‌متن که عناصر بیرون از متن مورد نظر هم‌چون مصاحبه‌ها، آگهی‌های تبلیغاتی، نقد و نظرهای منتقدان و جوابیه‌های خطاب به آنان، نامه‌های خصوصی و دیگر موضوعات مربوط به مؤلف یا مدون‌کننده اثر را در بر می‌گیرد (آلن، ۱۳۹۲: ۱۵۰). چنین مؤلفه‌هایی نقش مؤثری در برخورد، استقبال و داوری مخاطب نسبت به اثر دارند و می‌توانند پیش از آن‌که خواننده به سراغ متن مورد نظر برود، اهمیت برخی ایده‌ها را برجسته کنند (همان: ۱۵۳). برای آگاهی بیش‌تر، عناصر پیرامنتی دو رمان را در دو مبحث درونی و بیرونی بررسی می‌کنیم.

#### ۴-۱. پیرامتن‌های درونی

این پیرامتن‌ها به سه دسته ناشری، مؤلفی و شخص دیگر تقسیم می‌شوند (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۹۱) که میان مؤلفان انواع این پیرامتن‌ها تمایز ایجاد می‌کند.

**ناشری؛** کتاب «در حضر» در خارج از ایران در سال ۱۹۸۷ در انتشارات Ketab Corporation به چاپ رسیده است. این انتشارات نخستین کتاب‌فروشی ایرانی است که در سال ۱۹۸۱ در امریکا به‌وسیله بیژن خلیلی تأسیس شد. در چاپ دوم کتاب، تصاویری از تظاهرات روزهای انقلاب دیده می‌شود که در آن تعدادی پلاکارد با تصاویر آیت‌الله خمینی در دست‌عده‌یی به نمایش گذاشته شده است. سمت چپ، ردّ خون روی این تصویر مشاهده می‌شود. کتاب «در سفر» نیز، در همان انتشارات در سال ۱۹۹۵ به چاپ رسیده است. در چاپ دوم این کتاب نیز، تصویر منتشرشده در چاپ دوم کتاب «در حضر» به‌صورت سیاه‌وسفید منتشر شده است.

**مؤلفی؛** مؤلف اثر می‌تواند در مقدمه، پیش‌گفتار، پیشکش‌نامه، عنوان و پی‌نوشت‌ها با انتخاب‌های خود، دریچه‌های جدیدی برای خوانش اثر ایجاد کند (همان: ۹۱). در حقیقت مفهوم برگرفته اسامی «در حضر» و «در سفر»، حاوی یک نوع استعاره مفهومی است که از پیرامتن عنوان به متن اصلی وارد شده و مصداق آن در مجموعه داستان دیده می‌شود. «در حضر» روایت سال‌های حضور راوی در ایران و انتظاربودن در وطنی همیشه‌گی است. عنوان کتاب «در سفر» نیز، نشان از عدم پذیرش این سرزمین بیگانه به‌عنوان وطن و مأوای خود است.



پیش‌گفتار کتاب «در حضر»، متعلق به خود نویسنده است، که در ابتدای آن سخنی از شکسپیر از کتاب ریچارد دوم نقل می‌کند: «من این‌جا بیگانه‌ام، این فرازهای بلند سرکش و نشیب‌های خشن و ناهموار، سنگی را فرسنگی می‌نماید و پا را از رفتن باز می‌دارد» (امیرشاهی، ۱۹۸۷: ۱). این عبارت در خود، گویای ناکامی از حضور و درک نویسنده در برهوتی است که در آن دست و پا می‌زند. پیش‌گفتار کتاب «در سفر» نیز، با شعری آغاز می‌شود که سراینده آن (محمدرضا شفیعی کدکنی) ذکر نشده است: «ای کاش... / ای کاش آدمی وطنش را / هم‌چون بنفشه‌ها / (در جعبه‌های خاک) / یک روز می‌توانست / همراه خویشتن ببرد هر کجا که خواست / در روشنای باران، در آفتاب پاک» (همو، ۱۹۹۵: ۳). او این شعر را سرآغازی قرار می‌دهد تا باب گله و شکایت را از دل تنگی و دوری از وطن باز کند. پی‌گفتار کتاب «در سفر» نیز، شکوه‌نامه‌یی از دوران تبعید او در کشوری است که کشور او نیست:

من در تبعیدگاه آفتابم، در انزوای اطلاق دل گرفته‌ام که پنجره‌اش بر هیچ شاخه درختی سبز،  
یا گوشه آسمانی آبی باز نمی‌شود، به صدای بلند با خودم حرف می‌زنم، فقط به این منظور که  
پژواک کلمات فارسی را دوباره بشنوم (همان: ۱۶۵).

در سرآغاز و پایان هیچ یک از آثار «در حضر» و «در سفر»، شخص دیگری غیر از نویسنده مطلبی را جهت توضیح و توصیف اثر نیفزوده و کتاب تنها با صدای نویسنده، که خود راوی متن است، شنیده می‌شود.

#### ۴-۲. پیرامتن‌های بیرونی

برون‌متن‌ها به صورت ناپیوسته و غیرمستقیم با متن در ارتباط‌اند. پیرامتن‌های بیرونی امکان نقد یا تبلیغ متن را فراهم می‌کنند (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۹۲). پیرامتن‌های درونی که در رمان‌های «در حضر» و «در سفر» دیده می‌شوند، نسبت به پیرامتن‌های بیرونی آن از تنوع کم‌تری برخوردارند. غالب پیرامتن‌های بیرونی «در حضر» و «در سفر»، مصاحبه‌های نویسنده با دیگران است؛ برای مثال در سال ۲۰۱۱، مریم عرفان مستندی به نام تجربه نوشتن درباره زنده‌گانی ادبی و آثار مهشید امیرشاهی برای تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی تهیه کرده، که در آن از انگیزه‌ها و روی کردهای خود در نوشتن از روزهای انقلاب می‌گوید. از آن‌جا که نویسنده آثار خود را در خارج از کشور به چاپ رسانده، بسیاری از مصاحبه‌ها و نقدها درباره ایشان نیز در خارج از ایران به چاپ رسیده است. یکی از این آثار، کتاب هزار بیشه است. در هزار بیشه مجموعه‌یی از مقالات، سخن‌رانی‌ها، نقدها و مصاحبه‌های مهشید امیرشاهی به‌وسیله رامین کامران گردآوری شده و در سال ۲۰۰۰ در نشر باران به چاپ رسیده است.

برای مثال، فرشته کوثر در مقاله هنر و تیغ؛ قلم در دست مهشید/امیرشاهی درباره «در سفر» می‌نویسد:

آغاز کتاب با «تاجی» است. «تاجی» تاجی احمدی است. همان تاجی احمدی که مسافران دیار غریب از روزهای رادیو ایران به خاطرش دارند- تاجی احمدی با صدای گرمش، داستان‌سرایی‌های شیرینش و شوخی‌هاش. اما آغاز کتاب با حیات وی نیست که با مرگ اوست. امیرشاهی با همین سرآغاز احاطه خود را بر فن نویسنده‌گی آشکار می‌کند. تاجی و معصومیت او، که هم‌چون گذشته رایحیه‌یی روح‌افزا دارند، اگرچه هر از گاه از بُن خاطرات به مشام می‌رسند، قابل لمس نیستند و دست‌نیافتنی می‌نمایند. [...] این داستان تکه‌تکه کامل ناشدنی همان داستان غم هجر «دیار» آشناست- دیاری که از همان زمان آغاز «در حضر» برای [راوی] غریب گشته بود (کوثر، ۱۳۷۵: ۶۷۵).

## ۵. زبرمنتیت

این رابطه بر اساس برگرفتی و تأثیر یک متن در متن دیگر بنا شده است نه حضور آن. در حقیقت، در این رابطه که «تلفیق متن با متن قبلی یا بعدی است» (نجومیان، ۱۳۸۸: ۲۶۰)، متن جدید بدون متن پیشین خود کامل خواهد بود؛ چرا که این رابطه از نوع برگرفته‌گی است و مخاطب با این دانش سراغ متن جدید می‌رود که متن پیشین را خوب شناخته و آن را درک کرده است. این برگرفته‌گی در دو گروه همان‌گونه‌گی و تراگونه‌گی قابل بررسی‌اند.

### ۵-۱. همان‌گونه‌گی

در همان‌گونه‌گی یا تقلید، نیت مؤلف حفظ زیرمتن نخست در وضعیت جدید است. کتاب «در حضر» روایت آینه‌وار روزگار سپری‌شده‌یی است که نه‌تنها نویسنده، بل که هر ایرانی‌یی آن را درک کرده یا از طریق رسانه‌ها با آن در ارتباط بوده است؛ طوری که می‌توان گفت: تماماً زبرمنتی برای پیش‌متن تاریخ معاصر و جامعه دهه پنجاه و شصت ایران است. به این ترتیب، این کتاب، تقلیدی از واقعیت است، نه خود واقعیت؛ چرا که برخی از بخش‌های کتاب، صرفاً مطابق نظر نویسنده و بر اساس جبهه‌گیری‌های حزبی و معرفتی او مورد داوری قرار گرفته است. کار مؤلف این اثر تنها گزینش واژه‌ها و عبارات از میان همه‌آن روزها نبوده؛ بل که او در انتخاب پی‌رنگ، ژانر، خصوصیات شخصیت‌هایی که وارد داستان می‌کند، تصویرپردازی‌ها و حتا عبارات و جملات هم به برخی از پیش‌متن‌های خود نظر دارد. این کتاب با فاجعه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ آغاز می‌شود و به ترتیب تظاهرات، عکس‌العمل نیروهای دولتی، قیام‌ها و اخباری از روزهای انقلاب را گزارش می‌کند. کتاب «در سفر» نیز، بافته‌یی از نقل قول‌های برگرفته از مراکز بی‌شمار فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است.

در این اثر، نوشته‌ها در هم می‌آمیزد و برخی از فعالیت‌های گروه‌های مختلف به تصویر کشیده می‌شود. نویسنده این کار را به نحوی انجام می‌دهد که کتابش بر مبنای هیچ کدام از این‌ها استوار نباشد؛ اما همه را در بر بگیرد. در حقیقت آثار نویسنده‌گانی که او در پی گفتار خود از آن‌ها یاد می‌کند، مرجع اصلی تأثیر و تأثر در شکل‌گیری کتاب «در سفر» است. روایت کسانی چون دانته، ژوزف کنراد، ولادیمیر ناباکوف، هاینریش هاینه، گفته‌ی پاسترناک، افسانه‌های شکسپیر، عدم تمایل حافظ به سفر، شوق سعدی به بازگشت و ناصر خسرو در یمگان گویای سرنوشت کسانی است که بخشی از سال‌های عمر خود را در سفرهای طولانی یا دور از خان‌ومان خود در تبعید سپری کرده‌اند؛ از این رو، چنین می‌نویسد:

به رغم ثبات و یگانه‌گی مشکل می‌توان این راه و چاه بارها پیموده را به دیگران نمود. جیمز جویس می‌خواهد که سیلان ذهن را مسیلی بخشد، مارسل پروست می‌باید تا پی روزگار رفته را در مسیری بگیرد. خاطرات مرا هم به چالش می‌خواند تا طغیانش را در بستری روان سازم؛ اما چشم من نگران شتک‌هایی است که به بی‌راهه و کوره راه می‌انجامد (امیرشاهی، ۱۹۹۵: ۱۴۱).

## ۵-۲. تراگونه‌گی

در این بخش، زبرمتن با تغییر و دگرگونی زیرمتن ایجاد می‌شود؛ یعنی همان نکته در قالب و چهارچوب خاص خود و در پوشش دیگری از واژه‌گان با همان معنا و مفهوم تبدیل به اثری جدید می‌شود. این تغییرات می‌تواند در حوزه سبک، محتوا و حجم اثر اتفاق بیفتد. اهتمام نویسنده به کتاب ریچارد دوم، بیان‌گر این است که این اثر تأثیر به‌سزایی در خلق کتاب‌های «در حضر» و «در سفر» داشته است و تأکید نویسنده در جای‌جای هر دو کتاب، بیان‌گر این امر است. شکسپیر با استفاده از شخصیت شاه ریچارد، چه‌گونه‌گی گردش قدرت را در جامعه نشان می‌دهد. «در این اثر شکسپیر می‌کوشد تا مسیر ناروشن انسان سقوط کرده و انسان هویت از کف داده را با نگاهی به روزگار خود و ساختار اجتماعی قرن شانزدهم، ترسیم کند» (خزاعی، ۱۳۶۷: ۷). قصد نویسنده از اهتمام به شکسپیر، همین نقطه عطف تاریخی است که در آن حضور دارد. در واقع او خود را هم‌چون شکسپیر دوران می‌بیند که باید برای نجات اندیشه‌های به خواب رفته بنویسد؛ علاوه‌براین، حضور اندیشه‌های جورج اورول در کتاب ۱۹۸۴ نیز در تفکر کتاب و خلق این آثار، تأثیر به‌سزایی داشته است. رمان ۱۹۸۴ را جورج اورول در سال ۱۹۴۹ نوشت؛ زمانی که جنگ دوم جهانی به تازه‌گی به اتمام رسیده بود و جهان خطر تسلیم‌شدن در مقابل حکومتی ظالم و دیکتاتوری را به خوبی فهمیده بود؛ بنابراین، داستان این اثر را می‌توان تا حدود زیادی به شرایط حاکم بر تمام جوامع تحت سلطه حکومت‌های استبدادی تعمیم داد.

مضمون اصلی رمان «در حضر» یعنی همان ایجاد آگاهی جمعی\_ با تأسی از آثار شکسپیر و رمان ۱۹۸۴ اورول نوشته شده و پیش‌متن انقلاب و روزشمار وقایع آن روزها را با توجه به جهت‌گیری عقیده‌وی نویسنده در یک پرداخت جدید ارائه شده است؛ اما کلیت داستان همان جریان را روایت می‌کند و تغییر چندانی در آن صورت نگرفته است؛ به طور مثال یکی از جنبه‌های تراگونه‌گی متن «در حضر»، طنز و گاه تحقیر و تمسخر حوادثی است که به صورت گسترده از طریق رسانه‌های جمعی منعکس می‌شد.

ازهارى از آغاز نخست‌وزیریش حضور نداشته است، حالا مدتی است حتا صدا هم ندارد. آخرین حرفی که زده است، درباره‌ی الله اکبرگویان است که هنوز با طنز و مسخره ورد زبان‌هاست: «من و دخترم با دوربین‌های ارتشی مادون قرمز که تا دوردستو می‌بینه نگاه کردیم، هیچ کس نبود.» مردم می‌خندند و تکرار می‌کنند هه! هه! هه! هیچ کس نبود! چون خودت نبود! به پاگونت قسم نوار بود (امیرشاهی، ۱۹۸۷: ۶۲)!

در رمان «در سفر» نیز، تأثیر دانش نویسنده که حاصل کندوکاو در تاریخ بی‌پایان زنده‌گی است، به خوبی نمایان است. گاه ابراز عقیده‌یی کوتاه، تلنگری درباره‌ی سوگیری نویسنده نسبت به واقعیت است و گاه نیز روایتی از کنار هم قرارگرفتن حوادثی است که نشان از حضور یک نیروی قوی‌تر در اثر دارد و متن را هدایت می‌کند.

### گفت‌وگوی پژوهش

در این پژوهش، روابط متنوع میان متن ادبی با سایر متون و جهان پیرامون متن از مجرای پنج مؤلفه‌ی بینامتنیت، فرامتنیت، سرمتنیت، پیرامتنیت و زبرمتنیت بررسی شد؛ فرآیندی که با پرداختن به جوانب و ابعاد گوناگون متن، آن را بدل به عنصری پویا در هستی می‌سازد؛ به عبارت دیگر، مجموعه‌ی این روابط، دعوت به خوانشی دوگانه دارند.

از میان مؤلفه‌های ترامتنیت، مهم‌ترین مؤلفه‌یی که در خوانش آثار در حضر و در سفر به ما کمک کرد، روابط بینامتنی و زبرمتنی آن‌هاست که رابطه‌ی میان دو متن ادبی را با متون دیگر نشان می‌دهد. سایر اقسام ترامتنیت چون سرمتنیت، فرامتنیت و پیرامتنیت به بیان رابطه‌ی میان یک متن و سایر شبه‌متن‌های مرتبط با آن توجه دارد. در همه‌ی این روابط، ادبیات موجودیتی غیر مستقل و نیز غیر اصیل از آن‌چه پیش از خود نوشته شده یا وجود داشته، به نمایش می‌گذارد؛ هم‌چنان‌که برای شناخت عناصر بینامتنی رمان‌های «در حضر» و «در سفر»، باید اطلاعات بسیاری درباره‌ی نویسنده و موارد جنبی متن داشته باشیم؛ اما در پایان با تعمق در همین سلسله روابط است که در می‌یابیم ادبیات بر ساخت و برآیندی از فرآیند معنا در هستی است؛ برساختی که همه‌ی معنای خود را از جهان پیرامونش خلق می‌کند. امیرشاهی نیز با خلق این دو اثر، از دنیای متن‌ها عبور می‌کند و این‌گذر

پرسه‌وار به وضوح در آن‌ها مشاهده می‌شود؛ از این رو، شبکه ترامنتی آثار درحضر و در سفر مهشید امیرشاهی در پی کار با رویدادهای زمان و با هدف تحقق روایتی یک‌دست از تراژیدی و کمدی در جریان است؛ روایتی که فارغ از پراکنده‌گی و تخیلی‌بودن گاه و بی‌گاه آن، با یک اعتراض آغاز و با یک تبعید به پایان می‌رسد.

### نتیجه‌گیری

ادبیات، یکی از شیوه‌های دلالتی فرهنگی است که با کمک مطالعات فرهنگی درباره‌ی نقش نیروهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در آثار، می‌توان به بررسی پدیده‌هایی در آن پرداخت که با این امور در ارتباط‌اند. بررسی ترامنتی رمان‌های «درحضر» و «در سفر» با تکیه بر تولید، دریافت و معنای فرهنگی همه‌ی انواع نهادها، شیوه‌ها و دست‌آوردها، نشان می‌دهد که روابط ترامنتی عنصری اساسی برای فهم ادبیات و هر متن دیگری است؛ به عبارت دیگر، همه‌ی متون، برداشت مستقیم یا غیر مستقیم از فرهنگ و ادبیات هر ملت و بازتابی از همه‌ی آن‌ها به شمار می‌آید؛ هم‌چنین بن‌مایه‌های مشترک متن کتاب با متون اجتماعی - سیاسی دوران، ابعاد این آثار را به سوی نقد بینامنتی می‌کشاند؛ شبکه‌یی که در آن علاوه بر جلب توجه خواننده به روایت هر اثر، به بیرون‌کشیدن لایه‌های معنایی و شکستن زبان آن تأکید می‌شود. امیرشاهی با الهام‌گرفتن از شرایط تاریخی و سیاسی و با پرداخت داستانی این رویدادها، تغییرات لحن، سبک و فضای انتقال این مطالب، ساختاری را خلق کرده است، که وجه ادبی آن به تدریج با تکیه بر تعامل مکرر با متون دیگر آشکار شده و به هجو سیاست و تاریخ می‌پردازد؛ بنابراین، جریان‌های برون‌متنی اثر، ابزاری قدرت‌مند و مسیری هم‌وار برای خوانش، درک و دریافت جدید و عمیق‌تری نسبت به متن به‌شمار می‌رود.

### سرچشمه‌ها

۱. آربلاستر، آنتونی. (۱۳۷۷). **لیبرالیسم غرب، ظهور و سقوط**. تهران: مرکز.
۲. آن، گراهام. (۱۳۹۲). **بینامنتیت**. ترجمه‌ی پیام یزدانجو. چ چهارم. تهران: مرکز.
۳. احمدی، بابک. (۱۳۹۳). **ساختار و تأویل متن**. چ شانزدهم. تهران: مرکز.
۴. امیرشاهی، مهشید. (۱۹۸۷). **درحضر**. بازیابی شده از: <http://yasbooks.com/News/m/380>
۵. \_\_\_\_\_ (۱۹۹۵). **در سفر**. بازیابی شده از: <http://yasbooks.com/News/m/380>
۶. اورول، جورج. (۱۳۹۴). **۱۹۸۴**. ترجمه‌ی حمیدرضا بلوچ. تهران: گهید.

۷. پورحسن، قاسم. (۱۳۸۴). **هرمونوتیک تطبیقی: بررسی همانندی‌های فلسفه تأویل در اسلام و غرب**. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۸. تسلیمی، علی. (۱۳۸۸). **گزاره‌هایی در ادبیات معاصر ایران (داستان)**. چ دوم. تهران: آمه.
۹. رابرتس، جیمز. (۱۳۷۳). «**بکت و تناثر معنا باخته‌گی**»، ترجمه حسین پاینده. فصل نامه هنر، ش ۲۶، صص ۲۹۹ - ۳۰۸. قابل دریافت از:
- <[www.noormags.ir/view/fa/articlepage/162888](http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/162888) بکت-و-تیاثر-معنا-باخته‌گی
۱۰. سلیمی، حسین. (۱۳۸۹). **هرمونوتیک و شناخت روابط جهانی**. تهران: رخداد نو.
۱۱. شکسپیر، ویلیام. (۱۳۶۷). **تراژدی ریچارد دوم**. ترجمه احمد خزاعی. تهران: فرهنگ خانه اسفار.
۱۲. عرفان، مریم (کارگردان). (۲۰۱۱). «**تجربه نوشتن؛ گفت و گو با مهشید امیرشاهی**». بازبینی شده در شبکه اینترنتی یوتیوب: <https://you.be/7htGu2aVPRY>
۱۳. کوثر، فرشته. (۱۳۸۷). «**هنر و تیغ؛ قلم در دست مهشید امیرشاهی**». فصل نامه ایران‌نامه: سال ۱۴، ش ۵۶، صص ۶۷۳-۶۸۲. قابل دریافت از:
- <[www.noormags.ir/view/fa/articlepage/353882](http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/353882) هنر-و-تیغ-قلم-در-دست-مهشید-امیرشاهی
۱۴. مور، هنریتا. (۱۳۷۸). «**پل ریکور: کنش، معنا و متن**». ترجمه نسیم مجیدی قهرودی. نامه فرهنگ، ش ۳۴، صص ۱۶۱-۱۶۵. قابل دریافت از:
- <[www.noormags.ir/view/fa/articlepage/585414](http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/585414) پل-ریکور-کنش-معنا-و-متن
۱۵. نامور مطلق، بهمن. (۱۳۸۶). «**ترامنتیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها**». پژوهش‌نامه علوم انسانی: دانش‌گاه شهید بهشتی. تهران. ش ۵۶، صص ۸۳-۹۸. قابل دریافت از:
- <[www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=80435](http://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=80435)>
۱۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). «**ارتباط متن‌ها بر اساس هم‌حضور: بینامتنیت نزد ژرار ژنت**». مجموعه مقالات دومین و سومین هم‌اندیشی هنر تطبیقی. به کوشش منیژه کنگرانی. تهران: متن.
۱۷. نجمیان، امیرعلی. (۱۳۸۸). «**ترامنتیت و نشانه‌شناسی عنوان‌بندی آغازین فیلم**». مجموعه مقالات چهارمین هم‌اندیشی هنر به انضمام مقالات هم‌اندیشی سینما. به کوشش منیژه کنگرانی. تهران: متن.
۱۸. یزدانجو، پیام. (۱۳۸۱). **ادبیات پسامدرن**. تهران: مرکز.

## آسیب‌شناسی بحران آلوده‌گی صوتی

(مطالعه موردی: شهر هرات، بین سال‌های ۱۳۹۷ - ۱۴۰۰)

### نکارنده‌گان: علی‌الله آزاد\*

نازیه محمدیار\*\*، مؤده آزاده\*\*\*، مرضیه محمدیار\*\*\*\* و پروین آزاده\*\*\*\*\*

### چکیده

آلوده‌گی صوتی، مسأله‌ی است که اینک در شهر هرات، تبدیل به یک بحران عمومی شده است؛ بنابراین، برحسب ضرورت، در این تحقیق تلاش گردیده تا ضمن شناسایی علل تعیین‌کننده دخیل در این موضوع، و آسیب‌ها و پیامدهای ناشی از آن، راه‌کارهای مناسب برای مدیریت و مهار آن، ترسیم گردد. بدین لحاظ، تحقیق بر مبنای پارادایم فازی به‌عنوان چهارچوب تحلیلی، و رویکرد آینده‌نگاری به لحاظ روش‌شناسی، استوار گردیده است. اشتراک‌کننده‌گان تحقیق شهروندان شهر هرات بوده و براساس نمونه‌گیری احتمالی تصادفی ساده، جمعیت نمونه‌ی که حاصل فرمول کوکران ۴۰۰ تن بوده، با استفاده از پرسش‌نامه فازی تحت مطالعه قرار گرفته‌اند. اطلاعات به‌دست‌آمده نیز به شیوه نرم‌افزاری به سبک تطبیقی مورد تحلیل قرار گرفته، که نتایج آن حاکی از آن است که در نخست، بحران آلوده‌گی صوتی تحت شرایط عمل‌کردی متغیرهای ترکیبی خاصی شکل گرفته است، که به ترتیب درجه اهمیت عبارتند از: «ترافیک شهری، اسپیکرهای هتل‌ها و رستوران‌ها، هارن‌های نامناسب و وسایط نقلیه، بلندگوهای فروشنده‌گان سیار و دست‌فروشان»، «ترافیک شهری، صدای انفجارات و شلیک‌ها، فعالیت کارخانه‌ها»، «ترافیک شهری، صدای انفجارات و شلیک‌ها، فعالیت کارخانه‌ها»؛ دوم، آسیب‌ها و پیامدهای ناشی از این بحران باعث تشدید در روند افزایشی امراض گوناگون گردیده، که باتوجه به نوعیت هر کدام، جبران آن‌ها ممکن است بسیار دشوار و در بعضی موارد عملاً غیرممکن خواهد بود؛ نهایتاً نیز، بر اساس نتایج حاصل شده، راه‌کارهای پیش‌نهادی لازم تنظیم و به مسؤولان و شهروندان توصیه گردیده است.

### واژه‌گان کلیدی: آسیب‌شناسی، بحران آلوده‌گی صوتی و شهر هرات.

\* عضو هیئت‌علمی پوهنځی / دانش‌کده علوم اجتماعی پوهنتون / دانشگاه هرات (aliullahazad502@gmail.com)

\*\* پژوهش‌گر و تحلیل‌گر اجتماعی

\*\*\* پژوهش‌گر و تحلیل‌گر اجتماعی

\*\*\*\* پژوهش‌گر و تحلیل‌گر اجتماعی

\*\*\*\*\*

پژوهش‌گر و تحلیل‌گر اجتماعی

Ghalib

ISSN

P: 2788-4155

E: 2788-6441

Received: 24 / 04 / 2022

Accepted: 20 / 07 / 2022

**Pathology of Noise Pollution Crisis****Case study:** Herat City in 1397-1400**Authors:** Aliullah Azad\*Nazia Mohammadyar\*\*, Mozhda Azada\*\*\*, Marzia Mohammadyar\*\*\*\*, &  
Parwin Azada\*\*\*\*\*.**Abstract**

Noise pollution is now a public crisis in the Herat City. Use as Necessary In research research, attempts have been made to identify appropriate solutions, even on the subject, harm and its consequences. In this regard, the research is based on the fuzzy paradigm as an analytical framework, and the futuristic approach in terms of methodology. The participants of the study were citizens of Herat city and based on a simple simple random sampling, the sample population resulting from Cochran's formula was studied using a fuzzy questionnaire. The obtained information was analyzed in a comparative style software, the results of which indicate that, firstly, the noise pollution crisis was formed under the operating conditions of certain combined variables, which are in order of importance: "Urban traffic, hotel speakers and restaurants, inappropriate vehicle horns, loudspeakers for mobile vendors and vendors "," Urban traffic, the sound of explosions and shots, factory activity "," Urban traffic, the sound of explosions and shots, factory activity"; Secondly, the damage and consequences of this crisis have exacerbated the growing trend of various diseases, which depending on the nature of each, may be very difficult and sometimes practically impossible to compensate for; Finally, based on the results, the necessary proposed solutions have been developed and recommended to officials and citizens.

**Keywords:** Pathology, Noise pollution crisis, Herat city.

\* Academic Cadre of Herat University (aliullahazad502@gmail.com)

\*\* Researcher and social analyst

\*\*\* Researcher and social analyst

\*\*\*\* Researcher and social analyst

\*\*\*\*\* Researcher and social analyst



## مقدمه

آلوده‌گی صوتی، یکی از انواع آلوده‌گی‌های زیست‌محیطی است، که سلامت و بقای موجودات زنده را تهدید می‌کند. میزان عوارض جسمی و روحی این نوع آلوده‌گی بر انسان، به‌ویژه در محیط شهری، به اندازه‌ی است که برای آن، استانداردهای فنی و بین‌المللی تعیین شده است و دولت‌ها و متولیان شهری اصولاً به رعایت آن‌ها ملزم هستند. این مسأله، در افغانستان به‌ویژه در شهرهای بزرگ من جمله هرات، در آستانه تبدیل شدن به یک بحران تمام عیار می‌باشد؛ که علی‌رغم توجه نسبی دولت و تسوید مقررۀ مربوط به کاهش و جلوگیری از آلوده‌گی صوتی، در سه سال پسین با تحرک متغیرهای گوناگون، سیر صعودی شتابان را در پیش داشته است.

با رشد بی‌رویه جمعیت شهری توأم با توسعه صنعتی و تکنالوژی، آلوده‌گی صوتی در کنار برخی مسائل و مشکلات مهم دیگر، در صدر مسائلی قرار گرفته که توجه آنی و جدی را می‌طلبد. بحران آلوده‌گی صوتی، چه به لحاظ اثرات و پیامدهای درک‌شده نظری و تجربی قبلی، و چه به لحاظ اثرات و پیامدهای واقعی‌یی که در جامعه هدف تحقیق بر جای گذاشته، که بسیار فراوان و گاهی غیرقابل جبران هستند، قطعاً الزام به انجام تحقیقات تجربی مستقیم و نظام‌مند را به جامعه علمی و سیاست‌گذاری کشور یادآوری می‌کند، که تا دیر نشده برای مهار و کنترل این بحران دست به کار شوند؛ تا مبادا نادیده‌گرفتن آن در بلندمدت منجر به هزینه‌های سنگین و طاقت‌فرسا در تمامی حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، رفاهی، بهداشتی، درمانی و ... گردد.

جزئیات و نتایج برخی از مهم‌ترین تحقیقات انجام‌شده قبلی و گزارشات معتبری که در رابطه به آلوده‌گی صوتی منتشر شده است قرار زیر است:

تحقیقی تحت عنوان «اثرات آلوده‌گی صوتی بر انسان و محیط زیست»، توسط حمامی‌زاده و امید کلته، در شهر تهران به انجام رسیده، که در سال ۱۳۹۵ در نخستین همایش ملی توسعه سلامت، ایمنی و محیط زیست در حوزه اماکن تفریحی، ورزشی، مذهبی و فرهنگی شهر با روی‌کرد حفاظت از شهروند و شهر توسط سازمان حفاظت از محیط زیست ایران به نشر رسیده است. در این تحقیق، محققان به این نتیجه رسیده‌اند که، اثرات سروصدا بر انسان به‌صورت شنیداری و غیرشنیداری قابل درک است. در بخش شنیداری منجر به از دست‌رفتن قوه شنوایی شده و در بخش اثرات جانبی، بسیار گسترده و گوناگون می‌باشد (حمامی‌زاده و کلته، ۱۳۹۵: ۲).

تحقیق دیگری تحت عنوان «اثرات مزمن صدای محل کار بر فشار خون و ضربان قلب»، توسط یک تیم پژوهشی به رهبری لوسک اس ال و هم‌کاران در سال ۲۰۰۲ در امریکا انجام شده و در نشریه آنلاین بین‌المللی آرشيو بهداشت محیط به نشر رسیده است؛ نتایج آن حاکی از آن است که،

هرگاه انسان به صورت مداوم در معرض سروصدا قرار گیرد، باعث از دست رفتن قدرت شنوایی وی می‌شود. از دست دادن قدرت شنوایی، به صورت تدریجی اتفاق می‌افتد و فاقد درد است؛ اما باید گفت که اثرهای آن دایمی و غیر قابل برگشت است؛ زیرا سلول‌های موایی حلزون گوش، قابلیت بازسازی مجدد را ندارد. کری و کاهش قدرت شنوایی بر خلاف تصور عمومی، به علت افزایش سن و پیری نیست؛ بل که فرارگیری در معرض آلوده‌گی صوتی، علت اصلی آن است؛ همین‌طور، چنان‌چه فردی به طور داوم‌دار طی هشت ساعت در معرض سروصدای بالای ۷۰ دسیبل قرار گیرد، فشار خون وی تا ۱۰ میلی‌متر جیوه با سمبول «ام ام اچ جی» که واحد اندازه‌گیری فشار است، افزایش می‌یابد (Lusk SL, 2002: 600-602).

تحقیق دیگری تحت عنوان «مواجهه شغلی با سروصدا و بار ناشی از مشکلات شنوایی در بریتانیای کبیر»، توسط یک تیم پژوهشی به رهبری پالمز کی تی و هم‌کاران در سال ۲۰۰۲ در بریتانیا انجام شده و در نشریه بین‌المللی طب محیطی کار به نشر رسیده است؛ نتایج آن حاکی از آن است که، آسیب بارداری از اثرات بسیار مهم آلوده‌گی صوتی می‌باشد، که باعث تولد نوزادان زودرس، کم‌وزن و دارای نقص عضو می‌شود؛ زنان باردار نباید ۱۵ تا ۶۰ روز پس از القای بارداری در معرض سروصدا قرار گیرند؛ به دلیل آن که در این مرحله زمانی، ارگان‌های اصلی داخلی و سیستم اعصاب مرکزی جنین در حال شکل‌گیری می‌باشد و به انقباض عروق مادر و اکسیجن و مواد غذایی کم‌تری به جنین می‌رسد؛ هم‌چنین سروصدای زیاد باعث کاهش برخی هورمون‌های مادر، که به رشد جنین تأثیرگذار است، می‌شود (Palmer KT, 2002: 634-639).

در گزارشی در رابطه به «پیش‌بینی میزان مشکلات احتمالی ناشنوایی جهانی»، توسط سازمان بهداشت جهانی در ماه مارچ سال ۲۰۲۱، که در سایت رسمی این سازمان به نشر رسیده است، این سازمان پیش‌بینی می‌کند که نزدیک به ۲٫۵ میلیارد نفر در جهان یا از هر ۴ نفر ۱ نفر تا سال ۲۰۵۰ با مشکل کاهش شنوایی ناشی از آلوده‌گی صوتی مواجه خواهند بود؛ و عملاً حداقل ۷۰۰ میلیون نفر به رسیده‌گی عاجل در این رابطه نیاز دارند (-) <https://www.who.int/news/item/02-03-2021-who-1-in-4-people-projected-to-have-hearing-problems-by-2050>

بنابر داده‌های فوق، تمام تحقیقات انجام‌شده قبلی در این زمینه، در خارج از افغانستان انجام شده‌اند و هیچ تحقیق مرتبط در این زمینه در داخل کشور تا قبل از این تحقیق انجام نشده است. بناءً، می‌توان گفت این تحقیق در نوع خود در افغانستان بکر و نو است و منطقی که حمایت‌گر آن است، به بکر بودن آن جلوه و صراحت بیش‌تری می‌دهد، همانا استفاده از پارادایم فازی به عنوان جدیدترین منطق استدلالی در حوزه علوم اجتماعی و علوم طبیعی است؛ همین‌طور استفاده از

روی‌کرد آینده‌نگاری و تحلیل داده‌ها به سبک تطبیقی و شاگله‌بندی (Ragin, 2008: 4): که جای‌گاه هر متغیر را در رابطه به موضوع تحقیق با دقت زیاد و علم‌پسندی مشخص می‌کند.

بناءً، در این تحقیق تلاش می‌شود تا مهم‌ترین علل دخیل و تعیین‌کننده در بحران آلوده‌گی صوتی در شهر هرات، و هم‌چنان آسیب‌ها و پیامدهایی ناشی از آن شناسایی گردد، تا بر اساس آن، راه‌کارهایی مناسب جهت مداخله مطلوب در وضعیت فراهم گردد؛ بر این اساس، مهم‌ترین پرسش‌های این تحقیق به ترتیب عبارتند از: مهم‌ترین علل تعیین‌کننده در خلق این بحران کدام‌ها اند؟ چه آسیب‌ها و پیامدهایی از اثر آن به‌وجود آمده است؟ و چه استراتژی‌ها و راه‌کارهایی می‌تواند برای ایجاد بهبود در این زمینه، مؤثر و اساسی واقع شود؟

در این تحقیق، چهارچوب تحلیلی بر اساس پارادایم فازی بوده و از روش میدانی - مقایسه‌ی هم‌به‌عنوان منطق روش‌شناختی تحقیق استفاده گردیده است. اشتراک‌کننده‌گان تحقیق شهروندان شهر هرات بوده و براساس نمونه‌گیری احتمالی تصادفی ساده، جمعیت نمونه‌ی که حاصل فرمول کوکران ۴۰۰ تن بوده، با استفاده از پرسش‌نامه فازی تحت مطالعه قرار گرفته‌اند. اطلاعات به‌دست‌آمده نیز به شیوه نرم‌افزاری به سبک تطبیقی مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج حاکی از آن است که: نخست، متغیرهای مختلفی به شکل ترکیبی در ایجاد بحران آلوده‌گی صوتی در شهر هرات نقش داشته و دوم، آسیب‌ها و پیامدهای گوناگونی نیز بر جای گذاشته است، که بر اساس آن‌ها راه‌کارهای پیش‌نهادی تحقیق طراحی و به مسؤولان و شهروندان توصیه گردیده است.

## چهارچوب تحلیلی تحقیق

### الف. پارادایم تحقیق

هدف از طرح چهارچوب تحلیلی، انتخاب یک پارادایم علمی برای از نو‌نگری است به موضوع تحقیق در راستای رسیدن به اهداف مطروحه تحقیق و یا یافتن پاسخ به پرسش‌های آن می‌باشد. پارادایم نیز، مجموعه پیش‌فرض‌های نظری و منطق‌های روش‌شناختی بنیادینی‌اند که ره‌نمای تحقیق قرار می‌گیرند. این پیش‌فرض‌ها و منطق‌ها در سه رکن اصلی هر پارادایم، یعنی هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی، و روش‌شناسی متجلی می‌شوند و الزامی است که هر پرسش تحقیقی به‌ویژه پرسش‌های چرایی باید در بستر یک پارادایم مشخص به بررسی گرفته شوند (آزاد، ۱۳۹۹: ۱۲۲) تا بین ارکان سه‌گانه آن سازگاری منطقی برقرار گردد و این، یک اصل بنیادین در تحقیق است.

بنابراین، چهارچوب تحلیلی این تحقیق بر بنیان پارادایم فازی نهاده شده است. در این پارادایم تمامی پدیده‌ها و قضایا نسبی تعریف می‌شود و به سبک تطبیقی مورد بررسی قرار می‌گیرند. چنین

نگرشی هرچند در علوم اجتماعی سابقه طولانی دارد؛ اما در عمل به دلیل غلبه منطق اثباتی، که برخوردار از پشتوانه منطق مرسوم ریاضی می‌باشد، بسیار کم مورد توجه قرار گرفته است. هرچند ظهور منطق‌های سازه‌گرایی از قبیل پارادایم‌های تفسیری و انتقادی از حاکمیت پارادایم اثباتی تا اندازه‌ی کاسته‌اند؛ اما هردو جنبه کمی و کیفی، ضعف‌های پارادایمیک زیادی دارند، که کاربرد عملی آن‌ها را به لحاظ منطقی و مؤثر در بسیاری از تحقیقات به بن‌بست مواجه می‌کند.

### ب. فرضیه‌های تحقیق

۱. به نظر می‌رسد، نه یک متغیر یا چند متغیر به صورت منفرد و مجزا، بل که متغیرهای متعددی به شکل ترکیبی و در قالب شاکله‌های علی، در نقش تعیین‌کننده در این زمینه حضور داشته و دارند؛
۲. به نظر می‌رسد آسیب‌ها و پیامدهای این بحران نه صرفاً در بُعد شنوایی، بل که در ابعاد متعدد و با دامنه بسیار گسترده قابل ردیابی می‌باشند.

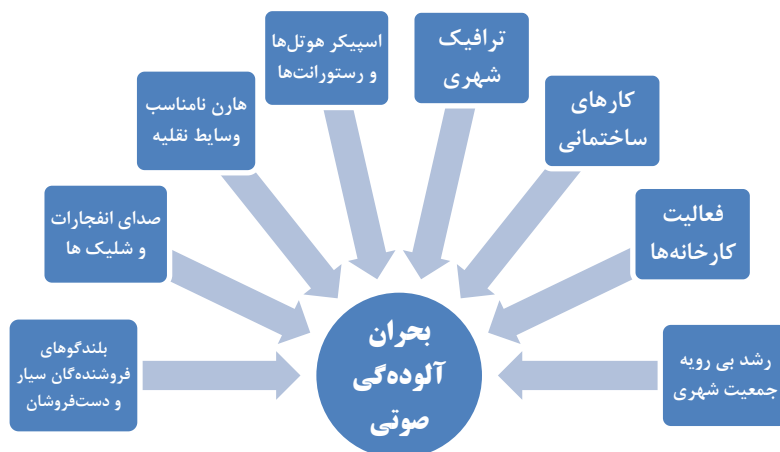
### ج. متغیرهای تحقیق

**متغیر وابسته:** بحران آلودگی صوتی

**متغیرهای مستقل:** رشد بی‌رویه جمعیت شهری، فعالیت کارخانه‌ها، کارهای ساختمانی، ترافیک شهری (Guidotti TL, 1983: 28)، اسپیکرهای هتل‌ها و رستوران‌ها، هارن نامناسب وسایط نقلیه، صدای انفجارات و شلیک‌ها، بلندگوهای فروشندگان سیار و دست‌فروشان (وزارت عدلیه، ۱۳۹۵: بند سوم، ماده دوم).

### د. مجموعه علی تحقیق

متغیرهای تحقیق بنا به پارادایم و منطق پذیرفته‌شده تحقیق، در قالب مجموعه علی فازی تنظیم گردیده‌اند، که اساس ابزار تحقیق را تشکیل داده و زمینه طراحی جداول صدق و کذب فازی در مرحله تحلیل را میسر می‌سازند.



### مجموعه علی تحقیق

منبع نمودار: (چهارچوب تحلیلی تحقیق)

### روش‌شناسی تحقیق

#### الف. نوعیت، روی‌کرد و استراتیژی

این تحقیق از نوع تطبیقی - میدانی می‌باشد و بر اساس روی‌کرد تحلیلی آینده‌نگاری، با استفاده از استراتیژی فازی در راستای رسیدن به اهداف تحقیق و یافتن پاسخ به پرسش‌های تحقیق انجام شده و نتایج آن نیز به شکل مقایسه‌وی ارزیابی گردیده است.

#### ب. محیط تطبیق و اشتراک‌کننده‌گان

محیط تطبیق تحقیق، شهر هرات بوده و اشتراک‌کننده‌گان نیز شهروندان این شهر بوده‌اند. گزینش این موردها، بر اساس منطق نمونه‌گیری احتمالی تصادفی ساده صورت گرفته است. حجم جمعیت نمونه بر اساس منطق مربوط تحقیق، بر اساس محاسبه فرمول کوکران با درجه اطمینان ۹۵٪<sup>۱</sup>، تعیین گردیده (که در برگرنده ۴۰۰ مورد بوده است)، و نهایتاً نیز مطابق به حجم نمونه از بین آن‌ها به شکل تصادفی گزینش صورت گرفته است.

<sup>۱</sup>قاعده شمولیت و سازگاری در حد اعلی کفایت علی

### ج. شیوه جمع‌آوری اطلاعات

جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز تحقیق، به شیوه پیمایشی - میدانی و با استفاده از پرسش‌نامه فازی صورت گرفته‌است. صورت اولیه ابزار تحقیق بر اساس مجموعه‌های علی تحقیق تنظیم گردیده و برای اطمینان هرچه بیش‌تر از سطح روایی لازم آن، ضمن تطبیق‌دادن مجدد با منابع گوناگون مربوط، نظرات متخصصان و افراد آگاه و مطلع در زمینه نیز در تکمیل آن لحاظ گردیده است.

### د. شیوه تحلیل اطلاعات

تحلیل داده‌های تحقیق نیز به شیوه نرم‌افزاری و با استفاده از نرم‌افزار  $FS^*QCA^2$  در جهت شناسایی و مقایسه شاکله‌ها و شرایط علی کافی متعدد در راستای معلول یا نتیجه تحقیق صورت گرفته‌است.

### یافته‌های تحقیق

اطلاعات حاصل از تحقیقات میدانی، برای تحلیل ابتدا در نرم‌افزار وارد گردیده و سپس تحت عملیات فازی‌سازی جهت تعیین توابع عضویت فازی قرار گرفته‌اند، که برای رسیدن به این مطلوب، برای هر متغیر تحقیق سه نقطه گسست کیفی مدنظر گرفته شده، که عبارت‌اند از: نقطه آستانه عضویت فازی (۰,۹۵)، نقطه تقاطع (۰,۵)، و نقطه آستانه عدم‌عضویت فازی (۰,۰۵)؛ که حاصل آن، تبدیل داده‌های قطعی به داده‌های فازی می‌باشد، که مقدمه لازم برای تحلیل داده‌ها و به-دست‌آوردن یافته‌های تحقیق می‌باشد.

عملیات لازم تحلیل به ترتیب در دو بخش صورت گرفته است، که در بخش اول به توصیف متغیرهای تحقیق پرداخته شده و در بخش دوم نیز به تحلیل مسیر شرایط علی کافی ترکیبی تحقیق توجه شده و نتایج آن تحلیل گردیده است.

### توصیف متغیرهای تحقیق

**الف. شرح متغیرها:** در این تحقیق به تعداد هشت مورد از مفاهیم مرتبط با موضوع تحقیق در مقام متغیرهای مستقل، در ارتباط با متغیر وابسته و معلول تحقیق مورد بررسی قرار گرفته‌اند، که آمارهای توصیفی آن‌ها در جدول شماره (۱) آمده است.

## جدول شماره (۱): آمارهای توصیفی متغیرهای تحقیق

موارد معتبر	سقف دامنه		حد اوسط		متغیرها
	پاسخ‌ها	کف دامنه پاسخ‌ها	پراکنده‌گی	پاسخ‌ها	
۴۰۰	۰.۹۷	۰.۰۳	۰.۳	۰.۸۱	رشد بی‌رویه جمعیت شهری
۴۰۰	۰.۹۷	۰.۱۲	۰.۲	۰.۹۰	فعالیت کارخانه‌ها
۴۰۰	۰.۹۷	۰.۰۳	۰.۱۲	۰.۹۰	کارهای ساختمانی
۴۰۰	۰.۹۷	۰.۱۲	۰.۳۴	۰.۹۸	ترافیک شهری
۴۰۰	۰.۹۷	۰.۱۲	۰.۳۴	۰.۹۷	اسپیکرهای هتل‌ها و رستوران‌ها
۴۰۰	۰.۹۷	۰.۰۳	۰.۳۴	۰.۹۹	هارن نامناسب وسایط نقلیه
۴۰۰	۰.۹۷	۰.۰۳	۰.۳۴	۰.۹۳	صدای انفجارها و شلیک‌ها
۴۰۰	۰.۹۷	۰.۱۲	۰.۳۴	۰.۹۹	بلندگوهای فروشنده‌گان سیار و دست-فروشان

منبع جدول: (یافته‌های تحقیق میدانی)

در جدول شماره (۱)، تمامی متغیرهای دخیل در تحقیق حضور دارند، که نتایج توصیفی هر یک، به‌صورت آماری در اجزای مختلف به‌دست آمده است. دامنه پاسخ‌دهی به‌صورت فازی بین صفر تا یک است و ۴۰۰ تن نیز سقف تعداد پاسخ‌دهنده‌گان بوده است.

**ب. آسیب‌های ناشی از بحران:** آلوده‌گی صوتی در شهر هرات در سه سال پسین، عاری از آسیب‌ها و پیامدهای ناگوار نبوده است. این آسیب‌ها در صورت عدم کنترل بحران، می‌توانند تشدید شوند. در جدول شماره (۲) به شرح مختصری از مهم‌ترین آسیب‌ها و پیامدهای ناشی از این بحران پرداخته شده است.

## جدول شماره (۲): آسیب‌های ناشی از بحران آلوده‌گی صوتی در شهر هرات

موارد معتبر	سقف دامنه		حد اوسط		متغیرها
	پاسخ‌ها	کف دامنه پاسخ‌ها	پراکنده‌گی	پاسخ‌ها	
۴۰۰	۰.۹۷	۰.۳۴	۰.۳۴	۰.۹۹	اختلال شنوایی
۴۰۰	۰.۹۷	۰.۰۳	۰.۱۶	۰.۹۶	اختلال عصبی و رفتاری
۴۰۰	۰.۹۷	۰.۰۳	۰.۰۳	۰.۹۶	افزایش امراض قلبی
۴۰۰	۰.۹۷	۰.۰۲	۰.۱۲	۰.۹۳	افسردگی
۴۰۰	۰.۹۷	۰.۰۳	۰.۳۴	۰.۸۴	کاهش توان باروری در مردان
۴۰۰	۰.۹۷	۰.۱۶	۰.۳۴	۰.۹۴	سوء قاعده‌گی و هورمونی در زنان
۴۰۰	۰.۹۷	۰.۱۲	۰.۱۶	۰.۹۵	پرخاش‌گری و کاهش آستانه تحمل
۴۰۰	۰.۹۷	۰.۰۲	۰.۱۲	۰.۹۰	افزایش انواع سرطان

منبع جدول: (یافته‌های تحقیق میدانی)

در جدول شماره (۲)، لیستی از مهم‌ترین آسیب‌های ناشی از آلوده‌گی صوتی در شهر هرات می‌باشد، که بر اساس مطالعات و یافته‌های تحقیق حاصل گردیده است. نتایج توصیفی هر یک به‌صورت آماری در اجزای مختلف نشان داده شده است، که دامنه پاسخدهی به‌صورت فازی بین صفر تا یک است و ۴۰۰ تن نیز سقف تعداد پاسخ‌دهنده‌گان بوده است.

### تحلیل مسیر شرایط علی ترکیبی

برای تحلیل شرایط علی ترکیبی تحقیق، تمامی ترکیب‌های ممکن علی مشخص گردیده و مورد محاسبه قرار گرفته و می‌گیرند، که در این رابطه، تعیین آستانه سازگاری و آستانه فراوانی از اهمیت وافری برخوردار است و پژوهش‌گر باید سعی کند فراوانی موارد را در هر ترکیب مدنظر بگیرد (کاسکو، ۱۳۸۴: ۸۹)؛ نهایتاً از میان همه، ترکیب یا ترکیباتی را که دارای بالاترین سطح سازگاری و هم‌چنان بیش‌ترین تعداد فراوانی باشد، انتخاب کرده و بقیه از روند تحلیل حذف می‌گردند (آزاد، ۱۳۹۹: ۹)؛ زیرا هدف اساسی استخراج مسیرها و ترکیبات علی‌یی است، که علاوه بر داشتن شاخص سازگاری بالا، به‌عنوان شرط کافی، مصادیق تجربی بیش‌تری را نیز شامل باشند (دمیتروف، ۱۳۸۲: ۶۸)؛ درحالی‌که دامنه سازگاری از ۰ تا ۱ متغیر است، امتیاز پایین‌تر از ۰,۷۵ نشان‌گر ناسازگاری اساسی بوده و ضریب سازگاری بالاتر از آن، نشان‌گر کفایت شروط علی ترکیبی برای تحقق نتیجه است (Ragin, 2000: 27). شاخص سازگاری پیش‌نیاز ضریب شمولیت است، اگر ضریب سازگاری کم‌تر از ۰,۷۵ باشد، محاسبه شمولیت معنا نداشته و بحث آن منتفی است (چلبی، ۱۳۸۸: ۲ - ۱۹).

جدول شماره (۳) تا شماره (۵)، نتایج تحلیل مسیر را برای تعیین شروط علی کافی ترکیبی متغیرهای تحقیق نشان می‌دهند، که بر اساس درجه سازگاری و شمولیت اختصاصی شان به ترتیب در جدول‌های مختلف قرار گرفته‌اند و شرح موضوع را نشان می‌دهند.

**الف. ترکیب درجه یک:** منظور از ترکیب درجه یک، آن ترکیبی است، که درجه سازگاری متغیرهای شامل در ترکیب باهم بین ۰,۹۶ تا ۱,۰۰ باشد. جدول شماره (۳) همین ترکیب را نشان می‌دهد.



## جدول شماره (۳): ترکیب درجه یک

معلول تحقیق: بحران آلودگی صوتی

شمولیت	سازگاری	مسیر و ترکیب علی
۰,۹۶	۰,۹۹	ترافیک شهری * اسپیگرهای هتل‌ها و رستوران‌ها * هارن نامناسب وسایط نقلیه * بلندگوهای فروشندگان سیار و دست‌فروشان

منبع جدول: (یافته‌های تحقیق میدانی)

بر اساس جدول شماره (۳)، در این ترکیب، متغیرهایی چون «ترافیک شهری، اسپیکرهای هتل‌ها و رستوران‌ها، بوق نامناسب وسایط نقلیه، بلندگوهای فروشندگان سیار و دست‌فروشان» در کنار هم قرار گرفته‌اند و با ۹۹ درصد سازگاری که با نتیجه دارد، برای ایجاد نتیجه کافی بوده و به راحتی توانسته معلول مدنظر را تحت تأثیر قرار داده و تعیین نماید و در حدود ۹۶ فیصد از اشتراک‌کننده‌گان این قضیه را تأیید کرده‌اند.

## ب. ترکیب درجه دو: منظور از ترکیب درجه دو، آن ترکیبی است که درجه سازگاری

متغیرهای شامل در ترکیب باهم بین ۰,۹۱ تا ۰,۹۵ باشد. جدول شماره (۴) همین ترکیب را نشان می‌دهد.

## جدول شماره (۴): ترکیب درجه دو

معلول تحقیق: بحران آلودگی صوتی

شمولیت	سازگاری	مسیر و ترکیب علی
۰,۹۳	۰,۹۴	ترافیک شهری * صدای انفجارها و شلیک‌ها * فعالیت کارخانه‌ها *

منبع جدول: (یافته‌های تحقیق میدانی)

بر اساس جدول شماره (۴)، در این ترکیب، متغیرهایی چون «ترافیک شهری، صدای انفجارها و شلیک‌ها، فعالیت کارخانه‌ها» در کنار هم قرار گرفته‌اند و با ۹۴ فیصد سازگاری که با نتیجه دارد، برای ایجاد نتیجه کافی بوده و به راحتی توانسته معلول مدنظر را تحت تأثیر قرار داده و تعیین نماید و در حدود ۹۳ فیصد از اشتراک‌کننده‌گان این قضیه را تأیید کرده‌اند.

ج. ترکیب درجه سه: منظور از ترکیب درجه سه، آن ترکیبی است، که درجه سازگاری متغیرهای شامل در ترکیب باهم بین ۰,۸۶ تا ۰,۹۰ باشد. جدول شماره (۵) همین ترکیب را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۵): ترکیب درجه سه

معلول تحقیق: بحران آلوده گی صوتی		
شمولیت	سازگاری	مسیر و ترکیب علی
		اسپیگرهای هتل‌ها و رستوران‌ها *
		بلندگوهای فروشندگان سیار و دست‌فروشان *
۰,۸۸	۰,۸۸	هارن نامناسب وسایط نقلیه *
		رشد بی‌رویه جمعیت شهری

منبع جدول: (یافته‌های تحقیق میدانی)

بر اساس جدول شماره (۵)، در این ترکیب، متغیرهایی چون «اسپیگرهای هتل‌ها و رستوران‌ها، بلندگوهای فروشندگان سیار و دست‌فروشان، بوق نامناسب وسایط نقلیه، رشد بی‌رویه جمعیت شهری»، در کنار هم قرار گرفته‌اند و با ۸۸ فیصد سازگاری که با نتیجه دارد، برای ایجاد نتیجه کافی بوده و به راحتی توانسته معلول مدنظر را تحت تأثیر قرار داده و تعیین کند و در حدود ۸۸ فیصد از اشتراک‌کنندگان این قضیه را تأیید کرده‌اند.

### مناقشه تحقیق

باتوجه به نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها، می‌توان این‌گونه گفت‌وگو کرد که بحران آلوده‌گی صوتی به شدت متأثر از مجموعه مهم‌ترین متغیرهایی بوده، که در قالب کلیت‌های علی بر معلول تحقیق در حد کفایت علی مؤثر و تعیین‌کننده واقع شده‌اند. در یک نگاه مقایسه‌وی به نتایج حاصل از این تحقیق با سایر تحقیقات انجام شده قبلی، می‌توان به نکات زیر اشاره نمود:

نخست، بیش‌تر مطلق تحقیقات دیگر انجام‌شده قبلی از ابعاد دیگری و با روش‌های دیگری به موضوع آلوده‌گی صوتی پرداخته‌اند، که به طبع آن، به نتایج اختصاصی خود شان رسیده‌اند. از این بُعد اگر نگاه مقایسه‌وی بین این تحقیق و تحقیقات انجام‌شده قبلی داشته باشیم، به این نکته می‌رسیم که تحقیقات قبلی نظر به ضرورت، انگیزه، و طرح محقق، از بُعد اختصاصی دیگری به موضوع آلوده‌گی صوتی توجه کرده‌اند و در این تحقیق، محققان بنا بر ضرورت، انگیزه، و طرح پیش‌نهادی خود، از یک بُعد اختصاصی و مشخص دیگر و البته به روش اختصاصی کاملاً متفاوت و جدید به موضوع بحران آلوده‌گی صوتی پرداخته‌اند، که مشخصاً تلاش شده است تا بحران آلوده‌گی صوتی در

شهر هرات در سه سال پسین، تحت روند علمی آسیب‌شناسی قرار داده شود، که ضمن یافتن آسیب‌های وارده ناشی از بحران، کلیت‌ها و ترکیبات علیّ تعیین‌کننده بالای این بحران نیز به صورت علمی شناسایی گردد و بر اساس آن راه‌کارهای عملی مناسب برای مهار و کنترل بحران طراحی گردد؛

دوم، بیش‌تر مطلق تحقیقات انجام‌شده قبلی در این زمینه به شیوه‌های مرسوم تحقیقات علمی (سبک‌های کمی و کیفی) انجام شده‌اند. سبک‌های مرسوم، محدودیت‌های جدی‌ی دارند، که دستیابی به نتایج دقیق و حساب‌شده را تا حد زیادی ناممکن می‌سازد و ارائه راه‌کارهای قابل اعتماد بر مبنای آن عملاً دشوار می‌نماید؛ اما در تحقیق کنونی، پارادایم فازی که جدیدترین پارادایم در حوزه علوم می‌باشد، اساس تحقیق قرار داده شده و برحسب آن از رویکرد آینده‌نگاری بهره جسته شده و متناسب با آن، علل تأثیرگذار بر معلول تحقیق، نه به صورت اجزای منفرد و جدا از هم، بل که در کلیت‌ها و شاکله‌های بهم‌پیوسته جستجو و به صورت تطبیقی مشخص گردیده‌اند؛

سوم، در بیش‌تر تحقیقات انجام‌شده قبلی، یک فقدان اساسی به چشم می‌خورد و آن، عدم یک مجموعه راه‌کارهای منطقی بیرون‌آمده از دل نتایج تحقیق می‌باشد، که یا در بعضی از موارد اصلاً راه‌کارهای پیش‌نهادی ندارد، و یا هم برخی راه‌کارهای پیش‌نهادی بی‌کیفیت دارند، با نتایج حاصل از تحقیق منطبق و سازگار نیستند؛ اما در این تحقیق، بر اساس نتایج و یافته‌های تحقیق، راه‌کارهای دقیق و هم‌سو با یافته‌ها، به صورت مشخص پیش‌نهاد گردیده‌اند و هر کدام بر اساس درجه سازگاری و شمولیت شان به ترتیب برای به‌کارگیری در سیاست‌ها و فعالیت‌های عملیاتی جای‌گاه شان مشخص گردیده است.

در نتیجه بررسی و تحلیل اطلاعات تحقیق و شکل‌گیری صدها شاکله و ترکیبات مختلف علیّ، تنها چند ترکیب محدود برای متغیر وابسته تحقیق، معتبر شناخته شده‌اند. در این شاکله‌ها و ترکیبات نیز، متغیرهای مستقل در چهره‌های مختلف تأثیر خود را بر معلول تحقیق نشان داده‌اند. بعضی‌ها با حضور شان و بعضی‌ها با غیاب شان خود را در قالب یک ترکیب، مؤثر نشان داده‌اند؛ بنابراین، بر اساس نتایج تحقیق می‌توان استدلال نمود، که بحران آلوده‌گی صوتی در شهر هرات در سه سال پسین به شدت متأثر از عمل ترکیبی و فعالانه برخی متغیرهای کلیدی از جمله متغیرهای طرح شده تحقیق می‌باشد.

### نتیجه‌گیری

یافته‌ها و نتایج حاصل از تحقیق حاکی از آن است، که نخست، علل گوناگونی در بحران آلوده‌گی صوتی در شهر هرات دخالت داشته، که با حضور و غیاب شان در مجموعه‌ها و ترکیبات مختلف،

تأثیرات تعیین‌کننده‌ی را از خود برجای گذاشته‌اند. از میان مجموع ترکیبات، تعداد مشخص و محدودی با توجه به درجه‌سازگاری و شمولیت شان به عنوان ترکیبات معتبر و تعیین‌کننده بر معلول تحقیق شناخته شده‌اند. این ترکیبات قرار زیر اند:

ترکیب درجه یک (دارای درجه‌تعیین‌کننده‌گی بین ۹۶ تا ۱۰۰٪): «ترافیک شهری، اسپیکرهای هتل‌ها و رستوران‌ها، هارن نامناسب وسایط نقلیه، بلندگوهای فروشندگان سیار و دست‌فروشان»؛  
ترکیب درجه دو (دارای درجه‌تعیین‌کننده‌گی بین ۹۱ تا ۹۵٪): «ترافیک شهری، صدای انفجارها و شلیک‌ها، فعالیت کارخانه‌ها»؛

ترکیب درجه سه (دارای درجه‌تعیین‌کننده‌گی بین ۸۶ تا ۹۰٪): «اسپیکرهای هتل‌ها و رستوران‌ها، بلندگوهای فروشندگان سیار و دست‌فروشان، بوق نامناسب وسایط نقلیه، رشد بی‌رویه جمعیت شهری».

آسیب‌ها و پیامدهای ناشی از این بحران می‌تواند باعث تشدید در روند افزایش امراض گوناگون گردد، که جبران آن‌ها بسیار دشوار و گاهی عملاً غیرممکن خواهد بود.

## پیش‌نهادها

بر بنیاد نتایج حاصل از تحقیق، راه‌کارهای اختصاصی زیر برای مهار و کنترل بحران آلوده‌گی صوتی در شهر هرات، به مدیران و مسؤولان مربوط پیش‌نهاد می‌گردد:

### الف. راه‌کار پیش‌نهادی درجه یک: پیاده‌سازی ترکیب پیش‌نهادی زیر:

«مدیریت مناسب ترافیک شهری در جهت کاهش آلوده‌گی صوتی + کنترل هتل‌ها و رستوران‌ها در زمینه‌ پخش صوت با صدای بلند + ممنوع‌ساختن استفاده از هارن‌های نامناسب و بلند توسط وسایط نقلیه + ممنوع‌ساختن استفاده از بلندگو توسط فروشندگان سیار و دست‌فروشان شهری»؛

### ب. راه‌کار پیش‌نهادی درجه دو: پیاده‌سازی ترکیب پیش‌نهادی زیر:

«مدیریت مناسب ترافیک شهری در جهت کاهش آلوده‌گی صوتی + جلوگیری و مهار انفجارها و شلیک‌های بی‌جا + ایجاد طرز‌العمل اجرایی مناسب برای فعالیت کارخانه‌های داخل شهری در جهت کاهش آلوده‌گی صوتی»؛

### ج. راه‌کار پیش‌نهادی درجه سه: پیاده‌سازی ترکیب پیش‌نهادی زیر:

«کنترل هتل‌ها و رستوران‌ها در زمینه‌ پخش صوت با صدای بلند + ممنوع‌ساختن استفاده از بلندگو توسط فروشندگان سیار و دست‌فروشان شهری + ممنوع‌ساختن استفاده از هارن‌های

نامناسب و بلند توسط وسایط نقلیه + کنترل و مدیریت به‌تر رشد جمعیت شهری به لحاظ ازدحام روزانه در شهر».

به مدیران و مسؤولان مربوطه پیش‌نهاد می‌شود که، برای مهار و کنترل بحران آلوده‌گی صوتی در شهر هرات، می‌توانند حداقل یکی از ترکیبات علی‌به‌دست‌آمده و به طبع آن یکی از راه‌کارهای پیش‌نهادی فوق را مدنظر گرفته و در سیاست‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های عملیاتی شان جا دهند؛ زیرا طبق نتایج این تحقیق، تنها با مدنظرگیری شروط و ترکیبات علی‌مذکور است که می‌توان در این راستا به نتایج قابل قبول دست یافت.

در انتها نیز، ذکر این نکته برای پژوهش‌گران دیگر مهم به نظر می‌رسد، که در جهت شناسایی مجموعه‌ها و ترکیبات علی‌دیگر نیز در این راستا فعالیت‌هایی را انجام دهند و بر تبیین به‌تر نتیجه در این زمینه یاری رسانند.

### سرچشمه‌ها

. آزاد، علی‌الله. (۱۳۹۹). «پارادایم فازی؛ مبنای تحقیقات نوین». هرات: فصل‌نامه علمی - پژوهشی پوهنتون غالب (غالب). سال نهم نشراتی. سلسله بیست‌ونهم و سی‌ام. شماره ۲ و ۳، ص ۹، قابل دسترس در:

<<https://ghalib.edu.af/ckeditor/kcfinder/upload/files/7%28%29.pdf>>

. آزاد، علی‌الله. (۱۳۹۹). «نقش جامعه مدنی در تحقق دموکراسی در افغانستان در یک‌ونیم دهه اخیر». هرات: فصل‌نامه علمی - تحقیقی دانش‌گاه جامی. شماره ۲۲ و ۲۳، ص ۱۲۲.

. چلی، مسعود. (۱۳۸۸). «شاخص‌سازی تابع عضویت فازی، نوع‌شناسی و واسنجی در جامعه‌شناسی». ایران: مجله مطالعات اجتماعی ایران. ویژه‌نامه روش‌شناسی. دوره سوم. شماره چهارم. صص ۲ - ۱۹، قابل دسترس در:

<<http://ensani.ir/fa/article/299207>>

. حمای‌زاده، احسان و امید کلتی. (۱۳۹۵). «اثرات آلوده‌گی صوتی بر انسان و محیط زیست». تهران: نخستین همایش ملی توسعه سلامت، ایمنی و محیط زیست در حوزه اماکن تفریحی، ورزشی، مذهبی و فرهنگی شهر با رویکرد حفاظت از شهروند و شهر. نشر سازمان حفاظت از محیط زیست. ص ۲، قابل دسترس در:

<<https://civilica.com/doc/584788/certificate/print/>>

. دمیتروف، ولادیمیر. (۱۳۸۲). **دانش و مردم: بکارگیری منطق فازی در تشریح پیچیدگی‌های اجتماعی**. ترجمه احمد جواهریان. تهران: خوارزمی. ص ۶۸.  
 . سازمان بهداشت جهانی. (۲۰۲۱). «پیش‌بینی مشکلات شنوایی تا ۲۰۵۰». قابل دسترس در:

<<https://www.who.int/news/item/02-03-2021-who-1-in-4-people-projected-to-have-hearing-problems-by-2050>>

. کاسکو، بارت. (۱۳۸۴). **تفکر فازی**. ترجمه علی غفاری. تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی خواجه طوسی.

. وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان. (۱۳۹۵). «مقررۀ کاهش و جلوگیری از آلوده‌گی صوتی». ماده سوم، بند دوم. قابل دسترس در:

<<http://law.acku.edu.af/fa/download/file/fa/31411/62001>>

- . Guidotti TL, Novak RE. (1983). “**Hearing conservation and occupational exposure to noise**”. Am Fam Physician 28(4).
- . Lusk SL, Hagerty BM, Gillespie B, Caruso CC. (2002). “**Chronic effects of workplace noise on blood pressure and heart rate**”. *Archives of Environmental Health: An International Journal*, Volume 57, 2002 - Issue 6 , 600 – 602.
- . Palmer KT, Griffin MJ, Syddall HE, Davis A, Pannett B, Coggon D. (2002). “**Occupational exposure to noise and the attributable burden of hearing difficulties in Great Britain**”. *Occup Environ Med.* 2002; 59 (9): 634–639.
- . Ragin, C. Charles. (2000). **Fuzzy-Set Social Science**. America: University of Chicago Press.
- . Ragin, Charles. C. (2008). **Users’s Guide to Fuzzy-set/Qualitative Comparative Analysis**. University of Arizona, 4.

## منزلت معاهدات بین‌المللی در نظام حقوقی افغانستان

(براساس قوانین جمهوریت سوم)\*

نگارنده: فضل احمد احمدی\*\*

### چکیده

جذب معاهدات بین‌المللی، یکی از نیازهای عمده دولت‌ها در جهان معاصر است؛ از این‌رو، هر دولتی با توجه به ضرورت زیست بین‌المللی و حفظ منافع ملی و ارزش‌های بین‌المللی به جذب معاهدات بین‌المللی روی می‌آورد؛ درحالی‌که معاهدات از یک‌سو متعدد و مختلف است، از جهت دیگر، این معاهدات حامل قواعد معینی است که مستلزم اجرا در نظام‌های حقوقی داخلی می‌باشد. دولت افغانستان در زمان جمهوریت سوم با توجه به این نیاز به تعداد بسیاری از معاهدات بین‌المللی ملحق شده است؛ چنان‌که «مجموعه معاهدات» سازمان ملل متحد نشان می‌دهد، این کشور صدوپنجاهوپنج مورد امضا، تصویب و الحاق دارد. با توجه به این مطلب، سوال اصلی تحقیق این است که با امعان نظر به روش‌های بین‌المللی‌گرایانه و دولت‌محورانه در زمینه جذب معاهدات بین‌المللی، دولت افغانستان در زمان جمهوریت سوم کدام روش را برگزیده و در عین حال چه منزلت و اعتباری برای معاهدات بین‌المللی قائل می‌باشد؟ روش بررسی این پژوهش، توصیفی-تحلیلی مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای است که پس از جمع‌آوری اطلاعات و با استفاده از قوانین موجود، موضوع و مسأله مورد تحلیل و تجزیه قرار گرفته است. نتیجه این پژوهش حاکی از آن است که رویه عملی دولت افغانستان در زمان جمهوریت سوم در قبال جذب معاهدات بین‌المللی، به‌صورت دقیق بر وفق هیچ کدام از نظریات مطرح شده نیست؛ درحالی‌که دولت افغانستان در جذب معاهدات بین‌المللی بیش از حد بین‌المللی‌گرایانه است، در تعیین منزلت معاهدات و اجرای آن‌ها با گرایش دولت‌محورانه عمل کرده است. با این حال، در بسیاری از موارد هیچ رویه قابل تعیین نیست.

**واژه‌گان کلیدی:** معاهدات بین‌المللی، نظام حقوقی افغانستان، معاهده، بین‌المللی‌گرایانه و

دولت‌محورانه.

\* منظور از جمهوریت سوم در این تحقیق، بازه زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۲ میلادی است.

\*\* عضو هیئت‌علمی پوهنتون / دانش‌کده حقوق و علوم سیاسی پوهنتون / دانش‌گاه غالب - هرات (Fazalahmadahmadi@gmail.com)

ISSN

P: 2788-4155

E: 2788-6441

Received: 25 / 03 / 2022

Accepted: 11 / 07 / 2022

## The status of international treaties in the Afghan legal system (2001 – 2022)

**Author:** Fazal Ahmad Ahmadi\*

### Abstract

Attracting international treaties is one of the major needs of governments in the contemporary world. Hence, every state attracts international treaties according to the necessity of international biology and the preservation of national interests and international values. While many treaties violate treaties, on the other hand, one of these treaties carries certain rules that are required to be implemented in domestic legal systems. Due to this need, the State of Afghanistan has acceded to a large number of international treaties, as indicated by the United Nations "Treaties Collections", which has one hundred and fifty-five signatures, ratifications and accessions. According to this article, The main question of this research is that considering the internationalist and statist methods in the field of attracting international treaties, which method has the Afghanistan State chosen and at the same time what status and credibility does it give to international treaties? The research method of this research is a descriptive-analytical method based on library data that after collecting information and using existing laws, the subject and issue are analyzed. The results of this study indicate that the practical approach of the State of Afghanistan towards the acceptance of international treaties is not exactly in accordance with any of the views expressed. While the Afghanistan State's approach to attracting international treaties is an internationalist vision, it has acted in a state-centered manner in determining the status of treaties and implementing them. However, in many cases no procedure can be determined.

**Keywords:** treaty, acceptance, method, legal system, internationalist and statist.



## مقدمه

امروزه معاهدات بين المللى يکى از منابع عمده و اساسى حقوق بين الملل را تشکيل مى دهد، تا جايى که در عمل ساير منابع حقوق بين الملل از لحاظ سلسله مراتب پايين تر از آن قرار مى گيرند. اين معاهدات نه تنها اين که در سطح بين المللى قابليت اجرايى را دارند، بل که وارد نظام هاى حقوقى داخلى کشورها شده و عملاً در کشورهاى مختلف جزو منابع حقوقى آن ها تلقى مى شود؛ از اين لحاظ، مسأله اهميت و جاي گاه معاهدات بين المللى در نظام هاى داخلى کشورها مطرح مى شود. تعدادى از کشورها به گونه صريح اعلام کرده اند که معاهدات بين المللى از زمان عضويت و پذيرش آن ها به خودى خود، به منزله قوانين داخلى کشور بوده و قضات در صدور احکام خویش از آن ها مانند قانون بايد استفاده کنند؛ اما تعدادى از کشورهاى ديگر روند و يا روش ديگرى را برگزيده اند، که به گونه مستقيم معاهدات قابليت اجرايى را ندارند؛ بل که نيازمند تعديل مفاد و مقررات معاهدات بين المللى در قالب قوانين داخلى مى باشند؛ بنا بر اين، اين وضعيت و تفاوت روى کردها سبب مى شود هر کشورى روى کرد خاص خود را در قبال چه گونه گى جذب و اجراى معاهدات بين المللى اتخاذ کند و افغانستان به عنوان يکى از اعضاى جامعه بين المللى در اين ميان، رويه خود را دارد.

اهميت اين تحقيق زمانى بيش تر نمايان مى شود، که موضوع اجراى معاهدات بين المللى به چالش مواجه شود و آن گاه براى دولت ها مسؤوليت بين المللى ايجاد کند. مسؤوليت بين المللى يى که از عدم اجراى معاهدات بين المللى مطرح مى شود، به مراتب بزرگ تر و سنگين تر از اجراى آن خواهد بود.

حالا با توجه به بيان مسأله و اهميت موضوع، اين پرسش ها مطرح مى شود، که دولت افغانستان در زمان جمهوريت سوم در نظام حقوقى خویش چه جاي گاه و منزلتى براى معاهدات بين المللى قايل شده است؟ آيا معاهدات به محض پذيرش، به منزله قوانين داخلى تلقى مى گردند و اين که در سلسله مراتب ميان منابع حقوق افغانستان، معاهدات در چه سطحى قرار گرفته است؟

در اين زمينه تحقيق خاصى تاکنون صورت نگرفته است؛ اما به گونه پراکنده در مقالات و کتاب هاى حقوق بين المللى يا حقوق اساسى، که با روى کرد نظام حقوقى افغانستان نوشته شده و هم چنين در مقالات مطرح گرديده است. مثلاً سرور دانش در کتاب «حقوق اساسى افغانستان»، امرالله اعظمى در مقاله «تعارض معاهدات بين المللى با قوانين در نظام حقوقى افغانستان»؛ عبدالقهار فروغ اصفى در مقاله «تصويب معاهدات بين المللى» و مقاله ديگرى تحت عنوان «رابطه ميان حقوق بين المللى و حقوق داخلى در چهارچوب نظام حقوقى افغانستان»، به منزلت معاهدات بين المللى در نظام حقوقى، به گونه نامستقيم اشاره کرده اند.

این پژوهش با استفاده از منابع موجود کتابخانه‌یی و با کمک روش تحلیلی - توصیفی به این موضوع پرداخته و به این نتیجه رسیده است که: افغانستان در زمان جمهوریت سوم نسبت به بسیاری از کشورهای دیگر در این زمینه، رویه متفاوت را اتخاذ کرده است. نتایج نشان از آن دارد که معاهدات بین‌المللی در این کشور، در قدم نخست به محض پذیرش قابلیت اجرایی را ندارد، بل که باید محتوای معاهدات در قالب قوانین عادی انعکاس یابد و آن‌گاه اجرا شود و در عین حال، منزلت معاهدات با تفاوت دیدگاه‌ها روبه‌رو بوده و نظر غالب بر این است که معاهدات پس از قانون اساسی و بالاتر از قوانین عادی قرار می‌گیرند.

### ورود به بحث

جذب معاهدات بین‌المللی از دیرباز یکی از موضوعات عمده روابط حقوق بین‌الملل<sup>۱</sup> با حقوق داخلی<sup>۲</sup> را شکل می‌دهند. هرچند صلاحیت ابتدایی و اصلی جذب معاهدات به قوانین داخلی دولت‌ها واگذار شده تا در صورت نیاز اقدام به جذب معاهده‌یی کنند و یا از پذیرش آن خودداری ورزند، اما عملاً جذب و اجرای معاهدات بین‌المللی نیازی عینی و مبرم همه دولت‌ها به‌شمار می‌روند و همه‌روزه بر این نیاز افزوده می‌شود؛ بنابراین، با آن که روش‌های جذب معاهدات متفاوت است، اما اصل پذیرش و جذب، ضرورت بلافصل دولت‌ها می‌باشد.

از منظر تاریخی، در نیمه دوم قرن بیستم، نظام‌های داخلی به تدریج پذیرای ارزش‌های بین‌المللی گردیدند و دولت‌ها روزبه‌روز بیش‌تر به پی‌روی از حقوق بین‌الملل علاقه‌مند شدند. گرچه هر دولتی آزاد است تا سازوکار اجرای قواعد بین‌المللی را خود تعیین نماید، اما حتا یک بررسی اجمالی نظام‌های حقوقی ملی، نشان‌دهنده دو روش اساسی در این زمینه است:

نخست، روش تلفیق خودبه‌خود قواعد بین‌المللی: چنین تلفیقی زمانی روی می‌دهد که قانون اساسی یا یک قاعده عادی داخلی (یا در مورد حقوق مبتنی بر رویه قضایی، تصمیمات قضایی)، بیان کنند که تمامی مقامات دولتی و هم‌چنین اتباع دولت و سایر اشخاصی که در قلمرو آن دولت زنده‌گی می‌کنند، موظف به اعمال برخی از قواعد فعلی و آتی حقوق بین‌الملل هستند. از جمله پیامدهای این سازوکار این است که نظام حقوقی ملی را توان‌مند می‌سازد، که مرتباً و به‌طور خودکار خود را با قواعد بین‌المللی تعدیل نماید؛ لذا با شکل‌گیری یک قاعده بین‌المللی، قانون متناسب با آن در نظام حقوقی ملی ایجاد می‌شود.

<sup>1</sup> International law

<sup>2</sup> Municipal law, Domestic law or National law.

دوم، تلفيق خاص قانون گذارى قواعد بين المللى: در چهارچوب اين نظام، قواعد بين المللى تنها در صورتى در داخل نظام حقوقى داخلى قابل استناد و اجرا هستند، كه مقامات پارلمانى آن كشور مقررات اجرايى خاصى را تصويب كنند. اين مصوبه ممكن است به يكى از دو شكل اصلى زير باشد: نخست اين كه، اين مصوبه ممكن است مشتمل بر اقدام مجلس ناظر بر تبديل مقررات مختلف قرارداد به مصوبه هاى ملي باشد، كه در آن تعهدات، اختيارات و حقوق متعدد ناشى از آن مقررات بين المللى (تلفيق قانونى قواعد بين المللى) معين مى شود (كاسسه، ۱۳۹۱: ۳۱۹).

به نظر مى رسد افغانستان از روش «تلفيق قانونى قواعد بين المللى» بهره مى برد؛ زيرا ماده ۹۴ قانون اساسى، قانون را «عبارت است از مصوبه هر دو مجلس شورى ملي، كه به توشيح رئيس جمهور رسیده باشد» مى داند و اين روش بر معاهدات بين المللى نيز اجرا مى شود. يعنى اين كه معاهدات (البته نه همه) پس از امضا به پارلمان فرستاده مى شود، پس از تصديق (تصويب) هر دو مجلس، جهت توشيح به رئيس جمهورى ارسال مى گردد و دقيقاً همان روند قوانين عادى را طى مى كند (Galland, 2011 : 52).

دوم اين كه در مصوبه مجلس ممكن است تنها برخوردارى از قابليت اعمال خود به خود<sup>۱</sup> حقوق بين الملل در حوزه نظام حقوقى داخلى، بدون تنظيم مجدد قاعده به طور خاص (تلفيق ويژه خودبه خود حقوق بين الملل) ذكر شده باشد. بدین ترتيب عمل كرد اين سازوكار در اصل شبيه سازوكارى قبلى است؛ يعنى سازوكار تلفيق خود به خود قواعد بين المللى (تنها تفاوتى كه وجود دارد اين است كه اين تلفيق، بر مبنای مورد به مورد به منصبه ظهور مى رسد). در اين خصوص هم مقامات دولتى و هم تمامى اشخاص ذى ربط موظف هستند از مقررات بين المللى كه در مصوبه مجلس به آن ها اشاره شده است، پيروى نمايند (همان، ۵۳).

دولت ها در پى آنند تا الحاق ملي قواعد بين المللى را بر مبنای دو نياز متفاوت، كه انگيزه هاى انتخاب نظام تلفيق به شمار مى روند، تنظيم نمايند. اول اين كه آن ها بايد بين يك روى كرد دولت محورانه (يا ملي گرايانه)<sup>۲</sup> و يك روى كرد بين المللى گرايانه<sup>۳</sup>، يكي را انتخاب كنند. دوم اين كه آن ها بايد به موضوع رابطه بين قواى مقننه و اجرائيه دولت توجه كنند و بنابر اين سازوكارى براى اجراى حقوق بين الملل ارائه نمايند.

به دو دليل ممكن است دولت ها روى كرد دولت محور يا ملي گرايانه را انتخاب نمايند:

(۱) براى پذيرش الحاق خاص به قواعد بين المللى از سوى قوه مقننه؛

(۲) براى قراردادادن قواعد بين المللى در سطح مصوبات ملي داخلى.

<sup>1</sup> Ipso facto

<sup>2</sup> Statist

<sup>3</sup> Internationalist

برعکس دولتهایی که ره یافت بین المللی دارند:

- ۱) الحاق خود به خود (به صورت خاص یا رویه جاری) قواعد بین المللی؛
  - ۲) قراردادان قواعد بین المللی در سطحی بالاتر از مصوبات ملی را بر می گیرند.
- دولتها اغلب به نیازم دوم توجه می کنند، که این نیاز معطوف به موضوع کلی اعطای صلاحیت قانون گذاری به قوه مقننه است، که تنها مخصوص این قوه بوده و به قوه مجریه ربطی ندارد (همان: ۳۳۲).

### منزلت معاهدات بین المللی در نظام حقوقی افغانستان

حقوق دانان و نویسندگان افغانستان پیش از این که قانون اساسی جمهوری سوم (۱۳۸۲) تدوین شود، به جای گاه و ارزش معاهدات بین المللی توجه داشتند و در نوشته های خویش، قانون گذاران قانون اساسی (اعضای لویه جرگه قانون اساسی) را به این مسأله ترغیب و تشویق نمودند. نمونه ای از این مورد را می توان در مقاله ای از حمزه واعظی که از سوی کانون مطالعات و پژوهش های افغانستان (لندن) در کتابی تحت عنوان «قانون اساسی میثاق ملی» به نشر رسیده است، ملاحظه کرد. واعظی می نویسد: «قانون گذاران می باید توجه داشته باشند که افغانستان به عنوان عضوی از جامعه بین المللی در صورت می تواند حیثیت و وجهت خود را در نظام و روابط بین المللی به تر سازد که مؤلفه های تأثیر گذار و معتبر حاکم بر اصول روابط بین المللی را لحاظ نمایند. این اصول می تواند در محورهای ذیل خلاصه شوند:

الف. رعایت تعارض قانون اساسی با میانی و ارزش های عام دموکراسی؛

ب. رعایت منشور ملل متحد؛

ج. رعایت و بهره گیری از مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر، در مطابقت و متابعت کنوانسیون ها و معاهدات شناخته شده بین المللی در امور مختلف حقوقی، مثل کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان، کنوانسیون حقوق سیاسی و مدنی، کنوانسیون منع شکنجه و...

ه. استفاده و بهره گیری از تجربیات نظام های حقوقی کشورهایی مثل فرانسه و امریکا در تدوین قانون اساسی و تطبیق موازین دموکراسی» (زیوری، ۱۳۸۲: ۳۰۹).

باین حال، قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان (جمهوریت سوم) (۱۳۸۲) به عنوان آخرین قانون اساسی، مانند بسیاری از قوانین اساسی کشورهای دیگر، در باره ارزش و اعتبار معاهدات بین المللی امر صریح و روشن تعیین نکرده است، بل که تنها به گونه کلی به آنها اشاره هایی دارد. در مقدمه این قانون اساسی (۱۳۸۲) آمده است: «با رعایت منشور ملل متحد و با احترام به اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ و در فقره اول ماده (۷) آمده است که: «دولت منشور ملل متحد، معاهدات

بین‌الدول، میثاق‌های بین‌المللی که افغانستان به آن ملحق شده است و اعلامیه جهانی حقوق بشر را رعایت می‌کند». باین‌حال، ارزش و اعتبار معاهدات بین‌المللی را در نظام حقوقی افغانستان در زمان جمهوریت سوم، با توجه به ماده فوق می‌توان در چند زمینه توضیح داد:

### الف. برتری مقررات قانون اساسی بر معاهدات بین‌المللی

در نظام حقوقی افغانستان، این نظریه که مقررات قانون اساسی بر معاهدات بین‌المللی برتری دارد، از اصول و مواد مختلف قانون اساسی جمهوریت سوم (۱۳۸۲)، از جمله ماده (۳) قانون اساسی قابل استنباط است. ماده (۳) قانون اساسی مقرر می‌دارد: «در افغانستان هیچ قانونی نمی‌تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد». از این ماده چنین نتیجه گرفته می‌شود که هرگاه در میان تعهدات افغانستان در قبال یک معاهده بین‌المللی، که به آن ملحق شده است و «معتقدات و احکام» دین مقدس اسلام، تعارض به پیش آید، به «معتقدات و احکام» دین مقدس اسلام اولویت داده می‌شود؛ البته این نکته قابل ذکر است که برتر دانستن «معتقدات و احکام» دین مقدس اسلام پس از پذیرش و جذب معاهده بین‌المللی، یک امر داخلی است و فقط برای مقامات داخلی و محاکم کشور معتبر است. از نظر حقوق بین‌الملل برتری اصول داخلی بر تعهدات بین‌المللی قابل توجیه نیست، یعنی هرگاه قانونی از سوی مقامات مقننه کشور تصویب گردد، که به‌نحوی ناقض یک معاهده قبلی باشد و یا از سوی محاکم تعارض یک معاهده پیشین با اصولی مانند معتقدات و احکام دین مقدس اسلام شناسایی شود؛ در این صورت، موجب مسؤولیت بین‌المللی دولت افغانستان می‌گردد. بادنظر داشت موارد فوق، می‌توان گفت که در نظام حقوقی افغانستان در زمان جمهوریت سوم، ارزش معاهدات بین‌المللی کم‌تر از آن کشورهایی است که در آن‌ها معاهدات بین‌المللی به‌عنوان «قوانین عالیة کشور»<sup>۱</sup> شناخته شده‌اند؛ از جمله در بند (۲) اصل (۶) قانون اساسی امریکا، که معاهدات را در ردیف قانون اساسی شناخته است.

بنابراین، از فحوای احکام مندرج در مواد ۹۰، ۹۴، ۱۲۱ و ۱۶۲<sup>۲</sup> قانون اساسی مصوب سال ۱۳۸۲ هـ.ش. استنباط می‌گردد که احکام قانون اساسی افغانستان بر معاهدات و میثاق‌های بین‌المللی که دولت افغانستان به آن‌ها ملحق شده است برتری دارد.

<sup>۱</sup> Supreme Law of the Land.

<sup>۲</sup> ماده نودم: «شورای ملی دارای صلاحیتهای ذیل میباشد: ۱- تصویب، تعدیل یا لغو قوانین و یا فرامین تقنینی؛ ۲- تصویب پروگرامهای انکشافی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تکنالوژیکی؛ ۳- تصویب بودجه دولتی و اجازه اخذ یا اعطای قرضه؛ ۴- ایجاد واحدهای اداری، تعدیل و یا الغای آن؛ ۵- تصدیق معاهدات و میثاقهای بین‌المللی یا فسخ الحاق افغانستان به آن؛ ۶- سایر صلاحیتهای مندرج این قانون اساسی».

<sup>۳</sup> ماده نود و چهارم: «قانون عبارت است از مصوبه هر دو مجلس شورای ملی، که به توشیح رئیس‌جمهور رسیده باشد، مگر این‌که در این قانون اساسی طور دیگری تصریح گردیده باشد. در صورتی که رئیس‌جمهور با مصوبه شورای ملی موافقه نداشته باشد، می‌تواند آن را در ظرف پانزده روز از تاریخ تقدیم با ذکر دلایل

## ب. برتری معاهدات بین‌المللی از قوانین عادی

قانون عادی، مجموعه قواعد حقوقی، الزامی است که طبق حکم ماده ۹۴ قانون اساسی افغانستان طی مراحل گردیده باشد.<sup>۴</sup> قانون عادی از طرف مجلسین شورای ملی تصویب و بعد از توشیح رئیس جمهور کشور مرعی الاجرا می‌شود؛ مگر این که در خود قانون طور دیگر تصریح شده باشد.

از آن جایی که ماده (۷) قانون اساسی منزلت معاهدات را به وضوح بیان نمی‌کند، این نظر مطرح می‌شود که معاهدات بین‌المللی ارزشی برابر با قوانین عادی دارند؛ از این رو، در دید کلی در نظام حقوقی افغانستان، معاهدات بین‌المللی و قوانین عادی ارزش مساوی داشته و کلیه اصولی که بر روابط قوانین عادی حکم‌فرمایی می‌کند در روابط معاهدات بین‌المللی نیز معتبر می‌باشد؛ بنابراین، همان اصولی که در تعارض قوانین داخلی اجرا می‌گردد در موردی که بین معاهدات و قانون تعارض پدید آید، اعمال می‌گردد. این اصول عبارت‌اند از:

۱. حکم خاص لاحق ناقض حکم عام سابق است: به موجب این اصل هر معاهده یا قانون جدیدی که با قانون یا معاهده قدیم در مورد موضوعی مغایرت داشته باشد، در همان مورد خاص آن را نقض می‌کند؛
۲. حکم عام لاحق ناقض حکم خاص سابق نیست: به موجب این اصل معاهده یا قانون عام جدید ناقض قانون یا معاهده خاص قبلی نمی‌باشد؛
۳. حکم عام لاحق حکم عام سابق را نقض می‌کند: به موجب این اصل معاهده یا قانون جدیدی که با قانون یا معاهده قبلی کلاً مخالفت داشته باشد، آن را تماماً نقض می‌کند (ذوالعین، ۱۳۸۸: ۵۸۹).

با این حال، با امعان نظر دقیق‌تر به نظر می‌رسد برابری معاهده و قانون، که از نظر عده‌بی در نظام حقوقی افغانستان در زمان جمهوریت سوم پذیرفته شده، بر دلیل موجهی استوار نیست و حقیقت آن است که معاهدات از نظر ماهیت و وسعت و تشریفات بر قوانین داخلی کشورها برتری دارند. چنان‌که گفته شده در حقوق داخلی بسیاری از کشورها برتری معاهدات بین‌المللی بر قوانین داخلی پیش‌بینی

به ولسی جرگه مسترد نماید. با سپری شدن این مدت و یا در صورتی که ولسی جرگه آن را مجدداً با دو ثلث آرای کل اعضا تصویب نماید، مصوبه توشیح شده محسوب و نافذ می‌گردد.

<sup>۱</sup> ماده یک صدویست و یکم: «بررسی مطابقت قوانین، فرامین تقنینی، معاهدات بین‌الدول و میثاق‌های بین‌المللی با قانون اساسی و تفسیر آن‌ها بر اساس تقاضای حکومت و یا محاکم، مطابق به احکام قانون از صلاحیت ستره محکمه می‌باشد».

<sup>۲</sup> ماده یک صدوشصت و دوم: «این قانون اساسی از تاریخ تصویب لویه جرگه نافذ و از طرف رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان توشیح و اعلام می‌گردد. با انفاذ این قانون اساسی، قوانین و فرامین تقنینی معابر احکام آن ملغی می‌باشد».

<sup>۳</sup> قانون عبارت است از مصوبه هر دو مجلس شورای ملی، که به توشیح رئیس‌جمهور رسیده باشد؛ مگر این که در این قانون اساسی طور دیگری تصریح شده باشد.

<sup>۴</sup> جزء (۲) ماده (۳) قانون طرز طی مراحل، نشر و انفاذ اسناد تقنینی؛ منتشره جریده رسمی، شماره (۱۳۱۳) سال ۱۳۹۷ ه.ش.

شده است. در مورد برتری و عدم برتری اسناد بین‌المللی بر سایر قوانین و فرامین تقنینی افغانستان، احکام متعارضی در قوانین داخلی افغانستان تصریح شده است. در میان قوانین اساسی افغانستان از سال ۱۳۰۳ الی ۱۳۸۲ هـ.ش، تنها در قانون اساسی مصوب سال ۱۳۶۶، برتری معاهدات بین‌المللی بر قوانین عادی تصریح شد. ماده (۱۴۵) این قانون مقرر می‌دارد: «در صورتی که معاهدات و میثاق‌های بین‌المللی، که جمهوری افغانستان آن را عقد یا به آن الحاق نموده، مغایر احکام قوانین جمهوری افغانستان باشد، به معاهدات و میثاق بین‌المللی رجحان داده می‌شود». هم‌چنین در برخی از قوانین افغانستان، احکامی پیش‌بینی گردیده که از احکام مذکور، برتری معاهدات و میثاق‌های بین‌المللی، که دولت افغانستان به آن‌ها ملحق شده است، بر قوانین عادی استنباط شده می‌تواند؛ بنابراین، نظر غالب بر این است که بر اساس جزء (۶) فقره (۱) ماده (۹) قانون معاهدات و میثاق‌های بین‌المللی، فقره (۲) ماده (۱۱۱) قانون مالیات بر عایدات، ماده (۳۱) قانون مدنی، و سایر قوانین، معاهدات بین‌المللی بر قوانین عادی و فرامین برتری دارد (فروغ، ۱۳۹۹: ۷۴). جزء (۶) فقره (۱) ماده (۹) قانون معاهدات و میثاق‌های بین‌المللی مقرر می‌دارد: «معاهده‌یی که ایجاب تعدیل قانون نافذ را نماید». ماده (۱۱۱) قانون مالیات بر عایدات مقرر می‌دارد: «۱. در صورت مغایرت قراردادهای موافقت‌نامه‌ها و سایر اسناد تقنینی با احکام این قانون، قانون مالیات بر عایدات مرجح دانسته می‌شود؛ ۲. قراردادهای و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی منعقد شده میان دولت جمهوری اسلامی افغانستان و دول خارجی و مؤسسات ملل متحد از حکم مندرج فقره (۱) این ماده مستثنا است»<sup>۱</sup>. از این حکم استنباط می‌شود که قانون مالیات بر عایدات بر همه قوانین عادی ارجحیت داشته و معاهدات بین‌المللی نسبت به قانون مالیات بر عایدات برتری دارد. هرچند قانون مدنی افغانستان بیش‌تر موارد مربوط به حقوق خصوصی را تنظیم می‌کند، نه حقوق عمومی؛ اما با آن‌هم به اساس ماده (۳۱) این قانون،<sup>۲</sup> معاهدات بین‌المللی بر قانون مدنی برتری داده شده است.

در قانون تابعیت آمده است: «در صورت تعارض احکام این قانون با معاهدات بین‌المللی یا مقاولات دوجانبه بین دولت جمهوری اسلامی افغانستان و کشورهای خارجی طبق اصول اسلامی به مقاوله دو جانبه ترجیح داده می‌شود»<sup>۳</sup>. البته قید این ماده، که بر طبق اصول شریعت اسلامی به معاهدات برتری می‌دهد، خود جای بحث بسیار دارد (اعظمی، ۱۳۹۹: ۹۵).

اما با ملاحظه به مواد ۹۰، ۱۳۰ و ۱۳۱ قانون اساسی و قانون طرز طی مراحل، انفاذ اسناد تقنینی ما را دُچار وسوسه می‌کند. در ماده (۹۰) قانون اساسی، که در آن صلاحیت‌های شورای ملی توضیح

<sup>۱</sup>. قانون مالیات بر عایدات، منتشره جریده رسمی شماره (۹۷۶) مورخ ۱۳۸۷/۱۲/۲۸

<sup>۲</sup>. این ماده مقرر می‌دارد: «احکام مندرج مواد قبلی این قسمت در صورتی نافذ می‌باشد، که مخالف آن حکم دیگری در قانون اختصاصی یا معاهده بین‌الدول، که در افغانستان نافذ است، نباشد».

<sup>۳</sup>. این قانون در جریده رسمی شماره (۷۹۲) مورخ ۱۴۲۱/۳/۲۶ نشر شده حاوی ماده ۴۲ است.

داده شده است، در قدم نخست قوانین، فرامین تقنینی و بعد معاهدات و میثاق‌های بین‌المللی ذکر شده است؛ در مواد (۱۳۰) و (۱۳۱) محاکم را هدایت داده تا در رسیده‌گی قضایا احکام قانون اساسی و بعداً قوانین را تطبیق نمایند و در صورت عدم صراحت احکام قانون اساسی یا سایر قوانین در احوال خاص، که منظور شامل قضایای مدنی و احوال شخصیه می‌باشد، با استفاده از احکام فقه با رعایت حدود احکام قانون اساسی و تأمین عدالت، حکم صادر نمایند (رسولی، ۱۳۹۳: ۲۴). قانون طرز طی مراحل، انفاذ اسناد تقنینی نیز جای‌گاه معاهدات بین‌المللی را در ردیف چهارم، یعنی پس از قانون اساسی، قوانین عادی و فرامین تقنینی معین کرده است. ماده (۸) این قانون مقرر می‌دارد: «اسناد تقنینی مندرج در این قانون از حیث قوت به ترتیب ذیل قرار دارند: ۱. قانون عادی؛ ۲. فرمان تقنینی؛ ۳. اسناد حقوق بین‌الملل که افغانستان به آن‌ها ملحق شده باشد؛ ۴. اصول و وظایف داخلی مجلسین شورای ملی؛ ۵. مقرره‌ها و اساس‌نامه‌ها؛ و ۶. طرز‌العمل‌ها و لوایح».

طوری که از این قانون به‌صراحت معلوم می‌گردد، علاوه بر قانون اساسی، اسناد حقوق بین‌الملل که مراد از آن معاهدات بین‌المللی باشد، در ردیف سوم بعد از فرامین تقنینی قرار گرفته است. هم‌چنین قابل ذکر است که برای اولین بار اطلاق سند تقنینی در این قانون برای معاهدات بین‌المللی در نظر گرفته شده است (اعظمی، ۱۳۹۹: ۹۲)؛ درحالی‌که مطابق قانون معاهدات و میثاق‌های بین‌المللی، معاهده، سند تقنینی نبوده، بل که قراردادی است که میان دولت افغانستان و سایر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی منعقد می‌گردد.

بادر نظر داشت این مطالب، آشکار می‌گردد که هنوز منزلت معاهدات در نظام حقوقی افغانستان، به‌گونه صریح معین نشده است، باین‌حال دیدگاه غالب و هم‌چنین رویه عملی حاکم در زمان جمهوریت سوم، نشان از آن دارد که معاهدات بین‌المللی بر قوانین عادی برتری دارد.

### ج. برتری معاهدات نسبت به سایر مقررات و نظامات داخلی

حتا از این نظر که معاهدات بین‌المللی در ردیف قوانین عادی می‌باشند، نسبت به سایر احکام و نظام‌نامه‌ها اعم از مقرره‌ها، دستورالعمل‌ها، آیین‌نامه‌ها و ... که در مقامی پایین‌تر از از قوانین عادی هستند، برتری دارند. برتری قوانین و در نتیجه معاهدات بین‌المللی نسبت به سایر نظامات عادی از مواد مختلف قانون اساسی از جمله بند (۵) ماده (۹۰) که معاهدات و میثاق‌ها را نیازمند تصدیق (تصویب) قوه مقننه می‌داند؛ درحالی‌که مقرره‌ها و دستورالعمل‌ها نیازمند تصویب و تصدیق قوه مقننه نیستند؛ همین‌گونه فقره اول ماده (۹۴) قانون اساسی که قانون را تعریف می‌کند و آن مصوبه هر دو مجلس که به توشیح رئیس‌جمهور رسیده باشد، می‌داند؛ هم‌چنین ماده (۱۲۱) قانون اساسی، که مسأله بررسی مطابقت قوانین، فرامین تقنینی، معاهدات بین‌الدول و میثاق بین‌المللی با قانون اساسی



و تفسیر آن‌ها را مطرح می‌کند؛ و ماده (۱۳۱) قانون اساسی که محاکم را ملزم می‌سازد در قضایای مورد رسیدگی، احکام قانون اساسی و سایر قوانین را تطبیق کنند، قابل استنباط است.

#### د. منزلت تعهدات قوه مجریه؛ تعهدات بی‌نیاز از تصویب

بسیاری از تعهدات بین‌المللی ممکن است به صورت‌هایی غیر از معاهده و میثاق، یعنی به صورت موافقت‌نامه‌های به شکل ساده، اعلامیه‌های یک‌جانبه و دوجانبه، مبادله دادداشت‌ها و غیره باشد. این نوع تعهدات معمولاً توسط قوه مجریه و بدون دخالت قوه مقننه و تشریفات تصدیق (تصویب) صورت می‌گیرد و بنابراین، مشمول ماده (۷) قانون اساسی که: «دولت منشور ملل متحد، معاهدات بین‌الدول، میثاق‌های بین‌المللی بی‌نیاز از افغانستان به آن ملحق شده است و اعلامیه جهانی حقوق بشر را رعایت می‌کند»، نمی‌شود و این قبیل توافق‌نامه‌ها نمی‌توانند با استناد ماده (۷) قانون اساسی در حکم قوانین به‌شمار آیند؛ بنابراین، به‌طور کلی هر شکل دیگری از تعهدات بدون تصویب شورای ملی، در موارد معین در صورت تناقض بی‌اعتبار و کان لم یکن خواهد بود.

#### هـ. وضع خاص منشور ملل متحد؛ اصل برتری میان تعهدات

به نظر عده‌یی از نویسندگان<sup>۱</sup> منشور ملل متحد بدون چون‌وچرا مقدم بر حقوق داخلی کشورهای عضو سازمان ملل متحد است. «این نتیجه است که از تلفیق بند (۲) ماده (۲) درباره الزام اعضا به این که تعهداتی را که بنابر منشور تقبل نموده‌اند، با حسن نیت انجام دهند و ماده (۱۰۳)، که ذکر آن رفت، استخراج می‌گردد؛ بنابراین، با توجه به ماده (۲) و (۱۰۳) منشور سازمان ملل متحد و با استناد به اصل برتری معاهدات بین‌المللی نسبت به قانون داخلی به جرئت می‌توان گفت که منشور محققاً و قطعاً مافوق حقوق ملی کشورهای عضو سازمان می‌باشد (ذوالعین، ۱۳۸۸: ۵۹۳). کشورها نمی‌توانند قواعدی مغایر با اصول و اهداف منشور و دیگر قواعد ماهوی آن در قانون اساسی و یا سایر قوانین خود پیش‌بینی کنند (نژندی منش، ۱۳۹۷: ۳۴۱). این قاعده چنان پایه‌دار است که حتا بر دولت‌های غیر عضو نیز تسری می‌یابد.<sup>۲</sup>

اکنون با توجه به این که در حقوق داخلی افغانستان به‌گونه کلی سخن از تقدم معاهدات بین‌المللی نرفته است، باید دید وضع منشور در نظام حقوقی افغانستان چه‌گونه است. از آنجایی که در منشور امتیاز خاصی برای این سند نسبت به سایر معاهدات بین‌المللی مقرر گردیده است، بنابراین، امتیاز منشور را بر قوانین داخلی افغانستان نیز می‌توان تعمیم داد و نتیجه گرفت که در صورت بروز اختلاف میان مقررات منشور و قوانین داخلی افغانستان، اولویت با مقررات منشور خواهد بود. در توجیه این

<sup>۱</sup> گزارش «کنگره حقوق بین‌المللی هامبورگ؛ حمل ۱۳۴۴» از آقای احمد مرفندرسکی.

<sup>۲</sup> بند ۶ ماده ۲ منشور مقرر می‌دارد: «سازمان مراقبت خواهد کرد کشورهایی که عضو ملل متحد نیستند تا آنجا که برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ضروری است بر طبق این اصول عمل نمایند».

اولویت می‌توان گفت چون منشور معاهده است و حکم قانون خاص را دارد بر عموم قوانین افغانستان برتری دارد، اما این برتری در حال به حدی نخواهد بود که بتواند ناقص مقررات قانون اساسی کشور باشد. با این توضیح، منشور از لحاظ ارزش در فاصله‌ی بین قوانین عادی و قانون اساسی افغانستان، مثل سایر معاهدات بین‌المللی جای دارد و از قوانین عادی به صورت قطع برتر است. برتری یا وضعیت خاص منشور از دو جهت قابل بررسی است، نخست این که براساس مواد قانون اساسی و سایر اسناد تقنینی افغانستان، به منشور توجه ویژه صورت گرفته است. از این رو، در میان معاهدات بین‌المللی، که افغانستان به آن‌ها ملحق شده است، منشور ملل متحد وضع خاصی دارد. این وضعیت از ذکر منشور در مقدمه<sup>۱</sup> و فقره اول ماده (۷)<sup>۲</sup> قانون اساسی به وضوح استنباط می‌گردد.

### منزلت معاهدات منعقدہ با سازمان‌های بین‌المللی

معاهده (۱۹۸۶) وین، همان‌طور که از عنوان نسبتاً بلند آن بر می‌آید، ناظر بر دو دسته از معاهدات است: ۱. معاهدات میان سازمان‌های بین‌المللی (که در این زمینه به آن غرض نداریم)؛ و ۲. معاهدات میان سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌ها.

معاهدات میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی تنوع بسیار دارند و کلاً مسائلی را در بر می‌گیرند که به صورتی معین، روابط حقوقی سازمان‌های بین‌المللی را با دولت‌های عضو (یا غیر عضو) تنظیم می‌کند. از جمله این معاهدات می‌توان به موافقت‌نامه‌های مقرر، موافقت‌نامه‌های مدیریتی، موافقت‌نامه‌های پرداخت وام، موافقت‌نامه‌های مربوط به مشارکت دولت‌ها در عملیات مرتبط با حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و موافقت‌نامه‌های مربوط به عملیات حفظ صلح اشاره کرد (فلسفی، ۱۳۹۱: ۹۸۹).

### الف. منزلت معاهدات منعقدہ با سازمان‌های بین‌المللی در قوانین داخلی

در فقره اول ماده (۷) قانون اساسی معاهدات و میثاق‌های بین‌المللی به‌گونه اعم ذکر شده است و هیچ نوع تفکیک میان معاهدات و میثاق‌هایی که دولت افغانستان با دولت‌های دیگر و یا سازمان‌های بین‌المللی منعقد می‌گردد، قایل نشده است. در قانون معاهدات و میثاق‌های بین‌المللی نیز این تفکیک مطرح نیست، بل که معاهده را توافق کتبی دولت جمهوری اسلامی افغانستان با دولت‌های خارجی، مؤسسات بین‌المللی یا سازمان‌های بین‌الحکومتی می‌داند.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> با رعایت منشور ملل متحد.....

<sup>۲</sup> دولت منشور ملل متحد..... را رعایت می‌کند.

<sup>۳</sup> بند (۱) ماده سوم قانون معاهدات و میثاق‌های بین‌المللی.

عدم توجه تدوین‌کنندگان قانون اساسی به اهمیت روزافزون سازمان‌های بین‌المللی موجب گردید که در هنگام تدوین قانون اساسی احتمال این که ممکن است روزی معاهدات میان افغانستان و سازمان‌های بین‌المللی انعقاد یابد در نظر گرفته نشود. امروز باتوجه به توسعه و گسترش این قبیل مؤسسات، خصوصاً به‌وجودآمدن سازمان ملل متحد، که به موجب بند (۳) از ماده (۴۳) و بند (۳) از ماده (۱۰۵) منشور ملل متحد، حق انعقاد معاهدات با دولت‌های عضو و حتا در مواردی با دولت‌های غیر عضو را دارد و همچنین سازمان‌های تخصصی وابسته به این سازمان، این نقیصه قانون اساسی بیش‌تر آشکار می‌گردد.

عدیهی از نویسنده‌گان به این نظر اند که «مفاد پیمان‌های منعقدہ با سازمان‌های بین‌المللی را باید از لحاظ حقوقی مقدم بر موازین حقوق داخلی کشورها دانست. این تقدم از طرفی مبتنی بر اصل تفوق معاهدات بین‌المللی نسبت به حقوق ملی و از طرف دیگر مبتنی بر لزوم رعایت وفای به تعهدات ناشی از تعلق به سازمان ملل متحد می‌باشد» (ذوالعین، ۱۳۸۸: ۵۹۵).

اما تصمیمات یا قطع‌نامه‌هایی که سازمان‌های بین‌المللی یا ترتیبات و آیین‌های مقرر در اسناد مؤسس خود اتخاذ می‌کنند، اگرچه با رأی اعضای این سازمان‌ها به ثمر می‌نشینند، از آن پس، به منزله عمل یک‌جانبه سازمان شناخته می‌شوند؛ به عبارت دیگر، این تصمیمات اگرچه با اتفاق یا موافقت اکثریت اعضای سازمان گرفته می‌شوند، به منزله قرارداد میان این اعضا قلم‌داد نشده و محصول آن به سازمان مربوطه منتسب می‌شود؛ بنابراین، اگر افغانستان معاهده مؤسس یک سازمان بین‌المللی را پذیرفته باشد، ممکن است حسب مقررات آن سازمان، به قبول برخی تصمیمات سازمان متعهد شود؛ اعم از آن که با آن تصمیمات موافق بوده باشد یا نه.<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد قبول این تصمیمات نیازمند تصویب بعدی دولت افغانستان نخواهد بود، چراکه این‌ها از محدوده قرارداد اصلی، که همان سند تأسیس سازمان بوده و بنابر آن چنین اختیاراتی به سازمان اعطا شده است، خارج نیستند (خلف رضایی، ۱۳۹۶: ۱۴۹).

بنابراین، تصمیمات سازمان تا جایی که در چهارچوب توافق اصلی یا اساس‌نامه مصوب دولت باشد، به تصویب بعدی دولت‌های عضو نیازی ندارد، اما هرگاه تصمیم ناظر بر اصلاح یا بازنگری در سند مؤسس سازمان باشد، که نتیجه آن توافق‌نامه‌یی اصلاحی به‌شمار خواهد آمد، موضوع، صورت دیگری به خود خواهد گرفت. در این موارد همان تشریفات قبول موافقت‌نامه اولیه در مورد موافقت‌نامه اصلاحی نیز اعمال خواهد شد. مانند اصلاحات وارد بر موارد ۲۳، ۲۷ و ۶۱ منشور ملل متحد که افغانستان سند تصویب آن را در ۲۵/۰۲/۱۹۶۵ تودیع نمود. هم‌چنین اصلاحات وارد بر ماده ۱۰۹ منشور که افغانستان در ۱۶/۱۱/۱۹۶۵ سند تصویب آن را به سازمان ملل متحد تودیع

۱. ماده (۲۵) منشور سازمان ملل متحد مقرر می‌دارد: «اعضای ملل متحد موافقت می‌نمایند که تصمیمات شورای امنیت را بر طبق این منشور قبول و اجرا نمایند».

نمود؛ و اصلاح ماده (۶۱) منشور ملل متحد که افغانستان در ۲۰/۰۹/۱۹۷۳ سند تصویب آن را به سازمان ملل متحد تودیع نمود.

درواقع، اگرچه دولت‌ها با پیوستن به یک سازمان بین‌المللی، برخی صلاحیت‌ها را به سازمان واگذار می‌کنند و به همان نسبت محدودیت‌هایی بر صلاحیت‌های خود پذیرا می‌شوند، این به معنای اعطای «صلاحیت در صلاحیت» به سازمان نیست، بدین معنا که سازمان قادر باشد به صلاح دید خود صلاحیت‌های خود را تغییر دهد و از حدود تعیین شده در سند تأسیس خود فراتر رود.

در وضعیت الحاق به اساس نامه مراجع قضایی بین‌المللی و قبول صلاحیت‌های محاکم نیز مسأله مذکور جاری است. بر این اساس، هرگاه مرجع قضایی مورد بحث تصمیمی قطعی و لازم‌الاجرا صادر کرد، طرف دعوا که صلاحیت‌های آن مرجع را پذیرفته‌اند، ملزم به اجرای آن خواهند بود. البته به عنوان یک اصل یا فرض کلی خود سازمان یا مرجع رسیده‌گی‌کننده صلاحیت‌های خود را احراز کرده و اصل بر آن است که تصمیمات آن نهاد در چهارچوب صلاحیت‌های آن صورت پذیرد (همان: ۱۵۰).

### ب. اعمال تصمیمات لازم‌الاجرای سازمان‌های بین‌المللی

یکی از ویژه‌گی‌های جالب حقوق بین‌الملل نوین این است که سازمان‌های بین‌المللی حق دارند تصمیمات لازم‌الاجرائی را اتخاذ نمایند که برخی از آن‌ها متضمن قواعد دارای آثار بیرونی<sup>۱</sup> هستند، و برخی دربرگیرنده اقدامات اجرایی، یعنی تصمیمات لازم‌الاجرا در خصوص فعالیت داخلی سازمان. این تصمیمات برای عملی شدن باید در سطح ملی به اجرا درآیند. این امر، به‌ویژه در مورد اقداماتی نظیر تحریم‌های سیاسی و اقتصادی اتخاذ شده از سوی شورای امنیت ملل متحد، برای مثال تحریم اتخاذ شده علیه آفریقای جنوبی، رودزیای جنوبی، عراق، جمهوری فدرال یوگسلاوی (صربستان و مونتنگرو) و موارد دیگر، هم‌چنین در مورد اساس‌نامه‌های دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق و دیوان بین‌المللی کیفری رواندا، که توسط شورای امنیت در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴، در چهارچوب تصمیمات متخذه براساس فصل هفتم منشور ملل متحد ایجاد گردیدند، صدق می‌کند. اجرای مقررات، دستورالعمل‌ها و سایر تصمیمات اتخاذی سازمان‌های وابسته به اتحادیه اروپا نیز از اهمیت زیادی برخوردار هستند (کاسسه، ۱۳۹۱: ۳۳۵).

معمولاً نظام‌های حقوقی ملی هیچ‌گونه مقررۀ خاصی در زمینه الحاق خود به خود یا ویژه تصمیمات سازمان‌های بین‌المللی ندارند؛ البته موارد استثنایی هم در قانون اساسی کشورهای نظیر

1. Outside

هالند، یونان و اسپانیا<sup>۱</sup> و یا رویه قضایی کشورهایمانند فرانسه<sup>۲</sup> و اسپانیا<sup>۳</sup> وجود دارد. این دولت‌ها نگرش تازه‌یی با محوریت بین‌المللی برگزیده‌اند (همان: ۳۳۶).

با تصریح این مطلب که احکام و تصمیمات سازمان‌های بین‌المللی میان دولتی تنها با چاپ آن‌ها در روزنامه رسمی دولت، در نظام حقوقی داخلی لازم‌الاجرا می‌گردند<sup>۴</sup> (گفته می‌شود اغراق آمیز است که ادعا شود چنین احکام و تصمیماتی به صرف این امر و حتا بدون انتشار در روزنامه رسمی دولت ذی‌ربط، لازم‌الاجرا گردند. از آن‌جا که معمولاً هیچ‌گونه نظارت قضایی بر اقدامات لازم‌الاجرای سازمان‌های بین‌المللی وجود ندارد، به نظر می‌رسد دولت‌ها حق دارند در مورد مشروعیت چنین تصمیمات موشکافی نمایند؛ یعنی قبل از اِعمال و اجرای آن‌ها در سطح داخلی، بررسی کنند که آیا این تصمیمات با قواعد سازمان بین‌المللی مربوطه مطابقت دارد یا نه) (همان: ۳۳۷).

در نظام حقوقی افغانستان در زمان جمهوریت سوم هیچ قاعده و مقرره‌یی در زمینه چه‌گونه‌گی اجرای تصمیمات لازم‌الاجرای سازمان‌های بین‌المللی، به‌خصوص سازمان‌های بین‌المللی که افغانستان عضویت آن‌ها را دارد، وجود ندارد؛ اما از آن‌جا که فقره اول ماده (۷) قانون اساسی مقرر می‌دارد که: «دولت منشور ملل متحد، معاهدات بین‌الدول، میثاق‌های بین‌المللی که افغانستان به آن ملحق شده است و اعلامیه جهانی حقوق بشر را رعایت می‌کند»؛ دولت افغانستان در قدم نخست متعهد به رعایت منشور ملل متحد و سپس ملزم به رعایت تعهدات است که منشور ملل متحد بر دولت‌های عضو بار می‌کند. با استناد به این ماده (۷) باتوجه به ماده (۲۵) منشور ملل متحد، که مقرر می‌دارد: «اعضای ملل متحد موافقت می‌نمایند که تصمیمات شورای امنیت را بر طبق این منشور قبول و اجرا نمایند»، به نظر می‌رسد تصمیمات (قطع‌نامه‌های) لازم‌الاجرای سازمان ملل متحد،

۱. اصل (۹۲) قانون اساسی اسپانیا مقرر می‌دارد: «از طریق وضع یک قاعده‌یی اساسی می‌توان انعقاد معاهداتی را اجازه داد، که ناظر بر نهاد یا سازمان بین‌المللی است، که صلاحیت‌های قانونی برگرفته از قانون اساسی را اعمال می‌کند. به عهده پارلمان یا حکومت است که به صلاح‌دید، اعمال این معاهدات و قطع‌نامه‌های سازمان‌های بین‌المللی یا فراملی را، که از این ره‌گذر ذی‌صلاح گردیده‌اند، تضمین نماید».

۲. در تصمیم ۸ نوامبر ۱۹۶۳ دادگاه استیناف (بخش کیفری) فرانسه، فصل پنجم از ضمیمه نهم، که از سوی شورای حکام ایکائو پذیرفته شده، با اساس‌نامه سازمان یک‌سان تلقی شده است؛ در نتیجه به منظور این‌که جزء ضمایم و مقرراتی تلقی شوند که در مجله رسمی منتشر شده تا در نظام حقوقی فرانسه لازم‌الاجرا گردند، کفایت می‌کند. همچنین در تصمیم ۳۰ دسامبر ۱۹۷۷ شورای قانون اساسی پذیرفته شده که قدرت الزام‌آور مقررات شورای اروپایی در فرانسه، پیامد مستقیم تعهدات بین‌المللی‌یی است که قبلاً از سوی دولت فرانسه پذیرفته شده است.

۳. در نظریه ۹ سپتامبر ۱۹۹۳، شماره ۹۸۴/۹۳ شورای دولتی پذیرفت که در پرتو اصل (۱) ۹۶ قانون اساسی، قطع‌نامه‌های آن دست از سازمان‌های بین‌المللی که اسپانیا عضو آن‌هاست، مشابه معاهداتی است که این دولت آن‌ها را پذیرفته است. در نتیجه، این قطع‌نامه‌ها به محض این‌که در سطح بین‌المللی به منصفه ظهور رسیدند و در مجله رسمی اسپانیا منتشر گردیدند، خود به خود به نظام حقوقی داخلی تبدیل می‌شوند. مع‌هذا انتشار در مجله رسمی سازمان مربوطه، اگر در سند تأسیس سازمان پیش‌بینی شده باشد، می‌تواند کافی تلقی گردد.

در عمل کرد دولت اسپانیا، قطع‌نامه‌های لازم‌الاجرای شورای امنیت (برای مثال قطع‌نامه‌های مربوط به عراق و یوگسلاوی سابق)، در مجله رسمی منتشر گردیدند و از این حیث به‌صورت خود به خود در نظام حقوقی اسپانیا لازم‌الاجرا تلقی هستند.

۴- در مورد اجرای تصمیمات جوامع اروپایی در سطح ملی، وضعیت به گونه دیگر است. قراردادهای ایجادکننده این جوامع تصریح می‌کنند که در حوزه نظام حقوقی ملی دولت‌های مختلف عضو قرارداد، مقررات «مستقیماً قابل اجرا هستند» (ماده ۲۴۹ جامعه اروپا). و اما در مورد دستور العمل‌ها، رویه قضایی دیوان دادگستری اروپا تصریح می‌دارد که این دستور العمل‌ها حداقل در سه مورد، مستقیماً در حوزه نظام حقوقی دولت‌ها قابل اجرا هستند. در موارد دیگر باید توسط هر دولت عضو قوانین اجرایی وضع شود.

به ویژه قطع نامه های شورای امنیت، باید از سوی دولت افغانستان رعایت شوند و این کشور نمی تواند تصمیمات را اتخاذ نماید که خلاف مفاد این قطع نامه ها باشد.

### مناقشه تحقیق

در مورد منزلت معاهدات بین المللی در نظام های حقوقی، دیدگاه های متفاوت مطرح است؛ این امر ناشی از روی کردهای مختلف داخلی کشورها نسبت به معاهدات بین المللی می باشد. از این رو، با دید کلی مشخص می شود که دولت ها نسبت به منزلت معاهدات بین المللی دو دیدگاه مخالف دارند؛ در حالی که تعدادی از دولت ها معاهدات بین المللی را نسبت به قوانین داخلی خویش برتر می دارند و به محض پذیرش، جزو قوانین آن کشورها تلقی می گردد. تعداد دیگری از کشورها، ضمن این که معاهدات را پایین تر از قوانین داخلی دانسته، اجرای آن ها را نیز منوط به پذیرش مجالس ملی خویش می نمایند. در جمهوریت سوم افغانستان، ضمن این که الحاق و پذیرش معاهدات برای اجرایی نمودن الزامی بود، رویکرد دیگری را که عبارت از تبدیل مفاد مقررات معاهدات به قوانین داخلی باشد، اتخاذ نموده است؛ لذا منزلت معاهدات بین المللی در نظام حقوقی افغانستان در سطوح کلان، مانند سایر دولت ها مشخص نیست و مفاد آن ها نیز پس از این که در قالب قوانین داخلی ارائه شود، قابل اعمال است؛ بنابراین، در این مقاله با توجه به رویکرد خاصی که تاکنون نظام حقوقی افغانستان نسبت به معاهدات بین المللی داشته است، به تبیین منزلت معاهدات بین المللی در قالب قوانین جمهوریت سوم پرداخته شده و نتایج زیر به دست آمده است.

### نتیجه گیری

با آن که از دیرباز در افغانستان دولت قدرت مند و قانون مندی وجود ندارد و غالب دولت ها (حکومت ها)ی این کشور ورشکسته بوده اند، این کشور به تعداد بسیار زیادی از معاهدات بین المللی در زمان جمهوریت سوم محقق شده است. یک نظرسنجی ابتدایی نشان می دهد که افغانستان نسبت به بسیاری از دولت های هم جوار خود به اسناد بین المللی بیش تری پیوسته است؛ اما به گونه کلی رویکرد افغانستان در پیوستن به معاهدات بین المللی به هیچ وجه یک گونه و دارای رویه واحد نبوده است. شاید این امر ناشی از آن باشد که حکومت های حاکم پیرو اندیشه واحد نبوده اند. چنان که گاه اندیشه های لیبرال دموکراسی، در زمانی اندیشه های مارکسیستی و غالباً باورهای اسلامی حاکم بوده است. از جهت دیگر، نظام های حاکم نیز از شاهی گرفته تا جمهوری، جمهوری خلق، دولت اسلامی و امارت اسلامی بر این سرزمین حکم رانده اند. بدین ملحوظ نحوه و رویه جذب معاهدات بین المللی واحد و منسجم نیست، بل که عده ای از این حکومت ها به گونه سخت گیرانه در برابر معاهدات

بین‌المللی عمل کرده‌اند و تعداد دیگری بی‌محابا به سمت پذیرش معاهدات رفته‌اند و عده‌ی دیگری، در حد میان این دو رویه رفتار کرده‌اند.

بنابراین، با توجه به وضعیت حاکم بر این کشور، غالب معاهدات بین‌المللی به‌ویژه معاهدات حقوق بشری پذیرفته شده است؛ اما در عمل و بنابر سازوکار خاص حاکم در نظام حقوقی افغانستان در زمان جمهوریت سوم، معاهدات به‌گونه‌ی مستقیم در محاکم این کشور قابل استناد نبودند، بل که مفاد معاهدات پذیرفته شده باید در قالب قوانین عادی کشور منعکس شود تا قضات بتوانند به آن‌ها استناد کنند؛ با این حال، رویه عملی به‌گونه‌ی است که منزلت معاهدات بین‌المللی را در اسناد تقنینی، حتی پایین‌تر از فرمان‌های تقنینی رئیس‌جمهوری قرار داده‌اند و به آسانی سخنی از تعهدات معاهداتی در اداره‌های دولت مطرح نیست، هرچند در دکترین و نظریات اندیش‌مندان، منزلت معاهدات بین‌المللی پایین‌تر از قانون اساسی و بالاتر از قوانین عادی قرار می‌گیرد.

### سرچشمه‌ها

الف. کتاب‌ها

۱. خلف رضایی، حسین. (۱۳۹۶). **موفقت‌نامه‌های بین‌المللی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با بررسی تحلیلی نظرات شورای نگهبان**. چ دوم. تهران: انتشارات پژوهش‌کده شورای نگهبان.
۲. ذوالعین، پرویز. (۱۳۸۸). **مبانی حقوق بین‌الملل عمومی**. چ ششم. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۳. رسولی، محمد اشرف. (۱۳۹۳). **اصول، روش و فنون قانون‌گذاری**. چ اول. کابل: انتشارات سعید.
۴. زیوری، سید اکبر. (۱۳۸۲). **قانون اساسی میثاق ملی** (مجموعه مقالات). چ اول. کابل: نشر کانون مطالعات و پژوهش‌های افغانستان (لندن)، چاپ‌خانه جیحون.
۵. فلسفی، هدایت‌الله. (۱۳۹۱). **حقوق بین‌الملل معاهدات**. چ سوم. تهران: فرهنگ نشر نو.
۶. کاسسه، آنتونیو. (۱۳۹۱). **حقوق بین‌الملل**. ترجمه حسین شریفی طرازکوهی. چ سوم. تهران: نشر میزان.
۷. نژندی منش، هبت‌الله. (۱۳۹۷). **حقوق بین‌الملل عمومی معاصر (از حاکمیت‌محوری تا بشردماری)**. چ اول. کابل: انتشارات امیری.

ب. مقاله‌ها

۸. اعظمی، امرالله. (میزان ۱۳۹۹). «تعارض معاهدات بین‌المللی با قوانین در نظام حقوقی افغانستان». کابل: عدالت، ماهنامه تخصصی-حقوقی و فرهنگی. سال بیست و دوم. شماره ۲۱۲.

۹. فروغ آصفی، عبدالقهار. (اسد ۱۳۹۸). «تصویب معاهدات بین‌المللی». کابل: عدالت، ماهنامه تخصصی - حقوقی و فرهنگی. سال بیستم. شماره ۱۹۸.

پ. قوانین و اسناد

۱۰. قانون اساسی جمهوری افغانستان. مصوب ۹ قوس ۱۳۶۶ ه.ش.

۱۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان. مصوب ۶ دلو ۱۳۸۲ ه.ش.

۱۲. قانون معاهدات و میثاق‌های بین‌المللی. مصوب ۱۳۹۵ ه.ش.

۱۳. قانون تابعیت افغانستان. جریده رسمی. شماره مسلسل (۷۹۲) سال ۱۴۲۱ ه.ق.

۱۴. قانون طی مراحل اسناد تقنینی. جریده رسمی. شماره مسلسل (۱۳۱۳)، سال ۱۳۹۷.

۱۵. کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات. مصوب ۱۹۶۹.

۱۶. کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی یا میان سازمان‌های بین‌المللی. مصوب ۱۹۸۶.

۱۷. منشور ملل متحد. مصوب ۱۹۴۵.

۱۸. میثاق جامعه ملل. مصوب ۱۹۱۹.

ج: انگلیسی

19. Galland, Morgan and Another's. (2011). **an Introduction to the International Law for Afghanistan**. First edition. Kabul: Afghanistan Legal Education Project (ALEP), at Stanford Law School.





## Content

Number	Title	Author/ Authors	Page
1	Postpartum care and Complication in pregnant women Herat-Afghanistan	Associated Prof. Dr. Nasar Ahmad Shayan and...	1-14
2	Prevalence and pattern of acute appendicitis in Herat Regional Hospital, 2017-2018	Clinical Lecturer Dr. Abdul Jalil Rasouli and ...	15-26
3	The future of industries in the light of artificial intelligence	Ahmad Nawid Aryan Kambakhsh	27-43
4	Transtextuality critique of the novels "Dar Hazar" and "Dar Safar" by Mahshid Amirshahi	Ameneh Erfanifard and Dr. Alireza pourshabanan	47-64
5	Pathology of Noise Pollution Crisis	Aliullah Azad and ...	65-80
6	The status of international treaties in the Afghan legal system	Fazal Ahmad Ahmadi	81-98

## ره‌نمای نویسنده‌گان فصل‌نامه غالب

فصل‌نامه علمی - پژوهشی غالب، نشریه‌ی علمی - پژوهشی در حوزه علوم طبیعی و علوم اجتماعی است. مقالات در این دو حوزه (علوم اجتماعی و علوم طبیعی) در این فصل‌نامه قابل چاپ است.

### شرایط پذیرش مقالات

#### ۱. ویژه‌گی‌های کلی

- مقاله باید نتیجه تحقیقات نویسنده / نویسنده‌گان باشد و در آن، نکته‌هایی تازه طرح و شرح شده باشد؛
- حفظ امانت در نقل گفته‌ها و نظرهای دیگران ضروری است، و باید با ارجاع دقیق به منابع معتبر همراه باشد؛
- مقاله نباید در نشریه دیگری منتشر یا هم‌زمان به نشریه دیگری فرستاده شده باشد؛
- چاپ و نشر مقاله مشروط به تأیید نهایی هیئت تحریر، داوران و مدیرمسئول فصل‌نامه غالب است؛
- گواهی پذیرش مقاله، پس از تأیید سردبیر، به حساب شخصی (ایمیل) نویسنده ارسال می‌گردد؛
- مسؤلیت مطالب و محتوای مقاله برعهده نویسنده / نویسنده‌گان است؛
- نشریه در ویرایش ادبی و فنی مقاله، برطبق موازین علمی، آزاد است؛
- حجم مقاله نباید بیش از ۷۰۰۰ (هفت‌هزار) واژه باشد (بدون چکیده انگلیسی)؛
- نام و نام خانوادگی و رتبه علمی و پوهنتون / دانش‌گاه محل تدریس یا تحصیل و رشته تحصیلی نویسنده / نویسنده‌گان و هم‌چنین، ایمیل دانش‌گاهی نویسنده مسؤول، شناسه علمی (Orcid) و شماره تلفن همراه او حتماً در مقاله قید شود؛
- مشخصات همه نویسنده‌گان باید در مقاله، به این شرح، نوشته شود:  
سیمت نویسنده یا نویسنده‌گانی که عضو هیئت علمی هستند (اعم از پوهنیار، پوهنمل، پوهندوی، پوهنوال و پوهاند/ برای نویسنده‌گان خارجی،

مرتب‌های علمی رایج‌شان)، و نیز گروه / دیپارتمنت درسی و پوهنتون / دانش‌گاه محلّ تدریس آنان باید مشخص شود؛ وگرنه از عنوان «دانش‌جو» یا «دانش‌آموخته» با ذکر رشته و دانش‌گاه محلّ تحصیل استفاده شود.

- ارسال مقاله از طریق وبسایت مجله ([www.ghalibqjournal.com](http://www.ghalibqjournal.com)) امکان‌پذیر است؛
  - مقالات دانش‌جویان فوق لیسانس و دکترا و نیز دانش‌آموخته‌گان فوق لیسانس باید با نظارت مؤثر یکی از اعضای هیئت علمی دارای دکترای تخصصی یا یک دانش‌آموخته دکترا، تألیف و نام او نیز جزء اسامی نویسنده‌گان قید شود.
- یادآوری:** ترتیب ذکر نام نویسنده‌گان و درج عنوان «نویسنده مسؤول» در گواهی پذیرش براساس اطلاعاتی است که نویسنده مسؤول در مقاله در زمان ارسال آن وارد کرده است؛ بنابراین، ضروری است ترتیب نام نویسنده‌گان و انتخاب «نویسنده مسؤول»، قبل از ارسال مقاله، به اجماع نظر نویسنده‌گان مقاله رسیده باشد. به هیچ‌وجه، تغییر سِمَت و ترتیب ذکر نام نویسنده‌گان بعد از صدور گواهی پذیرش امکان‌پذیر نیست.

## ۲. اجزای مقاله

- **عنوان مقاله:** باید گویا و بیان‌گر محتوای آن باشد؛
- **چکیده فارسی / پشتو:** شامل ۲۰۰-۲۵۰ کلمه در آغاز مقاله (با اندازه قلم ۱۱) و **چکیده انگلیسی پس از چکیده فارسی / پشتو** (با همان تعداد کلمه و با اندازه قلم ۱۰) تنظیم می‌شود. اجزای چکیده به ترتیب از این قراراند: بیان مسأله، اهمیت و ضرورت تحقیق، هدف / اهداف، پرسش / پرسش‌ها، روش، نوع و ابزار و یافته‌های تحقیق.
- **واژه‌گان کلیدی:** در انتهای دو چکیده فارسی / پشتو و انگلیسی (شامل ۳ تا ۹ واژه تخصصی مرتبط با موضوع مقاله مذکور در چکیده) می‌آید؛
- **مقدمه: (علوم اجتماعی)** باید شامل «بیان مسأله»، «اهمیت و ضرورت تحقیق»، «پیشینه تحقیق»، «هدف / هدف‌ها»، «پرسش / پرسش‌ها»، «فرضیه / فرضیه‌ها (اگر کتاب‌خانه‌یی باشد اختیاری و اگر میدانی باشد حتمی است)» («روش، نوع، محدوده، جامعه

آمارى و ابزار تحقيق»، «يافته‌هاى تحقيق» و «مفيديت تحقيق براى جامعه افغانستان و جهان».

**(علوم طبيعى / طبى)** بايد شامل «بيان مسأله»، «اهميت و ضرورت تحقيق»، «پيشينه تحقيق (اشاره تحليلى و توصيفى به تحقيقات مشابه و پيشين و بيان ويژه‌گى و تفاوت تحقيق خود با ديگران)»، «هدف / هدف‌ها»، «پرسش / پرسش‌ها»، «فرضيه / فرضيه‌ها»، «يافته‌هاى تحقيق» و «مفيديت تحقيق براى جامعه افغانستان و جهان».

**نکته<sup>۱</sup>:** براى مقاله‌هاى طبى، بعد از مقدمه، مواد و

روش تحقيق مى‌آيد؛

**نکته<sup>۲</sup>:** تمام قسمت‌هاى مقدمه، بدون عنوان جداگانه و

در بندنوشت / پاراگراف‌هاى مجزا زير عنوان مقدمه تنظيم

مى‌شود.

- **بيکره اصلى مقاله:** بايد مباني نظرى، بحث، استدلال، تحليل و تقسيم‌بندى‌هاى محتوايى را دربرداشته باشد؛
- **مناقشه / گفت‌وگوى تحقيق:** نقد يافته‌هاى تحقيق و سنجش آن با تحقيقات پيشين براى تحقيقات طبى و سنجش با ديده‌گاه‌ها و نظرهاى مختلف براى مقاله‌هاى علوم اجتماعى.
- **نتيجه‌گيرى:** بايد دربردارنده يافته‌هاى منطقى و مفيد برآمده از پژوهش‌هاى مقاله باشد؛
- **پيش‌نهاد / پيش‌نهادها:** با توجه به نوع تحقيق، نگارش مى‌يابد و مى‌تواند براى محققان آينده يا مخاطبان تحقيق باشد (در برخى تحقيقات، مى‌تواند اين گزينه نباشد)؛
- **منابع / سرچشمه‌ها:** در پايان مقاله بايد برمبنائى شيوه‌نامه نشریه (به روش APA با اندکى تصرف)، تنظيم شود.

### ۳. ويژه‌گى‌هاى ويرايشى و نگارشى

به منظور تسريع در آماده‌سازى و ويرايش مقالات، توجه به نکات زير به‌گونه جدى توصيه مى‌شود:

- رعايت زبان فارسى درى / پشتوى معيار و نشر علمى و به دور از عبارت‌پردازى‌هاى متکلفانه؛

- رعایت رسم الخط گسسته نویسی (اصل قراردادن ریشه کلمات و با نیم فاصله نوشتن تمام پیشوندها و پسوندها (به استثنای پسوندهای تصریفی مانند نوشتنم، و ماضی قریب با نیم فاصله نوشته می شود، مانند گفته ام)؛
- استفاده به دور از افراط و تفریط از معادل های واژه گان در زبان فارسی دری و پشتو؛
- ویراسته و پیراسته بودن مقاله به لحاظ ادبی و فنی و حروف نگاری؛ از جمله رعایت فاصله و نیم فاصله (با گرفتن هم زمان کلیدهای کنترول + شیفت + ۲ / شیفت + اسپیس) در میان کلمات و گذاشتن تشدیدها و همزه ها و حرکت گذاری لازم و به دور از افراط.

#### ۴. شیوه تنظیم متن و صفحه

- **عنوان اصلی مقاله** با قلم ۱۶ سیاه (Titr) و **عنوان های فرعی داخل متن** با قلم ۱۳ (2 Mitra) سیاه تنظیم شود؛
- **متن مقاله** با قلم ۱۳ 2 Mitra در محیط واژه پرداز (Word) تنظیم شود؛
- **عبارت های لاتین درون متنی** با قلم ۱۰ Times New Roman تنظیم شوند و در پاورقی بیابند؛ آیه ها در متن و ترجمه در پاورقی و مترجم نیز مشخص شود؛
- فاصله میان سطرهای متن مقاله یک سانتی متر در نظر گرفته شود؛
- ابتدای هر بند نوشت (پاراگراف) با نیم سانتی متر تورفته گی شروع شود؛
- **اندازه صفحه** به عرض: ۱۷,۵ سانتی متر و ارتفاع ۲۳,۵ سانتی متر تنظیم شود؛
- **حاشیه متن** مقاله از بالای صفحه باید **دوونیم سانتی متر** و از پایین **دو** سانتی متر و از راست و چپ، هریک، **دوونیم** سانتی متر باشد؛
- اندازه قلم چکیده، واژه های کلیدی، منابع پایانی، ارجاعات درون متنی و نیز عبارات توضیحی (که بین دو کمان قرار می گیرند)، نقل قول های مستقیم مستقل از متن، شعرها (شامل ابیات و تک مصرعها)، تاریخ های ولادت و وفات یا دوره حکومت و ... (که بین دو کمان قرار می گیرند) و نیز محتویات جدول ها و نمودارها و توضیحات مربوط به آنها و هم چنین توضیحات تصاویر قلم ۱۱ 2 Mitra در نظر گرفته شود؛
- برای متمایز کردن واژه ها یا عباراتی که به هر دلیل بر آنها تأکید می شود، از قلم ۱۰ سیاه (Bold) استفاده شود. در چنین مواردی، استفاده از گیومه یا حروف کج/ مایل (ایرانیک/ ایتالیک) صحیح نیست؛

- نقل قول‌های مستقیم طولانی مستقل از متن (بیش از دو سطر) در بند جداگانه و با تورفته‌گی یک‌سانتی‌متر از دو طرف و با قلم ۱۱ Mitra 2 تنظیم شود (این‌گونه نقل قول‌ها در گیومه قرار نمی‌گیرند)؛
- بخش‌های مستقل مقاله با بخش ۱، که به **مقدمه** اختصاص دارد، شروع می‌شود. عنوان هر بخش اصلی با یک سطر فاصله از بخش قبلی و زیربخش‌ها با نیم سطر فاصله جدا و سیاه (قلم Titr) نوشته می‌شود؛
- همه جدول‌ها، نمودارها و تصاویر باید شماره پیاپی داشته باشند؛
- اشعار باید درون جدول تنظیم شود (بدین ترتیب که با استفاده از ابزار **table** در محیط **word**، جدولی با سه ستون ایجاد می‌کنید و مصراع اول را درون ستون اول و مصراع دوم را درون ستون سوم قرار می‌دهید. ستون وسط نیز برای فاصله بین دو مصراع در نظر گرفته می‌شود؛ سپس نشان‌گر را در انتهای هر مصراع قرار می‌دهید و هم‌زمان کلیدهای **shift** و **enter** را می‌زنید تا مصراع کشیده شود؛ بدین صورت انتهای همه مصراع‌ها در یک راستا قرار می‌گیرند. ارجاع ابیات را نیز در زیر آخرین مصراع قرار می‌دهید و نه در روبه‌روی آن)؛
- برای عنوان‌های کتاب‌ها و دانش‌نامه‌ها و نشریات، که در متن و ارجاعات درون‌متنی و منابع آمده است، از حروف کج/ مایل استفاده می‌شود، اما عناوین مقاله‌ها داخل گیومه («») قرار می‌گیرد.
- برای مقالاتی که به زبان پشتو نگارش می‌یابد، به ترتیب از این فونت‌ها / خط‌ها استفاده شود: **Bahij Titir** و **Bahij Mitra**.

## ۵. شیوه ارجاع به منابع

فصل‌نامه علمی - پژوهشی غالب، از روش مأخذدهی **APA** (شیوه پیش‌نهادی انجمن روان‌شناسان امریکا) ویرایش ششم و با اندکی تصرف استفاده می‌نماید.

### ۵-۱. ارجاع درون‌متنی

- ارجاع‌های درون‌متنی بین دو کمان و بدین صورت تنظیم شود: (نام خانواده‌گی نویسنده، ویرگول، سال، دونقطه بیانی، شماره جلد [چنان‌چه اثر جلد‌های متعدد داشته باشد بدون ذکر حرف ج]، بک‌اسلش، شماره صفحه بدون ذکر حرف ص)، مثال: (ره‌یاب، ۱۳۹۹: ۲ /

۱۵) یا (ره‌یاب، ۱۳۹۹: ۴۴): اگر نام و تخلص نویسنده در متن ذکر شود، تنها سال و صفحه می‌آید. بدین صورت: به گفته ره‌یاب (۱۳۹۹: ۳۳): هم‌چنان، اگر نام و تخلص، سال چاپ در متن ذکر شود، صرفاً صفحه مورد استفاده درون دو کمان می‌آید؛ بدین صورت: پوهاند محمد ناصر ره‌یاب، در کتاب *تقد ادبی خود* که به سال ۱۳۹۹ در هرات به چاپ رسیده است، می‌گوید: «متن» (۳۴).

در ارجاع‌های درون‌متنی، چنان‌چه دقیقاً به همان منبع پیشین، یعنی همان نویسنده، اما به صفحه‌ی دیگری، ارجاع داده شود؛ یعنی بین دو ارجاع، منبع جدیدی ذکر نشده باشد، به جای تکرار نام آن منبع، از کلمه «همان» استفاده می‌شود: (همان: ۴۹)؛ و اگر ارجاع به همان منبع و همان صفحه باشد، درج «همان‌جا» کفایت می‌کند: (همان‌جا)؛ اما چنان‌چه بلافاصله به اثر دیگری از همان نویسنده ارجاع داده شود، به جای شهرت نویسنده از «همو» استفاده می‌شود (همو، ۱۳۹۹: ۳۲)؛

در ارجاع درون‌متنی به منابع غیر فارسی / پشتو (لاتین) نیز دقیقاً به شیوه منابع فارسی / پشتو عمل می‌شود؛ با این تفاوت که به جای «همان‌جا» از «*ibid*» و به جای «همو» از «*id*» استفاده می‌شود؛

چنان‌چه از مؤلفی دو یا چند اثر در یک سال منتشر شده باشد، با قید الف، ب و... در کنار سال از یک‌دیگر تفکیک می‌شوند: (ره‌یاب، ۱۳۹۹ الف: ۴۵) و (ره‌یاب، ۱۳۹۹ ب: ۳۲)؛ اگر مقاله یا کتاب مورد استفاده، دو نویسنده داشته باشد، قسمت اول منبع بدین شکل نوشته می‌شود: (ره‌یاب و فریور، ۱۳۹۹: ۴۵)؛ دیگر موارد، به اساس چهار مورد قبلی تنظیم شود؛ اگر مقاله یا کتاب مورد استفاده، بیش از دو نویسنده داشته باشد، قسمت اول منبع درون‌متنی، بدین شکل نوشته می‌شود: (ره‌یاب و هم‌کاران، ۱۳۹۹: ۶۶)؛ دیگر موارد، براساس موردهای ۱ تا ۴ این بخش، تنظیم شود.

## ۵-۲. فهرست منابع / سرچشمه‌ها

در فهرست منابع، فهرست مقالات و دیگر آثار از فهرست کتاب‌ها تفکیک نمی‌شود (به جز قوانین)؛

اطلاعات کتاب‌شناختی منابع فارسی، پشتو و عربی (کتاب/ اثر تألیفی، اثر ترجمه‌شده، مقاله، پایان‌نامه، نسخه‌های خطی و اسناد، دانش‌نامه‌ها و مجموعه مقالات، و وب‌گاه‌های انترنتی، تصویر، سی دی، فلم) و لاتین (با تفکیک منابع لاتین) به ترتیب حروف الفبا در پایان مقاله و به این صورت تنظیم می‌شود:



**کتاب:** نام خانواده‌گی نویسنده، نام نویسنده. (سال). **نام کتاب به صورتِ درشت.** جلد با قید حرف ج. نوبت چاپ با قید حرف چ. محل نشر: نام ناشر.

مثال: (کتابِ دارای جلد و تسلسل چاپ)

ره‌یاب، محمد ناصر. (۱۳۹۹). **نقد ادبی**. ج ۱. چ ۲. هرات: پوهنتون هرات.

مثال: (کتابِ بدون جلد و تسلسل چاپ)

فریور، نجیب‌الله. (۱۴۰۰). **دستور زبان فارسی دری**. هرات: قدس

- نوبت چاپ اگر اول باشد، نیازی به ذکر آن نیست؛

- در ذکر نام مؤلفان قدیمی، نام مشهور آنان و آن‌چه روی جلد کتاب یا صفحهٔ عنوان آمده، معیار است؛

- اگر نویسنده نامعلوم باشد، عنوان کتاب در آغاز قرار می‌گیرد و **درشت** می‌شود؛

- اگر مؤلفی دو یا چند اثر داشته باشد، در تنظیم فهرست آثار او، ضمن رعایت ترتیب الفبایی نام کتاب‌ها، با درج الف، ب و... در کنار سال، از یک‌دیگر تفکیک می‌شوند:

مثال:

ره‌یاب، محمد ناصر. (۱۳۹۹ الف). **شعر هنر زبانی زیبا**. چ ۲. هرات: قدس

\_\_\_\_\_ . (۱۳۹۸ ب). **نقد ادبی**. ج ۲. چ ۲. هرات: پوهنتون هرات

- از قراردادن نام عنوان کتاب‌ها و رساله‌های دکتری در گیومه پرهیز شود؛ اما عنوان مقالات و پایان‌نامه‌های فوق لیسانس درون گیومه قرار می‌گیرد؛

- **عنوان فرعی کتاب در درون کمان و با قلم راست (غیر مایل) ذکر می‌شود؛**

- **در نام ناشر،** کلمهٔ «ناشر» یا «انتشارات» ذکر نمی‌شود؛ مگر در باب ناشرانی که کلمات مزبور جزء نام آن‌هاست، مانند «نشر مرکز» یا «نشر نی»؛

- در صورت نامعلوم بودن ناشر و محلّ و تاریخ نشر، به ترتیب از «بی‌نا»، «بی‌جا» و «بی‌تا» استفاده می‌شود.

**اثر ترجمه‌شده:** نام خانواده‌گی نویسنده، نام کوچک نویسنده. (سال). نام کتاب به صورتِ درشت، نام و نام خانواده‌گی مترجم. محلّ انتشار: نام ناشر. مثال:

برلین، آیزابا. (۱۳۸۷). **ریشه‌های رومانتیسم**. ترجمهٔ عبدالله کوثری. تهران: ماهی.

**مقاله:** نام خانواده‌گی نویسنده، نام کوچک نویسنده. (سال). «نام مقاله درون گیومه و درشت». جای نشر: نام نشریه. دورهٔ نشریه. شمارهٔ پیاپی (با نشانهٔ اختصاری «ش»). فصل نشر. شمارهٔ صفحهٔ آغاز و پایان مقاله. نشانی الکترونیکی / DOI (در صورت داشتن) مثال:

رحمانی، غلام رسول. (۱۴۰۰). «خوانش مکتوبات مولانا براساس تاریخ‌گرایی نو».

هرات: فصل‌نامه علمی - پژوهشی غالب. سال دهم. ش ۳۳. بهار. ۴۹-۶۸. قابل دسترس در:

<<https://ghalibqjournal.com/wp-content/uploads/2022/01/%D8%AE%D9%88%D8%A7%D9%86%D8%B4-%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%D8%A7%D8%AA-%D9%85%D9%88%D9%84%D8%A7%D9%86%D8%A7-%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%B3%D8%A7%D8%B3-%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%AE%E2%80%8C%DA%AF%D8%B1%D8%A7%DB%8C%DB%8C-%D9%86%D9%88-1.pdf>>

- اگر تعداد نویسندگان مقاله دو نفر باشد، ابتدا نام خانواده‌گی نگارندهٔ اول و سپس ویرگول و نام مؤلف اول می‌آید و درباب نویسندهٔ دوم ابتدا نام و سپس نام خانواده‌گی نویسنده ذکر می‌شود؛ مثال: رحمانی، غلام رسول و شیرزاد طایفی ...

- اگر تعداد نویسندگان مقاله بیش از دو نفر باشد، ذکر نام نویسندهٔ اول کافی است و پس از آن، در مقالات فارسی / پشتو عبارت «و هم‌کاران» و در مقالات انگلیسی عبارت «et al» می‌آید؛ **پایان‌نامه / رساله:** نام خانوادگی دانش‌جو، نام کوچک دانش‌جو. (سال). عنوان پایان‌نامه فوق‌لیسانس درون‌گیومه و رسالهٔ دکتری مثل کتاب. نام و نام خانوادگی استاد رهنما و ذکر عبارت «به‌رهنمایی» قبل از آن، مقطع تحصیلی، نام پوهنتون / دانش‌گاه. کجا. مثال:

**فوق‌لیسانس:** رحمانی، غلام رسول. (۱۳۹۷). «حکمت در انوار سهیلی». به‌رهنمایی محمد ناصر رهیاب. دانش‌کدهٔ ادبیات و علوم بشری دانش‌گاه هرات.

**دکتری:** بدون گیومه می‌آید.

**نسخ خطی و اسناد:** نام مشهور مؤلف (سال کتابت نسخه). عنوان کتاب یا رسالهٔ خطی یا نسخهٔ عکسی (درشت)، شمارهٔ نسخه. محل نگه‌داری.

- در ارجاع به اسناد تاریخی، این موارد ذکر می‌شود: عنوان سند. شمارهٔ طبقه‌بندی و دسترسی. نام بایگانی؛

- در ارجاع به میکروفیلم‌ها، افزون بر مشخصات کتاب، ذکر شمارهٔ میکروفیلم و محل نگه‌داری نیز لازم است؛

- چنان‌چه نام نویسندهٔ نسخهٔ خطی نامشخص باشد، عنوان سند در آغاز قرار می‌گیرد و **درشت** می‌شود.

**دانش‌نامه‌ها و مجموعه‌مقالات:** نام خانوادگی مؤلف، نام کوچک مؤلف. (سال). عنوان مدخل یا مقاله (درون گیومه). عنوان دانش‌نامه یا مجموعه‌مقالات (درشت). نام سرپرست یا گردآورنده یا سرویراستار. شمارهٔ جلد. محل نشر: ناشر. شمارهٔ صفحات آغاز و پایان مدخل یا مقاله.

**وب‌گاه‌های اینترنتی:** نام خانواده‌گی نویسنده، نام کوچک نویسنده. (تاریخ درج مطلب در وب‌گاه، روز، ماه و سال). عنوان مقاله یا نوشته (داخل گیومه). نام وب‌گاه. نشانی الکترونیکی آن. تاریخ برداشت مطلب از وب‌گاه (ماه، روز و سال).  
 - ارجاع به مطالب اینترنتی در حدّ ضرورت و زمانی است که منابع مکتوب در آن زمینه موجود نباشد؛  
 - ارجاع به مطالب سایت‌ها، فلم‌ها، سی‌دی‌ها و... براساس رهنمود APA تنظیم شود.

## ۶. پی‌گیری مقاله

- چنان‌چه مقاله مطابق با ویژه‌گی‌های کلی یادشده تنظیم نشده باشد، قبل از ارزیابی اولیه علمی، برای اصلاحات، به نویسنده مسؤؤل برگردانده می‌شود؛
- نقد و نظر داوران صرفاً برای نویسندگانی ارسال می‌شود، که مقاله آنان به شرط اصلاح و داوری مجدد پذیرفته شده باشد؛ لذا از ارسال نظر داوران برای مقالاتی که رد می‌شوند، معذوریم.
- نویسندگان مسؤؤل مقالات، می‌توانند فرایند داوری مقاله را از طریق حساب خود در وب‌سایت (سامانه) مجله پی‌گیری کنند.

## ۷. هزینه داوری و انتشار مقاله

برای فعلاً فصل‌نامه علمی - پژوهشی غالب، هزینه‌یی را از نویسندگان بابت داوری و انتشار دریافت نمی‌کند؛ بل که، برای نویسندگان مقالات علمی - پژوهشی، (۵۰۰۰) پنج‌هزار افغانی و برای مقالات ترجمه‌شده مقالات علمی - پژوهشی (۲۰۰۰) دوهزار افغانی، به عنوان حق‌الزحمه پرداخت می‌نماید.

برای مقالاتی که جهت ترفیع علمی به نشر می‌رسد، هیچ حق‌الزحمه‌یی پرداخت نمی‌شود. پس از نمایه‌شدن فصل‌نامه علمی - پژوهشی غالب، در پای‌گاه‌های مهم نشریات جهانی، هزینه داوری و انتشار مقاله، از نویسنده مسؤؤل دریافت خواهد نمود.

## ۸. فرایند ارسال، دریافت و چاپ نشر

۱. ثبت نام در سامانه مجله غالب ([www.ghalibqjournal.com](http://www.ghalibqjournal.com))؛
۲. انتخاب ارسال مقاله و تکمیل فرایند؛
۳. ارسال مقاله از سوی مدیر / سردبیر مجله به داور؛
۴. تأییدشدن از سوی داور، هیئت تحریر، سردبیر و مدیرمسؤؤل؛
۵. ارسال گواهی از تأیید مقاله به نویسنده مسؤؤل؛

۶. بارگذاری مقاله در وبسایت و چاپ آن در نسخه سخت‌افزار؛

۷. پرداخت حق‌الزحمه داوران، هیئت تحریر و نویسندگان.

## ۹. پرسش‌های متداول

۱. آیا می‌توان چند مقاله به طور هم‌زمان برای چاپ به مجله ارسال نمود؟

خیر. هرگاه نتیجه داوری مقاله‌یی که ارسال نموده‌اید مشخص شد، آن‌گاه می‌توانید نسبت به ارسال مقاله بعدی خود اقدام کنید.

۲. آیا می‌توان مقاله خود را به چند مجله ارسال نمود؟

خیر. این خلاف اخلاق در نشر است؛ اگر چنین کاری صورت بگیرد، مقاله شما چاپ و نشر نخواهد شد؛ و اگر چاپ شده باشد از آن صلب اعتبار خواهد شد. سپس نام شما در لیست سیاه مجله قرار خواهد گرفت و هیچ مقاله دیگری از شما پذیرفته نخواهد شد.

۴. آیا لازم است همه نویسندگان مقاله را ارسال نمایند و با دست‌اندرکاران مجله در ارتباط

باشند؟

خیر. نویسنده مسؤول، پی‌گیری روند ارزیابی تا چاپ مقاله را می‌تواند جویا شود.

۵. چه موقع نامه پذیرش مقاله را دریافت می‌کنم؟

هنگامی که تمامی اصلاحات لازم بر روی متن شما انجام شد و داوران و در نهایت سردبیر، هیئت تحریر مدیرمسؤول نوشته شما را تأیید کردند، نامه پذیرش به شما ارسال خواهد شد.



## فصل نامه علمی – پژوهشی غالب مشترک می پذیرد.

### وجه اشتراک سالانه:

- خارج ولایت: ۱۰۰۰ افغانی
  - داخل هرات: ۸۰۰ افغانی
  - خارج کشور: ۶۰ دالر امریکایی
  - برای محصلان: ۲۰۰ افغانی
- 

### فورم اشتراک سالانه

#### فصل نامه علمی – پژوهشی غالب

نام:..... تخلص:.....

وظیفه:..... ولایت:.....

شماره تیلیفون / موبایل:.....

نشانی دقیق:.....

ایمیل:.....

علاقه مندان می توانند پول وجه اشتراک سالانه خویش را به مدیریت فصل نامه غالب بسپارند.

شماره های تماس: ۲۲۵۷۳۴۳-۰۷۰۳۵۰۳۵۰۰